

۴۱۳

کیمپان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۵ تا ۱۱ خردادماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۹

برای آزادی
بی‌مهر - این
بمقتضات - بر سر

باز هم
«همه با هم»
علیه ایران؟!!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۹ (۴۱۳)

جمعه ۵ تا ۱۱ خرداد ماه ۱۴۰۲

۲۶ مه تا ۱ ژوئن ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب **«سوریه: چاله عنکبوت»** به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سر مقاله - ۴۴ سال انقلاب و جمهوری ترور علیه پهلوی! / الا هه بقراط ۴

باز هم «همه با هم» علیه ایران؟! ... / روشنگر آسترکی ۴-۵

گفتگوی شاهزاده در ضا پهلوی با جو و بلسون عضو کمیته سیاست خارجی ... / ۶

دیدار و گفتگوی شاهزاده در ضا پهلوی با سنا تور دموکرات ریچارد بلومنتال ... / ۷

«اور شلیم پست»: اسرائیل و مردم ایران می توانند با هم علیه رژیم مالاها بکنند ... / ۸

عبور فرماندهان ارشد نیروی دریایی آمریکا، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاور میانه ... / ۹

نشست سران اتحادیه عرب با حضور قصاب سور به ... / ۱۰

هان ای دل عبرت بین، از دیده نظر کن، هان ... / احمد احرار ۱۱

آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۴) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی ۱۲-۱۴

اعدام‌های سیاسی به مثابه جنایت بین‌المللی ... / محمود مسائلی ۱۴-۱۵

جمهوری اسلامی سه شهر و ندمعترض دیگر را به قتل رساند ... / ۱۶-۱۷

خاکسپاری پیکر اعدام‌شدگان «خانه اصفهان» توسط مأموران حکومتی ... / ۱۷-۱۸

محروریت ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران از امکانات اولیه زندگی ... / ۱۸-۱۹

ایران معبدی است که باید بازسازی شود (بخش یک) ... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

گروه هفت: نقض حقوق بشر و مداخله رژیم ایران در جنگ اوکراین ... / ۲۲

بازگشت سور به اتحادیه عرب با اجازه جمهوری اسلامی ... / احمد رأفت ۲۳

ناوگروه ۸۶ ارتش: افسرانی با صورت «سه تیغه» و هم‌سن و سال معترضان ... / ۲۴-۲۵

آسوشیند پرس: جمهوری اسلامی در عمق ۸۰ متری کوه‌های زاگرس تأسیسات ... / ۲۵

در دگردیسی؛ مقاله دوم: آنها که رسیدند ... / یوسف مصدقی ۲۶-۲۷

«فوتیال علیه دشمن»: تشویق علی کریمی و ووریا غفوری ... / ۲۷

خروش دوباره ملت ایران؛ تظاهرات در چند شهر دری اعدام ... / ۲۸-۲۹

شورای آتلانتیک: با شکست احتمالی روسیه در جنگ اوکراین آینده رژیم‌های ... / ۳۰-۳۱

کشته شدن شش مأمور مرزبانی در سروان ... / ۳۱

تأیید حکم اعدام محمد قبادلو شهر و ندمعترض ۲۲ ساله در دیوان عالی کشور ... / ۳۲-۳۳

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی معرفی شد ... / ۳۳

رقابت در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای ساخت پهپادهای انتحاری و ... / ۳۴

خبرگزاری ایران: حمید نوری را به «لانه گرگ» کشاندند ... / ۳۵

جمهوری اسلامی و ترویج کودک همسری: از دواج بیش از ۲۷ هزار دختر ... / ۳۶

سینمای اعتراضی ایران در جشنواره کن ... / احمد رأفت ۳۷

فدرالیسم در ایران: راهی به سوی دموکراسی یا فروپاشی؟ (بخش دو) ... / امیرعباس امیرشکاری ۳۸-۴۰

افزایش فشارها به دولت بریتانیا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران ... / ۴۱

حجت کلاشی: وسوسه‌های جمهوریخواهی و وسوسه‌های ایجاد ... / فیروزه نور دستروم ۴۲-۴۵

در سالگرد فروریختن «متروپل» آبادان، فهرست ساختمان‌های نایمن ... / ۴۶-۴۷

علی اکبر احمدیان رئیس مرکز راهبردی سپاه پاسداران جایگزین علی شمخانی شد ... / ۴۷

ایران جزو ۲۰ کشور دارای بالاترین شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۲ ... / ۴۸-۴۹

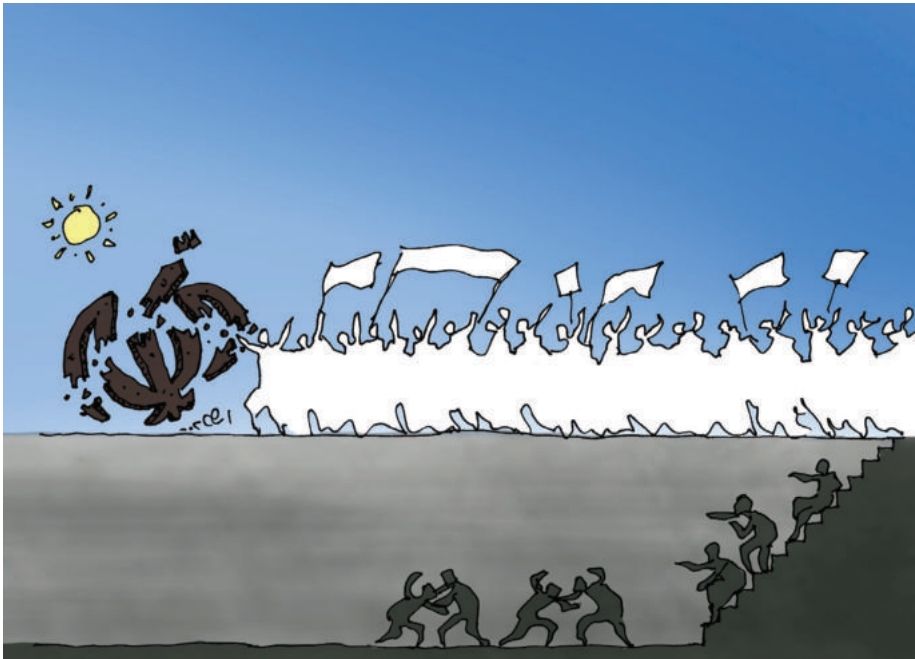
ولود میمیر زلینسکی به مردم ایران: همدست ترور و جنایت‌های روسیه نشوید ... / ۴۹

پشت جلد - عکس هفته / حکم قتل حکومتی محمد قبادلو، ۲۲ ساله، تأیید شد! ۵۰

بازنشر
بازنشر



باز هم «همه با هم» علیه ایران؟!



● موج دوباره اعتراضات و نقش چشمگیر دیپلماتیک که شاهزاده رضا پهلوی در سفرهای رسمی خود به اروپا و اسرائیل و دیدار با مقامات ایالات متحده ایفا کرده بار دیگر سبب صف‌بندی و «همه با هم» نیروها و جریان‌های معروف به پنجاه‌هفتی شده است.

تداوم مشکلات اقتصادی

یک عامل مهم دیگر، مشکلات اقتصادی و معیشتی است. آنچه در صحنه اقتصاد ایران در جریان است، چشم‌اندازی به شدت منفی را به تصویر کشیده که حاکی از تنگ‌تر شدن فضای کسب و کار، افزایش تورم و گرانی و کوچک‌تر شدن سفره‌های مردم است.

بحران در اقتصاد ایران به حدی گسترش یافته که نه تنها اقشار حداقل‌بگیر و کم‌درآمد مانند کارگران و بازنشستگان بلکه اقشار متوسط نیز درگیر مشکلات معیشتی و تلاش برای تأمین هزینه‌های ماهانه هستند. به نظر کارشناسان بیش از دو سوم از جامعه ایران به اشکال مختلف با فقر و بحران مالی روبروست. تورم فزاینده در مواد خوراکی که در ماه‌های گذشته به آستانه ۸۰ درصد رسیده، کاهش ارزش پول ملی که سبب کاهش ارزش واقعی دستمزدها و کوچک شدن سبد مصرفی خانوار شده، و همچنین تورم جهنده در بازار مسکن، از جمله مهمترین مشکلات معیشتی مردم هستند.

در آنسو دولت به صحنه‌سازی و ادعاهای کذب از جمله کاهش نرخ تورم مشغول است و حتی با عدس‌سازی به دنبال پنهان کردن رقم واقعی تورم است. همچنین با ایجاد موج خبری تلاش دارد بر فضای روانی بازار مسلط شود که البته این اقدامات تأثیرات بسیار کوتاه‌مدت دارد. برای نمونه در آخرین روزهای هفته گذشته خبر سفر هیثم بن طارق سلطان عمان به تهران در یکشنبه آینده سبب کاهش هزار تومانی قیمت ارز از کانال ۵۳ هزار تومان به کانال ۵۲ هزار تومان شد. اما با توجه به اینکه سیاست‌های خصمانه جمهوری اسلامی تا امروز تغییری نکرده، اثر روانی چنین خبری نیز مانند اثر کوتاه‌مدت و زودگذر ادعای بهبود روابط با عربستان سعودی خواهد بود.

در روزهای گذشته بار دیگر موجی از خیزش مردم علیه جمهوری اسلامی در پی اعدام سه جوان معترض پرونده «خانه اصفهان» به راه افتاده است. در شرایطی که هر لحظه امکان بروز اعتراضات سراسری وجود دارد، اتاق فکری امنیتی در حال سناریوسازی برای تسلط بر انقلاب ملی و انحراف آن در جهت استمرار جمهوری اسلامی هستند و در این راه، همه عوامل داخل و خارج کشور را برای پیشبرد آن به کار گرفته‌اند.

تداوم سرکوب و اعدام‌ها

در پی اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه شهروند معترض «خانه اصفهان» که سحرگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت در زندان دستگیر به دار آویخته شدند بار دیگر مردم ایران در شهرهای مختلف ایران تظاهرات کردند.

اعتراضات مردم در نخستین ساعت پس از اعلام خبر اعدام با سر دادن شعار از بالکن‌ها و پشت پنجره در چند محله تهران آغاز و در غروب روز جمعه ۲۹ اردیبهشت به اعتراضات خیابانی در پایتخت و چند شهر دیگر ایران انجامید. اعتراضات شبانه مردم در شب بعد نیز ادامه پیدا کرد و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و علی خامنه‌ای، و پاسداشت خاندان پهلوی سر داده شد.

اینهمه نشان می‌دهد که هر لحظه ممکن است بار دیگر موجی از اعتراضات علیه جمهوری اسلامی به راه بیفتد. عوامل محرک برای از سر گرفته شدن دوباره اعتراضات سراسری کم نیستند. اقدامات نهادهای امنیتی و قوه قضاییه در سرکوب مردم و اقشار مختلف و اجرای احکام اعدام شهروندان معترض که در دادگاه‌هایی حتی در تضاد با قوانین ناکارآمد جمهوری اسلامی و به شکل ناعادلانه به اعدام محکوم می‌شوند تنها یکی از محرک‌های به جریان افتادن سیل جمعیت معترض در خیابان‌هاست.

سرمقاله

۴۴ سال انقلاب و جمهوری ترور علیه پهلوی!

از انقلاب ارتجاعی ۵۷ که با توجه به اینکه در قرن بیستم و در شرایطی اساساً مقایسه‌ناپذیر با قرون گذشته روی داده، می‌بایست به عنوان فاجعه‌ای مشابه حمله اعراب و مغول یاد کرد. با این تفاوت که آن حملات خارجی و این حمله از سوی دشمنان داخلی بوده و نقطه تمرکز تمام نیروهای مدافع آن علیه دو پدیده بوده و هست: نظام پادشاهی و پهلوی!

مخالفت با نظام پادشاهی عمدتاً از سوی ارتجاع سرخ مطرح و تبلیغ می‌شد و روند انقلاب و سخنان روح‌الله خمینی که رهبری آن بر عهده‌اش گذاشته شد، تا زمانی که فاجعه به نقطه تعیین‌کننده نرسیده بود، ضدسلطنتی نبود! لطفاً به شواهد مستند در آن دوران مراجعه شود. چپ‌گرایان آمال خود را در نظام جمهوری می‌دیدند و نیم قرن پیش هم، عین امروز، شکل نظام را مترادف «آزادی» و «دمکراسی» البته با درک الکن و دیکتاتوری که خود از آن داشتند، قلمداد می‌کردند! گمان نمی‌رود هیچکسی در هدف آنها برای استقرار «دیکتاتوری پرولتاریا» آنهم در شرایطی که هنوز اتحاد جماهیر شوروی و اقمارش ابدی به نظر می‌رسیدند، تردیدی داشته باشد.

مخالفت با پهلوی، و نه الزاماً سلطنت، عمدتاً از سوی ارتجاع سیاه مطرح و تبلیغ می‌شد و روند انقلاب و سخنان روحانیت مرتجع و شخص خمینی به دلیل اصلاحات بنیادین رضاشاه و سپس انقلاب سفید در آغاز دهه چهل که همگی چهره ایران را دگرگون کردند، علیه پهلوی بود! ارتجاع سیاه با پادشاهان «مزدبگیر اجنبی» و مفتخور قاجار و جامعه‌ای بی‌سواد و تراخمی و گرسنه بیشتر همخوانی داشت تا با پادشاهان و جمعیتی که آن را به گوشه‌ی جیره‌ها می‌راندند. در این موضوع هم که رضاشاه خواهان استقرار «جمهوری» بود ولی ملایان وی را تشویق به سلطنت کردند، می‌بایست به دو نکته توجه داشت: یکی اینکه، اگر چنین می‌شد، باز هم بنا به تجربه در کشورهای خاورمیانه و مسلمان‌نشین، آن جمهوری نیز مادام‌العمر و موروثی می‌شد! دیگر اینکه، توصیه‌ی ملایان به «سلطنت» نه از عشق آنها به پادشاهی و یا هراس‌شان از یک «جمهوری دمکرات»، که اساساً آن زمان در ذهن هیچ نیروی سیاسی و اجتماعی ایران محلی از اعراب نداشت، بلکه از این بود که آنها نیز بر اساس تجربه، چیز دیگری جز سلطنت قاجار نمی‌شناختند و فکر می‌کردند قدرت آنها با سلطنت تداوم خواهد یافت به ویژه آنکه اختیارات خود را در متمم قانون اساسی نیز تثبیت کرده بودند.

اما پهلوی‌ها بخشی از اختیارات قانونی ملایان را زیر پا نهادند تا بتوانند ایران نوین را بنا کنند. ایرانی که کابوس آن هرگز جمهوری اسلامی را رها نکرده و پس از بیش از چهار دهه تازه علیه آن «جهاد تبیین» به راه انداخته. جهادی که دوباره ارتجاع سرخ و سیاه را که بخشی از آن سودای جمهوری‌های فرقه‌ای در سر می‌پروراند عین ۵۷ به خود جذب کرده است. غافل از آنکه هرچه زمان که مهم‌ترین عنصر شناخت و تجربه به شمار می‌رود، می‌گذرد، صف‌ها و جای مدعیان بیش از پیش روشن می‌شود تا جایی که دشمنان ملت و مملکت را با وجود ادعاهای دمکراتیک و حقوق بشری، نه علیه جمهوری اسلامی بلکه علیه پهلوی بسیج کرده و آنها را بنا به سرشت‌شان، حتا به تهدیدات تروریستی علیه شخص شاهزاده واداشته است!

رضا پهلوی در سفرهای رسمی وی به اروپا و اسرائیل و دیدار با مقامات ایالات متحده در ماه‌های گذشته، نه تنها اصلاح‌طلبان را جدی‌تر از پیش به میدان کشانده بلکه بار دیگر سبب صف‌بندی و «همه با هم» نیروها و جریان‌ها

است که مردم در ماه‌های گذشته از خود نشان داده‌اند. **آرایش در جبهه‌ی مقابل مردم** در آنسو اما حکومتی که به هر دستاویزی متوسل می‌شود تا در قدرت و بر سفره انقلاب بماند، به طراحی سناریوهای

بر اساس برآورد کارشناسان اقتصادی، سرعت تورم در ماه‌های خرداد و تیر امسال شدت پیدا خواهد کرد و آثار این جهش تورمی تا ماه‌ها بعد در بازارهای مختلف نمایان خواهد شد. افزایش تورم درست در اوج فصل جابجایی



معروف به پنجاه‌وهفتی شده است. به ویژه آنکه همچنان در اعتراضات تنها اسمی که از سوی مردم ایران در شعارها تکرار می‌شود «رضاشاه» و یادآوری خدمات پادشاهان فقید پهلوی با شعارهایی چون «شاهنشاه روح شاد» است. شواهد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی و جریان‌ها پنجاه‌وهفتی در یک همپوشانی سازمان‌یافته موج حملات علیه شاهزاده رضا پهلوی و نیروهای مشروطه‌خواه را که نمایندگان موج ملی‌گرایی و میهن‌دوستی هستند و نشان داده‌اند ظرفیت فعال اجتماعی در کف خیابان‌های ایران را دارند، پیش می‌برند. آنها همچنین تلاش می‌کنند با جوسازی در فضای مجازی و استفاده از رسانه‌های فارسی‌زبان که به آنها تریبون می‌دهند، در صف ملی‌گرایانی که بر ملت و اهداف آن تکیه دارند، شکاف بیندازند و انرژی آنها را در رویارویی با یکدیگر هز بزنند.

اینهمه تنها بخشی از سناریویی است که از داخل و خارج توپخانه حملات را به سوی شاهزاده و مدافعان پهلوی هدف بگیرند. آنها همزمان با لابی‌گری و هماهنگی می‌کوشند انقلاب ملی ایران را با تضعیف شاهزاده، یک حرکت بی‌ریشه و بی‌هویت نشان دهند تا بتوانند اختیار آن را در دست بگیرند.

اصلاح‌طلبان/ تحول‌خواهان به مدد افراد جاسازی شده در اپوزیسیون همچنان نقش اصلی را در این سناریو دارند. آنها هم از دست بالا در چانه‌زنی با جناحین حکومت برای تصاحب سهم بیشتری از قدرت، تا زمانی که این حکومت پابرجاست، برخوردارند و هم برای فردای پس از جمهوری اسلامی بدنه‌ای متشکل از پنجاه و هفتی‌های پهلوی‌ستیز را گرد آورده‌اند تا بتوانند نبض تحولات را در دست داشته باشند. اینهمه در حالیست که ملت ایران در سال‌های اخیر نشان داده از چنان آگاهی و هوشمندی بالایی برخوردار شده که بتواند نقشه‌های پلید آن نیروهای سیاسی را که نیم قرن فلاکت و تباهی و تحقیر را بر کشور تحمیل کرده‌اند، سر بزنگاه نقش بر آب کند.

روشنگ آسترکی

مختلف در اتاق‌های فکر امنیتی برای به انحراف کشیدن جنبش انقلابی، تضعیف نیروهای موثر و تسلط بر موج اعتراضات مشغول است.

همچنین در پیش بودن دوازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی که قرار است جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شود، نهادهای امنیتی را وا داشته تا از هم‌اکنون فضا را به شیوه‌ای مدیریت کنند که اگر نتور انتخابات فرمایشی داغ نشود و مردم در آن شرکت نکنند، دست‌کم یک انتخابات آبرویافته‌ی دیگر مانند ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ و روی کار آوردن ابراهیم رئیسی رقم نخورد و ظاهر آن را جهت پوشش رسانه‌ای حفظ کنند.

در این میان اصلاح‌طلبان همچنان آن بال نظام هستند که هم برای روشن نگه داشتن نتور انتخابات مجلس شورای اسلامی و هم برای پیشبرد سناریوهای موازی جهت سوار شدن بر خیزش انقلابی مردم به شدت تلاش می‌کنند.

تحركات جناح اصلاح‌طلب و جریان‌ها و اشخاص وابسته‌اش در روزهای گذشته شدت گرفته است. از یکسو حضور مردم معترض در خیابان‌ها پس از اعدام سه معترض پرونده «خانه اصفهان» نشان داد محاسبات جمهوری اسلامی در پیش‌بینی و شناخت نیروهای معترض اجتماعی غیرواقعی است. نهادهای امنیتی و قضایی در اصفهان با یک خطای تحلیلی گمان می‌کردند پتانسیل هیجانی جامعه پس از پایان این دوره از لیگ برتر فوتبال ایران و پیروزی تیم پرسپولیس در پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت تخلیه شده و مردم دیگر انرژی و انگیزه‌ای برای حضور در خیابان پس از اعدام سه جوان معترض نخواهند داشت. آنها همچنین با توجه به اینکه تیم فوتبال سپاهان اصفهان رقیب تیم پرسپولیس برای کسب عنوان قهرمانی بود، تصور می‌کردند عدم بُرد کاپ قهرمانی لیگ برتر توسط این تیم، شهروندان هوادار این تیم را مأیوس کرده و انگیزه اعتراض را از آنها گرفته است. مردم اما نه تنها در اصفهان که در بیش از ۱۰ شهر دیگر ایران به اعتراض علیه این اعدام‌ها پرداختند.

این زنگ خطر در داخل در کنار نقش دیپلماتیک شاهزاده

مستأجرانی است که بنا بر آمارها بیش از ۴۰ درصد از جمعیت شهرنشین ایران را شامل می‌شوند و امسال بیش از سال‌های گذشته با افزایش اجاره‌بهای خانه روبرو شده و بسیاری از آنها به معنای واقعی توان اجاره حتی یک اتاق را در محدوده شهرها ندارند و به حلیب‌آبادها و اتوبوس‌خوابی و پشت‌بام‌خوابی رو آورده‌اند.

شرایط اسفناک اقتصادی از سوی مقامات جمهوری اسلامی نیز دیگر قابل انکار نیست و حتی برخی از مقامات ناچار به اعتراف درباره آمارهای تکاندنده از جمله درباره فقر مطلق شده‌اند. بهروز محبی نجم‌آبادی عضو کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی از قرار داشتن یک چهارم جمعیت ایران در «فقر مطلق» خبر داده و گفته که «متأسفانه قریب به ۲۰ میلیون نفر در کشور در شرایط مساعدی نیستند که حدود ۳ میلیون خانوار بوده و دچار فقر مطلق هستند که این آمار در سامانه رفاه نیز مشخص است.» همچنین بسیاری از کارشناسان نسبت به لبریز شدن کاسه صبر مردم هشدار داده و آغاز دوباره اعتراضات سراسری را دور از واقعیت ارزیابی نمی‌کنند. از جمله حسین راغفر اقتصاددان اصلاح‌طلب با اشاره به گسترش فقر و گرانی و بی‌عملی دولت برای ساماندهی به اوضاع اقتصادی گفته که «در شرایط فعلی باید منتظر بازگشت اعتراضات و ناآرامی‌های غیرقابل پیش‌بینی در خیابان‌ها باشیم.»

همه عوامل محرک بروز خشم و اعتراضات مردم در حالیست که نارضایتی عمومی از ساختار فاسد، تباه و ناکارآمد جمهوری اسلامی همچنان با قدرت و با پشتوانه فکری و تاریخی نسبت به آنچه انقلاب ۵۷ بر سر ایران آورده پابرجاست. اراده‌ی مردم ایران با هر اعدام، با هر بازداشت و با هر اقدام سرکوبگرانه حکومت بیش از پیش برای براندازی و ایجاد ساختاری ملی و کارآمد و دموکراتیک تقویت می‌شود. بدون شک چنین خواسته‌ای برای مردمی که با دست خالی و با سپر کردن سینه‌ی خود در برابر نیروهای وحشی و تا دندان مسلح حکومت قرار دارند، به سرعت تحقق پیدا نمی‌کند و نیازمند ایستادگی و همبستگی و امید به آینده

گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با جو ویلسون عضو کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان آمریکا درباره مسائل ایران



عکس از توئیتر جو ویلسون

خوانساری‌نیا در تویتی با اشاره به حمایت‌های جو ویلسون از مردم ایران و تلاش‌های وی و همکارانش برای تبدیل این حمایت‌ها به قانون نوشت که «این اقدامات او را به دوست واقعی جامعه ایرانی- آمریکایی تبدیل می‌کند.»

این دیدار یک هفته پس از آن صورت گرفت که یک ائتلاف دو حزبی متشکل از ۲۲ قانونگذاران کنگره نامه‌هایی به سران کشورهای استرالیا، هند، بریتانیا و کانادا ارسال کردند تا از کشورهای متحد آمریکا بخواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهند. یکی از امضاکنندگان این نامه جو ویلسون بود. ویلسون یکی از سه نماینده‌ای است که اواسط سال ۱۴۰۱ به همراه جیم بنکس و کلودیا تنی پیگیر مسدود شدن اکانت مخالفان جمهوری اسلامی در توئیتر شدند و فعالیت‌های مشکوک شرکت متا را زیر نظر گرفتند.

شاهزاده پهلوی روز پنجشنبه با سناتور دموکرات ریچارد بلومنتال از ایالت کنتیکت نیز دیدار و گفتگو کرد. ریچارد بلومنتال یکی از سناتورهایی است که سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت در جلسه محرمانه مقامات دولت آمریکا در مورد ایران شرکت کرده بود. وی در حاشیه این نشست گفته بود «هر توافقی با ایران باید قابل اجرا و الزام‌آور باشد و اطمینان حاصل شود که ایران به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت.»

این دیدارها که با هماهنگی اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) در «کاپیتال هیل» برگزار شد بخشی از کارزار فراگیر همسو با مبارزه ایرانیان جهت دستیابی به آزادی و حقوق بشر است.



● جو ویلسون عضو جمهوریخواه کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز پنجشنبه ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) با انتشار تصویری از دیدار با شاهزاده رضا پهلوی از گفتگو با «ولیعهد» برای همفکری در مورد مسائل مهم حقوق بشری و دموکراسی برای مردم ایران تشکر کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی با بازنشر توئیٹ ویلسون نوشت گفتگوی سازنده‌ای با جو ویلسون، درباره «حمایت حداکثری از مردم ایران و جنبش آنها» داشتیم و در مورد پیامدهای تغییر دموکراتیک در ایران برای ژئوپلیتیک جهانی و امنیت ملی آمریکا نیز گفتگوی مفصلی انجام شد.

جو ویلسون عضو جمهوریخواه کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز پنجشنبه ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) با انتشار تصویری از دیدار با شاهزاده رضا پهلوی از گفتگو با «ولیعهد» برای همفکری در مورد مسائل مهم حقوق بشری و دموکراسی برای مردم ایران تشکر کرد.

شاهزاده رضا پهلوی توئیٹ ویلسون را بازنشر کرد و نوشت گفتگوی سازنده‌ای با جو ویلسون، درباره «حمایت حداکثری از مردم ایران و جنبش آنها» داشتیم و در مورد پیامدهای تغییر دموکراتیک در ایران برای ژئوپلیتیک جهانی و امنیت ملی آمریکا نیز گفتگوی مفصلی انجام شد.

کامران خوانساری‌نیا دبیر سیاست گذاری «نوفدی» و امیرحسین اعتمادی نیز در این ملاقات حضور داشتند.

دیدار و گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با سناتور دموکرات ریچارد بلومنتال و «حمایت حداکثری از مردم ایران»



دیدار شاهزاده پهلوی با ریچارد بلومنتال سناتور ایالت کنتیکت در سنای آمریکا

گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل نیز در واشنگتن دیدار کرده بود. گاملیل در توییتی به فارسی این دیدار را «موفق» دانست و نوشت: «سیاست خونخوارانه رژیم آیت‌الله‌ها که به مردم ایران و جهان صدمه می‌زند، باید باعث بسیج عمومی جامعه بین‌المللی شود.»

جمهوریخواه از دولت جو بایدن به دلیل بی‌برنامگی در قبال جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن تهدیدات رژیم ایران و همچنین اصرار به ادامه مذاکرات برجام انتقاد کرده بودند. شاهزاده رضا پهلوی پیش از دیدار با سناتور بلومنتال با

● شاهزاده رضا پهلوی روز پنجشنبه ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) با سناتور دموکرات ریچارد بلومنتال دیدار کرد. او در توییتی نوشت در این دیدار در مورد چگونگی حمایت حداکثری ایالات متحده از مردم ایران گفتگو شد. ● این دیدار که با هماهنگی اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) در «کاپیتال هیل» برگزار شد بخشی از کارزار فراگیر همسو با مبارزه ایرانیان جهت دستیابی به آزادی و حقوق بشر بوده است. شاهزاده پهلوی این جلسه را «سازنده» خواند.

شاهزاده رضا پهلوی روز پنجشنبه ۱۸ ماه مه (۲۰۲۳) ۲۸ اردیبهشت) با سناتور دموکرات ریچارد بلومنتال دیدار کرد. او در توییتی نوشت در این دیدار در مورد چگونگی حمایت حداکثری ایالات متحده از مردم ایران گفتگو شد. این دیدار که با هماهنگی اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) در «کاپیتال هیل» برگزار شد بخشی از کارزار فراگیر همسو با مبارزه ایرانیان جهت دستیابی به آزادی و حقوق بشر بوده است. شاهزاده پهلوی این جلسه را «سازنده» خواند.

ریچارد بلومنتال یکی از سناتورهایی است که سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت در جلسه محرمانه مقامات دولت آمریکا در مورد ایران شرکت کرده بود. وی در حاشیه این نشست گفته بود «هر توافقی با ایران باید قابل اجرا و الزام‌آور باشد و اطمینان حاصل شود که ایران به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت.»

جزئیات دقیق آنچه در نشست سه‌شنبه بین طرفین رد و بدل شد مشخص نیست اما گفته می‌شود سناتورهای



مقاله وزیر اطلاعات اسرائیل در «اورشلیم پست»: اسرائیل و مردم ایران می‌توانند با هم علیه رژیم ملاحا بجنگند



سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل / آوریل ۲۰۲۳

شده تبدیل شد که دیگر یهودیان در مقابل مسلمانان قرار نمی‌گرفتند، بلکه متمرکز بر کسانی است می‌خواهند آینده‌ای بهتر در برابر کسانی بسازند که فقط به دنبال تخریب هستند. اکنون که این پُل‌ها بین دولت یهودی و کشورهای عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا ساخته یا بازسازی شده است، اقداماتی به صورت هفتگی یا ماهانه انجام می‌شود تا اطمینان حاصل شود که همه مردم منطقه از این صلح و وحدت بهره‌مند می‌شوند.

با آرزوی آینده‌ای روشن برای ایران در اسرائیل می‌دانیم و می‌بینیم که اکثریت قاطع مردم ایران می‌خواهند دست به دست هم دهند تا آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندان‌شان بسازند، اما می‌دانیم که رژیم آیت‌الله محور نابودی منطقه ما را رهبری می‌کند.

این از میلیاردها دلاری معلوم می‌شود که رژیم آیت‌الله بجای ساختن آینده‌ای بهتر و کمک به ایرانی‌های عادی که برای بقای خود تلاش می‌کنند آن را صرف تأمین مالی تروریست‌های نیابتی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انصارالله، حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی می‌کند.

همین محور هر روز با اسرائیل و مردم ایران می‌جنگد و برایش مهم نیست که چقدر خون باید بریزد تا به سلطه منطقه‌ای مطلوب خود برسد. به همین دلیل است که مردم ایران و اسرائیل باید در کنار هم در برابر دشمن مشترک مشترک بایستند.

قوم یهود به خوبی به یاد دارند که چگونه رهبر تاریخی ایران «کورش کبیر» اجداد ما را از اسارت بابل آزاد و به آنها در بازسازی معبد اورشلیم کمک کرد.

اکنون نوبت ماست که با جستجوی راه‌هایی برای مبارزه مشترک علیه ظلم مدرن رژیم آخوندی، رهایی مردم ایران از شر آن و هموار کردن آینده‌ای بهتر برای آنها، ما و همه مردم منطقه خود، جبران کنیم. مورد ظلم و آزار آنها و افراد نیابتی آنها قرار می‌گیرند. این تعهدی است که ما در آغاز تجدید روابط بین مردم ایران و اسرائیل می‌پذیریم.

منبع: روزنامه اورشلیم پست

نویسنده: گیلا گاملیل وزیر اطلاعات دولت اسرائیل

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

خارج از کشور به عنوان روشی منحصر بفرد برای حفظ سلطه خود بر قدرت برای پیشبرد ایدئولوژی ویرانگر و افراطی خود استفاده می‌کند.

ما در هفته گذشته با شلیک بیش از هزار موشک مرگبار به مردم اسرائیل توسط گروه نیابتی «جهاد اسلامی» وابسته به رژیم ایران روبه‌رو بودیم. با از نزدیک تأثیر مستقیم این ایدئولوژی مرگبار را دیدیم.

دقیقاً همین عزم ماکیاولیستی برای خونریزی زیربنای رژیم آیت‌الله است، رژیمی که پول هنگفتی را برای افزایش ظرفیت خود برای ایجاد ویرانی بیشتر و کشتار بیگانهان خرج می‌کند که اساس عطش آنها برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است. خوشبختانه ما شاهد خیزش مردم ایران علیه این رژیم تندرو و تروریست هستیم که به دنبال کنترل همه‌ی جنبه‌های زندگی مردم عادی ایران است. این فریادهایی است که ما از مردم ایران اینجا در اسرائیل و در سراسر جهان می‌شنویم. اسرائیلی‌ها از همه جریان‌های مختلف به هم پیوسته‌اند تا از مردم ایران رؤیاهایشان برای رسیدن به آزادی حمایت کنند. هزاران نفر در اسرائیل راهپیمایی کردند تا پیام امید و برادری را به مردم ایران در مبارزه با استبداد ارسال کنند. من به‌عنوان یک زن یهودی در همبستگی قوی با زنان ایرانی در اعتراضاتشان به حجاب اجباری ایستاده‌ام.

ما برادران و خواهران خود را در ایران می‌بینیم و می‌دانیم که اعتراضات موفقیت‌آمیز آنها رژیم آیت‌الله را که زیر بار فساد عمیق سیستماتیک، اقتصاد در حال فروپاشی و زیرساخت‌های فرسوده که به مردم خدمت نمی‌کند، در حال نابودی است، به وحشت انداخته است.

همانطور که برای بسیاری دیگر در منطقه بوده است، اسرائیل برای کمک به ملت ایران در رویارویی با بزرگترین چالش‌های خود، چه در زمینه مبارزه با آلودگی هوا، چه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و چه در منابع آبی، الگوهایی دارد. کمتر از سه سال پیش، اسرائیل و بسیاری از کشورهای منطقه از جمله امارات متحده عربی، بحرین و مراکش ثابت کردند که ما اجازه نخواهیم داد گذشته و دیگران آینده روشن‌تری را دیکته کنند.

«پیمان ابراهیم» به چشم‌اندازی از منطقه‌ای دگرگون

● «چند هفته پیش این افتخار را داشتم که میزبان اعلیحضرت ولیعهد رضا پهلوی، فرزند شاه ایران و رهبر و مدافع اصول آزادی، دموکراسی و حقوق بشر برای مردم ایران باشم. سفر اخیر وی تجدید نمادین روابط تاریخی، طبیعی و مستحکم بین مردم ایران و اسرائیل بود.»

● ما در هفته گذشته با شلیک بیش از هزار موشک مرگبار به مردم اسرائیل توسط گروه نیابتی «جهاد اسلامی» وابسته به رژیم ایران روبه‌رو بودیم. با از نزدیک تأثیر مستقیم این ایدئولوژی مرگبار را دیدیم.

● دقیقاً همین عزم ماکیاولیستی برای خونریزی زیربنای رژیم آیت‌الله است، رژیمی که پول هنگفتی را برای افزایش ظرفیت خود برای ایجاد ویرانی بیشتر و کشتار بیگانهان خرج می‌کند که اساس عطش آنها برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است.

● «ما برادران و خواهران خود را در ایران می‌بینیم و می‌دانیم که اعتراضات موفقیت‌آمیز آنها رژیم آیت‌الله را که زیر بار فساد عمیق سیستماتیک، اقتصاد در حال فروپاشی و زیرساخت‌های فرسوده که به مردم خدمت نمی‌کند، در حال نابودی است، به وحشت انداخته است.»

● «قوم یهود به خوبی به یاد دارند که چگونه رهبر تاریخی ایران «کورش کبیر» اجداد ما را از اسارت بابل آزاد و به آنها در بازسازی معبد اورشلیم کمک کرد. اکنون نوبت ماست که با جستجوی راه‌هایی برای مبارزه مشترک علیه ظلم مدرن رژیم آخوندی، رهایی مردم ایران از شر آن و هموار کردن آینده‌ای بهتر برای آنها، ما و همه مردم منطقه خود، جبران کنیم.»

گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل که اخیراً در واشنگتن نیز با شاهزاده رضا پهلوی دیدار و گفتگو داشته است، در مقاله‌ای با موضوع ایران که روز شنبه ۱۹ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) در روزنامه «اورشلیم پست» منتشر شد با اشاره به اینکه «عزم ماکیاولیستی برای خونریزی زیربنای رژیم آیت‌الله است» گفته مردم ایران و اسرائیل برای نابودی اسرائیل در کنار هم بایستند.

وی نوشته است: در اسرائیل می‌دانیم و می‌بینیم که اکثریت قاطع مردم ایران می‌خواهند دست به دست هم دهند تا آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندان‌شان بسازند.

چند هفته پیش این افتخار را داشتم که میزبان اعلیحضرت ولیعهد رضا پهلوی، فرزند شاه ایران و رهبر و مدافع اصول آزادی، دموکراسی و حقوق بشر برای مردم ایران باشم. سفر اخیر وی تجدید نمادین روابط تاریخی، طبیعی و مستحکم بین مردم ایران و اسرائیل بود.

مردم ما نه تنها دارای تاریخ و برادری غنی و پر جنب و جوش هستند، بلکه دشمنی مشترک علیه خودکامگی افراطی رژیم آیت‌الله هستند.

این رژیم است که وقت، منابع و سرمایه خود را صرف کشتار مردم بیگناه در خیابان‌های تهران، اصفهان، اورشلیم، تل‌آویو، بیروت، صنعا و بسیاری نقاط دیگر در منطقه و فراتر از آن می‌کند.

این حکومت از مشت آهنین برای سرکوب مردم ایران در داخل استفاده می‌کند و از تروریسم، ویرانی و آشوب در

عبور فرماندهان ارشد نیروی دریایی آمریکا، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه از تنگه هرمز



فرماندهان نیروی دریایی ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه بر روی عرشه ناو «یو.اس.اس پل همیلتون»

-به دنبال توقیف دو نفتکش توسط نیروی دریایی جمهوری اسلامی خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد فرماندهان نیروی دریایی ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه روز - جمعه ۱۹ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) با یک ناو آمریکایی از تنگه هرمز عبور کردند که نشانه‌ای از رویکرد متحد آنها برای حفظ این آبراه حیاتی است.

-براساس گزارش‌ها پاسداران سپاه ایستاده روی قایق‌های تندرو نظاره‌گر بود. این در شرایطی بود که پرسنل ناو «پل همیلتون» در کنار مسلسل‌های پُر مستقر بودند. هر دو طرف از یکدیگر عکس و فیلم گرفتند. یک خبرنگار آسوشیتدپرس فرماندهان نیروی دریایی سه کشور را همراهی می‌کرد.

- در یاسالار برد کوپر که عضو ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده مستقر در خاورمیانه اسن به آسوشیتدپرس گفت: «نیروی‌های مسلح رژیم ایران در این دو سال به هفت کشتی حمله و هشت کشتی را توقیف کردند. بنابراین صنعت کشتیرانی به این موضوع توجه دارد که وضعیت امنیتی در منطقه چگونه است. ما این توانایی انجام اقدام مثبت را داریم که اکنون انجام دادیم».

انجام دادیم.»
بر اساس گزارش‌ها پاسداران سپاه ایستاده روی قایق‌های تندرو نظاره‌گر بود. این در شرایطی بود که پرسنل ناو «پل همیلتون» در کنار مسلسل‌های پُر مستقر بودند. هر دو طرف از یکدیگر عکس و فیلم گرفتند. یک خبرنگار آسوشیتدپرس فرماندهان نیروی دریایی سه کشور را همراهی می‌کرد.

ایالات متحده از زمان سخنانی جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۸۰ که قول داده بود از نیروی نظامی برای حفاظت از منافع آمریکا در خلیج فارس گسترده‌تر استفاده کند، تأمین امنیت آبراه‌های خاورمیانه، به ویژه تنگه هرمز را کلیدی می‌دانست.

یک هفته پیش از این جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید با انتقاد از توقیف کشتی‌ها توسط رژیم ایران به خبرنگاران گفت که آمریکا قصد دارد «یک سری اقدامات برای تقویت موضع دفاعی خود» در خلیج فارس انجام دهد. او تأکید کرد: «حجم تجارتی که از تنگه هرمز می‌گذرد، برای اقتصاد جهان حیاتی است.»

گفته شده یک پهپاد جمهوری اسلامی حرکت ناو پل همیلتون را زیر نظر داشت. یک بوئینگ Poseidon ۸-P نیروی دریایی ایالات متحده در منطقه پرواز می‌کرد. پهپادهای آمریکایی نیز در منطقه گشت‌زنی می‌کردند. جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر بارها نفتکش‌ها را توقیف کرده و از سوی دیگر کشورها نیز متهم شده که نیروی دریایی جمهوری اسلامی علیه کشتی‌های بین‌المللی به استفاده مجدد از مین روی آورده است.

دولت ترامپ برای مقابله با این تهدیدات برنامه‌ای برای اسکورت کشتی‌های آمریکا و کشورهای شریک پیشنهاد کرده بود که با استقبال اروپایی‌ها مواجه نشد و به نظر می‌رسد که اکنون کشورها تصمیم گرفته‌اند به جای چنین برنامه‌ای، اقدام به استقرار نیروهای متحد بیشتر در منطقه کنند.

اسلامی خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد فرماندهان نیروی دریایی ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه روز جمعه ۱۹ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) با یک ناو آمریکایی از تنگه هرمز عبور کردند که نشانه‌ای از رویکرد متحد آنها برای حفظ این آبراه حیاتی است.

رژیم ایران در دو سال گذشته ۱۵ کشتی باری و نفتکش را توقیف کرده با به آن حمله کرده است. دریاسالار برد کوپر که عضو ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده مستقر در خاورمیانه اسن به آسوشیتدپرس گفت: «نیروی‌های مسلح رژیم ایران در این دو سال به هفت کشتی حمله و هشت کشتی را توقیف کردند. بنابراین صنعت کشتیرانی به این موضوع توجه دارد که وضعیت امنیتی در منطقه چگونه است. ما این توانایی انجام اقدام مثبت را داریم که اکنون

به دنبال توقیف دو نفتکش توسط نیروی دریایی جمهوری اسلامی خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد فرماندهان نیروی دریایی ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه روز جمعه ۱۹ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) با یک ناو آمریکایی از تنگه هرمز عبور کردند که نشانه‌ای از رویکرد متحد آنها برای حفظ این آبراه حیاتی است.

در اقدامی «فوق‌العاده کم‌سابقه» سه فرمانده نیروی دریایی عضو ناو با کشتی یو.اس.اس پل همیلتون در خلیج فارس و تنگه هرمز گشت‌زنی کردند. ناوچه بریتانیایی «اچ‌ام‌اس لنکستر» نیز همراه این ناو حرکت می‌کند. به دنبال توقیف دو نفتکش توسط نیروی دریایی جمهوری



قایق تندرو سپاه پاسداران

نشست سران اتحادیه عرب با حضور قصاب سوریه؛ تظاهرات گسترده مخالفان بشار اسد



تظاهرات علیه بشار اسد / ۱۹ ماه مه ۲۰۲۲

اینجا هستیم تا عادی سازی روابط با بشار اسد را محکوم کنیم و حضور این جنایتکار در اتحادیه عرب را محکوم می‌کنیم. این اتحادیه عمدتاً برای منافع مردم عرب ایجاد شده است، اما به نظر می‌رسد که این برای رژیم‌های عربی ایجاد شده است... ما امیدواریم که رهبران عرب بیدار شوند تا این جنایتکار را از اتحادیه عرب بیرون کنند و با او دست ندهند و روابط خود را با او عادی نکنند زیرا اسد به آنها متعهد نخواهد بود و به وعده‌های خود عمل نمی‌کند. شعبان خاطرنشان کرد: «زمانی که ما با انقلاب خود ظهور کردیم، این جنایتکار روابط سیاسی خوبی با کشورهای عربی داشت.» بشار اسد پس از ۱۲ سال محرومیت در نشست اتحادیه عرب شرکت کرد. به گزارش «اسکای نیوز» رئیس جمهوری سوریه پس از سرکوب اعتراضات که منجر به جنگ داخلی در سوریه از سال ۲۰۱۱ شد از اتحادیه عرب بایکوت شده بود. در این دوران بیش از ۵۰۰ هزار نفر کشته و نیمی از جمعیت ۲۲ میلیون نفری روسیه آواره شدند. اسد که در جده سخنرانی کرد بازگشت خود به اتحادیه عرب را «فرصت تاریخی» برای جهان عرب توصیف کرد. تصمیم به بازگشت او بخشی از تلاش محمد بن سلمان ولیعهد سعودی برای بهبود روابط در منطقه است. پیش از این سعودی‌ها با میانجیگری چین با رژیم ایران توافق امنیتی امضاء کرده بودند.

معتزمان خطاب به دولت‌های عربی شعار دادند: «صدای ما را بشنوید... شما در جنایت شریک هستید.» سعد جمعه به العربی الجدید می‌گوید: «مردم سوریه وقتی علیه اسد قیام کردند با کسی مشورت نکردند... خون مردم سوریه ارزشمندتر از منافع کشورهایی است که روابط خود را با رژیمی اوباره آغاز کردند که قاتل هزاران نفر از مردم است و هزاران نفر دیگر را بازداشت کرده است. انقلاب مردم سوریه بسیاری از نقاب‌ها را کنار زدن از جمله نقاب رهبران اتحادیه عرب.» وکیل محمد حاج عبده یکی دیگر از معتزمان گفته «صدلی که اسد در این نشست روی آن می‌نشیند از جمجمه کودکانی ساخته شده که سلاح‌های شیمیایی قتل عام شدند. اسد دیگر نماینده مردم سوریه نیست و نخواهد بود. او بیش از نیمی از آنها را آواره کرد، کشت و دستگیر کرد.» صدها شهروند سوری نیز روز جمعه در شهر ادلب در شمال غرب سوریه تظاهرات کردند و با سر دادن پلاکاردها و شعارهایی در مخالفت با بازگشت رئیس جمهور این رژیم به اتحادیه عرب دست به اعتراض زدند. در برخی از شعارها آمده است: «اسد جنایتکار نماینده سوریه نیست» و «صدلی اشغال شده توسط رژیم اسد، صدلی اشغال شده توسط رژیم ایران است، نه سوریه.» نایف شعبان فعال حقوق بشر به العربی الجدید گفت: «ما

صدها سوری از روز جمعه ۲۹ اردیبهشت در شهرهای مختلف که از کنترل رژیم سوریه خارج از در اعتراض به حضور بشار اسد در نشست سران کشورهای اتحادیه عرب که در جده برگزار شد دست به اعتراض زدند. مخالفان اسد در شهرهای ادلب، الباب، اعزاز، جرابلس، عفرین و اخترین (زیادیه) با در دست داشتن پرچم سوریه آزادی و پلاکاردهایی علیه اسد اعتراض خود به دولت‌های عربی برای دعوت از این دیکتاتور را محکوم کردند. وکیل زیاد آل محمد، یکی از شرکت کنندگان در تظاهرات عفرین، به العربی الجدید گفت: «اگر کشورهای عربی واقعاً به منافع مردم سوریه علاقمند هستند، باید به رژیمی که میلیون‌ها نفر را کشته و آواره کرده پایان دهند.» وکیل محمد حاج عبده یکی دیگر از معتزمان گفته «صدلی که اسد در این نشست روی آن می‌نشیند از جمجمه کودکانی ساخته شده که سلاح‌های شیمیایی قتل عام شدند. اسد دیگر نماینده مردم سوریه نیست و نخواهد بود.» اسد که در جده سخنرانی کرد بازگشت خود به اتحادیه عرب را «فرصت تاریخی» برای جهان عرب توصیف کرد. تصمیم به بازگشت او بخشی از تلاش محمد بن سلمان ولیعهد سعودی برای بهبود روابط در منطقه است. پیش از این سعودی‌ها با میانجیگری چین با رژیم ایران توافق امنیتی امضاء کرده بودند.

صدها سوری از روز جمعه ۱۹ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) در شهرهای مختلف که از کنترل رژیم سوریه خارج از در اعتراض به حضور بشار اسد در نشست سران کشورهای اتحادیه عرب که در جده برگزار شد دست به اعتراض زدند. مخالفان اسد در شهرهای ادلب، الباب، اعزاز، جرابلس، عفرین و اخترین (زیادیه) با در دست داشتن پرچم سوریه و پلاکاردهایی علیه اسد اعتراض خود به دولت‌های عربی برای دعوت از این دیکتاتور را محکوم کردند. وکیل زیاد آل محمد، یکی از شرکت کنندگان در تظاهرات عفرین، به العربی الجدید گفت: «اگر کشورهای عربی واقعاً به منافع مردم سوریه علاقمند هستند، باید به رژیمی که میلیون‌ها نفر را کشته و آواره کرده پایان دهند. وی از رهبران جناح‌های نظامی و سیاسی مخالف خواست: «در برابر آنچه در حال رخ دادن است، دست روی دست نگذارند و در قبال خون قربانیان رژیم مسئولیت پذیر باشند.»



عکس یادگاری رهبران عرب با بشار اسد در جده

باز نشر

هان ای دل عبرت بین، از دیده نظر کن، هان...

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۹)

مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



بیکره مومیایی شده لنین

هر ناظر خارجی محسوس و ملموس بود. جوانان انقلابی سختی‌ها و کمبودها و مشکلات را به‌عذر محاصره اقتصادی و فشار خارجی و جنگ داخلی توجیه می‌کردند و امیدوار بودند با تحکیم و تثبیت رژیم، روزهای بهتر فرا برسد ولی افسوس که هرچه بیشتر رژیم انقلابی جا می‌افتاد بر فشار و اختناق افزوده می‌شد و نسل جوان انقلابی وقتی فهمید بهشت خیالی او سرابی بیش نبوده است که هم جوانی خود را از دست داده بود و هم توان و امکان حرکتی تازه را نداشت. من فقط یک نمونه از این شور انقلابی را برای شما می‌گویم و می‌گذرم:

یکی از بهترین دوستان من، لازار شاتسکی، که رئیس سازمان جوانان حزب کمونیست شوروی بود شبی به من گفت تنها تأسف وی این است که زودتر به دنیا نیامده تا در هر دو انقلاب سال ۱۹۰۵ و سال ۱۹۱۷ نقش فعالی داشته باشد. من گفتم ناراحت مباش، شاید در انقلاب بعدی شرکت کنی. با شگفتی در چشمان من خیره شد و گفت چه انقلابی؟ گفتم برای پیشرفت جامعه، همیشه نیاز به حرکتی هست، حتی در روسیه... ضمن این گفت و گو از میدان سرخ مسکو می‌گذشتیم و من با اشاره به مقبره لنین که تازه بنا شده بود و هر روز صف طولی از مردم برای تماشای جسد او به چشم می‌خورد، گفتم می‌دانم که لنین را چقدر دوست داری. من هم او را دوست داشتم و از نزدیک با او آشنا بودم ولی این مقبره‌ای که برای او ساخته‌اند توهین به لنین است و با اندیشه‌های لنین هیچ تطبیق نمی‌کند. شاید انقلاب بعدی با آتش زدن همین مقبره آغاز شود!

دوست من به شنیدن این سخن تکان خورد و در حالی که آثار وحشت از چهره رنگ‌پریده‌اش هویدا بود و از ناراحتی و خشم می‌لرزید از من خواست که این حرف را نه در نزد او و نه در نزد دیگری تکرار نکنم.

ده سال بعد، همین دوست پر حرارت و متعصب مرا به خیانت و همدستی با زینوویف متهم کردند و هنگامی که برای بازداشت او به خانه‌اش ریختند، خود را از طبقه پنجم ساختمانی که در آن زندگی می‌کرد به زمین انداخت و در دم جان سپرد. در گزارش خبرگزاری فرانسه آمده است: «مسئله تعطیل کردن مقبره لنین، در گذشته بارها مطرح شده بود بی آن که نتیجه‌ای حاصل شود. هنوز هم روزانه هزاران تن از مردم روسیه، به‌ویژه افرادی که از روستاها به مسکو می‌آیند، برای بازدید از مقبره صف می‌کشند. در آوریل سال ۲۰۰۶ آکادمی تاریخ علوم روسیه، تعطیل این مقبره را پیشنهاد داد و اعلام داشت که اقدامات لنین در دوران زمامداری وی، روسیه را وارد یک بن‌بست اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرد و این کشور را در جهان متمدن امروزی به انزوای مطلق کشانید!»

اتخاذ نموده بود و نیز به‌سبب تلون مزاج و سوء استفاده از اختیاراتش، موضوع تغییر وی مطرح و مطالعه شود.»

به‌عنوان شاهد، خروشچف نامه لنین را به کنگره هشتم حزب در دسامبر سال ۱۹۲۳ با این شرح قرائت کرد: «رفیق استالین پس از اشغال مقام دبیر کلی، اختیارات نامحدودی به‌دست آورده است که اطمینان ندارم در درازمدت بتواند از این اختیارات با رعایت احتیاط استفاده کند... استالین به‌نهایت درجه خشن است و این عیب که در میان خودمان و هنگام برخورد کمونیستها با یکدیگر قابل تحمل است، برای شخصی که در مقام دبیر کلی قرار گرفته است قابل تحمل نیست. بدین جهت من پیشنهاد می‌کنم که رفقا درباره امکان انفصال استالین از این سمت مطالعه کنند و انتصاب شخص دیگری را مد نظر قرار دهند که قبل از هر چیز از حیث بردباری و درستکاری و وفاداری و مهربانی و نزاکت بیشتر و رفتار بهتر با رفقا نسبت به استالین متمایز باشد.»

به‌رغم این توصیه، کنگره هشتم استالین را در مقام دبیر کلی حزب ابقا کرد. در این ایام لنین بیمار و بستری بود و استالین که قدرت مطلق داشت به رهبران حزب گفت لنین در این روزهای آخر عمر هذیان می‌گوید و این نامه را هم همسرش نادرزا کنستانتینوا از قول او جعل کرده است.

ایگناریو سیلونه، یکی از پایه‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا که بعدها از این حزب جدا شد و دیگرار به حزب سوسیالیست پیوست، کتابی دارد به‌نام «سراب کمونیسم». در این کتاب دلایل بریدن از حزب سوسیالیست و گرویدن به کمونیسم را چنین شرح می‌دهد: «در جریان تأسیس حزب کمونیست ایتالیا در سال ۱۹۲۱ من در رأس گروه بزرگی از همفکرانم در سازمان جوانان سوسیالیست، به حزب جدید پیوستم. ما از سال ۱۹۱۷ در حزب سوسیالیست فعالیت می‌کردیم ولی در سالهای پس از جنگ، از سیاست رفورمیستی و محافظه‌کارانه حزب ناراضی بودیم و انتقادات علنی از رهبری حزب سوسیالیست به‌عمل می‌آوردیم. بنابراین پیوستنمان به حزب جدید انقلابی طبیعی بود.»

سیلونه، در حزب کمونیست ایتالیا سردبیری نشریه هفتگی جوانان حزب «آوانگاردیا» را به‌عهده داشت. سپس روزنامه «لاووراتوره» را انتشار داد. با انحلال حزب کمونیست از طرف موسولینی، او رهبری تشکیلات زیرزمینی حزب را برعهده گرفت و طی این سالها، با کمونیستهای روسیه ارتباط نزدیک داشت. او می‌نویسد «نخستین سالهای پس از انقلاب، نسل جوان روسیه شور و هیجان غریبی داشت و این شور و هیجان که از امیدهای این نسل برای ساختن یک جامعه جدید ریشه می‌گرفت برای

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که قفل زدن بر در مقبره لنین و به‌خاک سپردن جسد مومیایی او، بار دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. ولادیمیر کوچین یکی از مسؤولان کاخ کرملین گفته است وجود مقبره لنین در مرکز کشور قطعاً بی‌معنی است، ولی تصمیم‌گیری در مورد این که مقبره باید وجود داشته باشد یا خیر، برعهده دیگران است. به‌گفته وی بهترین راه حل برای این مسأله، یک همه‌پرسی است. اگر هشتاد درصد رأی‌دهندگان نظر دادند که جسد مومیایی شده لنین به‌خاک سپرده شود باید این نظر را پذیرفت و مقبره را تعطیل کرد.

بنده نگارنده این مقبره را در میدان سرخ مسکو زیارت کرده‌ام. بنایی است شبیه مقبره ناپلئون در «انوالید» پاریس با این تفاوت که بازدیدکنندگان می‌توانند بیکره مومیایی شده لنین را که در تابوتی بلورین قرار دارد مشاهده کنند.

جسد مومیایی شده استالین نیز زمانی به‌همین کیفیت در معرض تماشا و زیارت عموم قرار داشت که بعد از گشودن پرونده جنایات وی توسط نیکیتا خروشچف در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی آن را از کنار جنازه لنین برداشتند و در گورستان به‌خاک سپردند. دیدار از گورستان در برنامه اقامت ما نبود ولی با راهنمایی یکی از اعضای سفارت ایران رفتیم و قبر استالین را هم دیدیم. با نگریستن در آن آئینه عبرت، من بر عقل دوراندیش شاه‌عباس آفرین گفتم که وصیت کرده بود جنازه‌اش را بدون تشریفات و در نقطه‌ای نامعلوم به‌خاک سپارند.

شاه‌عباس در بهشهر (که آن زمان اشرف نامیده می‌شد) درگذشت. جنازه‌اش را از مازندران به کاشان انتقال دادند و در آن شهر به‌امانت گذاشتند. پس از چندی، سه جنازه را که معلوم نبود کدام متعلق به پادشاه ماضی است از سه دروازه شهر بیرون بردند و هر کدام را در جایی به‌خاک سپردند و در نتیجه کسی به‌درستی نمی‌داند پادشاه بزرگ صفوی در کجا مدفون است.

خروشچف، در جریان استالین‌زدایی، خطابه خود را با مقدمه‌ای در تجلیل و تحسین از لنین آغاز کرد و خطاب به حاضران گفت: «لنین مارکسیست انقلابی مبارزی بود که نسبت به مسائل اصولی بی‌گذشت بود و در عین حال هرگز نظریات خود را به‌زور بر همکارانش تحمیل نمی‌کرد. می‌کوشید آنها را متقاعد سازد و بدین منظور، با کمال شکیبایی نظریات خود را برای دیگران تشریح می‌کرد... لنین که نسبت به سرنوشت حزب و اتحاد شوروی نگران شده بود به‌خوبی استالین را قضاوت نمود و توصیه و تأکید کرد که به‌علت خشونت مفرط و رویه نامطلوبی که استالین در مقام دبیر کل حزب نسبت به رفقاییش

اقدامات سطحی نخست‌وزیر یکسره بی‌نتیجه ماند

شاه باور نمی‌کرد که آمریکائی‌ها علیه او توطئه می‌کنند

این درحالی بود که او از جزئیات دسیسه‌های سیاسی در اروپا و آمریکا باخبر می‌شد و از نقاط ضعف رهبران سیاسی جهان اطلاع داشت

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنشتم

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۴)

دکتر هوشنگ نهاوندی



اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

سیاست خارجی ایران

در سالیانی که اردشیر زاهدی، داماد پیشین شاه و مرد مورد اعتماد او، در رأس سیاست خارجی ایران بود، اندک اندک سیاست ایران را به سوی موافقت کمتر با اسرائیل سوق داده بود. حسین منتظم، سفیر ایران و مدیر کل اداره افریقا در وزارت امور خارجه، دقیقاً جزئیات دستوراتی را که در این زمینه به نمایندگان ایران در کشورهای مسلمان داده شده بود، برای من شرح داد: ایران، سیاست متعادلی در پیش گرفته بود که بر اساس آن دلمشغولی رفتار ناعادلانه با ملت فلسطین بود. از هنگام مرگ ناصر، شاه دوست و همپیمان قابل اطمینان مهمترین قدرت عرب، یعنی مصر بود. و زمانی که قرار شد حسین منتظم خود نماینده ایران در دو کشور افریقای شمالی شود، دستور گرفت که همان پیام را به آن کشورها برساند.

امکان نداشت که اسرائیلی‌ها و آمریکائیان، از این رویه آگاه نشده و ناراحت نگشته باشند. آیا شاه می‌دانست این گردابها، که همواره نیز پنهان از دیده‌ها نبود، چه جهتگیری را به وجود می‌آورد؟

از سال ۱۹۷۵، یعنی زمانی که هنوز جمهوریخواهان در واشنگتن در قدرت بودند، جهتگیریهای رسمی بسیار خصمانه‌ای علیه ایران و شاهش بر هم انباشته می‌شد. با آمدن «جیمی کارتر» و با وجود بیاناتش در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷، این دشمنی به بالاترین میزان رسید و واشنگتن وارد عمل شد.

شاه هیچ توجهی به اینها نداشت. جمشید قریب، سفیر ایران، بیشتر دوره کار دیپلماتیک خود را در ترکیه گذرانده و تا هنگام بازنشستگی، فرستاده ایران در آن کشور بود. در تابستان سال ۱۹۷۸، که قریب تعطیلات تابستانی خود را در ترکیه، کشوری که خوب می‌شناخت و دوستان نزدیک بسیاری در آن داشت، می‌گذراند، دو تن از مهمترین مقامات دولتی ترکیه به وی گفتند بر اساس اطلاعاتی که دارند، واشنگتن، سرگرم آماده کردن «ضربه» ای در ایران است که چند تن از «مراجع دینی» در آن دخالت دارند. آنان از جمشید قریب خواستند این را به شاه بگویند و تأکید کند که ←

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشت‌های روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

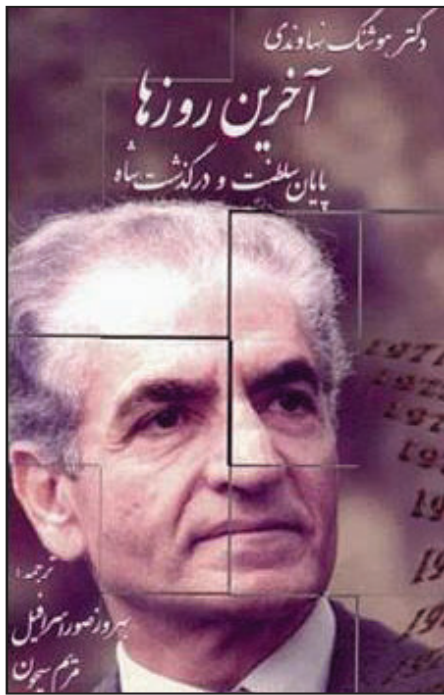
دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

در خلال این هفته‌ها، ماهیت راستین رویدادهایی که کشور شاهدش بود، بالاخره بر شاه آشکار شد: هماهنگ ساختن و سوء استفاده از موج ناراضیاتی داخلی – که پذیرفتن آن را دست کم گرفته بوده – به دست نیروهای بیگانه برای بی‌ثبات کردن کشور و سرنگون کردن او. پیش از آن، فریادهایی که از جانب گروه کوچکی بر ضد او برمی‌آمد، به‌کلی درهشم ریخته بود. اکنون تازه داشت به گستردگی دامنه رویدادها پی می‌برد. با این حال، هنوز می‌توانست «خیانت» دوستان و همپیمانان خارجیش آمریکا، انگلستان، اسرائیل و حتی فرانسه را باور کند.

چند سال پیش از آن «دین راسک» وزیر امور خارجه آمریکا درباره شاه گفته بود که: «پس از رئیس‌جمهوری آمریکا، او از نظر رویدادهای سیاسی، مسائل نظامی و اطلاعات ژئو استراتژیک، آگاهترین مرد دنیاست». دستگاههای اطلاعات خارجی ایران بسیار خوب کار می‌کردند. شاه نشریات بین‌المللی را به‌دقت می‌خواند و از خبرهای دیپلماتیک کاملاً آگاه می‌شد. به‌ویژه منابع شخصی و «خبرچینان» ویژه‌ای داشت که او را از آنچه در آمریکا، انگلستان یا فرانسه می‌گذشت، آگاه می‌کردند. در مورد کشورهای اروپای شرقی، او به‌حق، به سازمانهای اطلاعاتی کشورهای همپیمان ایران اعتماد می‌کرد. با اینهمه، به نظر می‌رسید مردی که همه روابط عاشقانه و گاه محرمانه بزرگان جهان را می‌دانست، و به گونه‌ای

شده بود. آیا شاه این را می‌دانست؟

بلندپروازیهایی بین‌المللی ایران، افزایش توان او در همه زمینه‌های اقتصادی، فناوری، پولی و نظامی، آنان را می‌ترساند. ایران که همپیمان اسرائیل بود، در زمان جنگ «کیبور» – تنها نبردی که دولت یهود نتوانست در آن بر اعراب کاملاً پیروز شود – یاری شایانی به مصر کرد. سادات رئیس‌جمهوری مصر هرگز این یاری را فراموش نکرد، که این بسیار احترام برانگیز است. اما سیاست اسرائیل نیز فراموش نکرد. اندیشه دگرگون شدن اتحادها، و تغییر جهت دادن ایران یعنی تنها کشور منطقه که می‌توانست با اسرائیل برابری کند، دولت‌مردان اسرائیل، به‌ویژه دست راستیانشان را نگران می‌کرد.



نظام دروغپردازی جهانی، که از آن پس نیز بارها مورد استفاده قرار گرفت، به کار افتاد. در هر چه خواستند مبالغه کردند و هر چه خواستند بافتند، ناراضی‌تیهای داخلی را دامن زدند و در چند هفته برای او «جانشین» ساختند که گمان می‌کردند از آنجا که بی اهمیت است، انعطاف پذیر هم هست. و همه اینها برای آن که از شر کسی که «مزاحم» بود، آسوده شوند.



محمدرضا پهلوی، چند روز پیش از درگذشتش در قاهره به سال ۱۹۸۰، به من گفت: «حسین (پادشاه اردن) حق داشت. او در آغاز پائیز ۱۹۷۸ به من تلفن کرد و گفت: آنچه آمریکاییها دارند در ایران می‌کنند، در سال ۱۹۷۳ در مورد من آزمایش کردند (ماجرایی که «سپتامبر سیاه» نامیده شد). من پایداری کردم، توطئه‌شان را درهم شکستم و بی اثر کردم، و آنان ناگزیر شدند با من معامله کنند. اگر نمی‌توانی دستوراتی صادر کنی که به ناچار خرابی و زیان به‌بار می‌آورد، به من اجازه بده به ایران بیایم، سه روز در دفتری در کنار دفتر تو جای گیرم و از سوی تو و به نام تو به سران ارتش بگویم چه کنند. خواهی دید که همه مسائل حل، و دهان آمریکاییها بسته می‌شود.»

شاه ادامه داد: «من یکسره در مورد رفتار آمریکاییها اشتباه کردم، و به‌ویژه نمی‌خواستم حتی از دماغ ملت خون ریخته شود. شاه، نمی‌تواند بسان یک دیکتاتور، به هر بهایی شده به قدرت بچسبند.»



«هزی کیسینجر»

به سوی پاریس

بالاخره شریف امامی را خوشحال و خندان دیدیم. در جلسه هیأت دولت، روز اول اکتبر، نخست وزیر حتی پیش از اشاره به دستور جلسه گفت «می‌خواهم خبر بسیار خوشی را اعلام کنم. سفارت ایران در بغداد به ما خبر داده که خمینی نجف را ترک کرده و به سوی مرز آن کشور با کویت می‌رود ولی بی هیچ تردید کویت او را نخواهد پذیرفت، زیرا آنان یک جامعه مهاجر شیعه بزرگ دارند و خمینی ممکن است آنها را تحریک کند. ما اقداماتی کرده‌ایم و خواسته‌ایم که به او پناهندگی سیاسی ندهند. برای او فقط سوریه می‌ماند و لیبی. اگر به لیبی برود به سود ماست، چون با آنجا ارتباط خودکار تلفنی نداریم. ولی به هر



«روزی نام همه کسانی را که در آمریکا مأمور فراهم کردن مقدمات رفتن او و برگزیدن جانشینش کرده بودند، به او دادم. حتی در یکی از گردهماییهای آنان شرکت کرده بودم که یکی از مسائل مطرح شده در آن، این بود که: چه کنیم که عذر شاه را بخواهیم و چه کسی را جانشینش کنیم؟»

اما شاه سخنان مرا باور نکرد و گفت:
— هرچه بگویید باور می‌کنم، جز این.

— ولی اعلیحضرتا، چرادراین مورد هم حرف مرا باور نمی‌کنید؟
— زیرا احمقانه است که مرا با دیگری جایگزین کنند. من، بهترین مدافع غرب در این منطقه هستم. من، بهترین ارتش را دارم. من، نیرومندترین هستم... این سخن آنقدر نابخردانه است که نمی‌توانم باور کنم.

و «کنت دومرانش» جایی، اندکی بعد، در کتابش خاطرنشان می‌سازد: «به‌رحال آمریکاییها تصمیمشان را گرفته بودند.»

خود من نیز یک بار این موضوع را با پادشاه در میان گذاشته بودم. البته هیچ اطلاع ویژه‌ای نداشتم، فقط احساسی مبهم در من به‌وجود آمده بود. با این حال، با خواندن مطبوعات بین‌المللی و آگاهی از بازتابهای ملاقاتها و گفتگوهای جرج بال در تهران، آن احساس رهایم نمی‌کرد. پاسخ شاه قاطع و صریح بود: «آمریکاییها هرگز مرا رها نخواهند کرد.»

این بزرگترین اشتباه او در تحلیل مسائل بود.



«جیمی کارتر»

اما در واشنگتن چه خرده‌ای بر او می‌گرفتند؟ بلندپروازی «جنون‌آمیز» او، به دیگر بیان، افزایش شتابان توانایی کشور، پیشنهاد شاه مبنی بر زدودن سلاحهای اتمی از منطقه — چیزی که اسرائیل برمی‌تابید، طرح انعقاد یک قرارداد امنیتی میان کشورهای همسایه در «خلیج فارس» و «اقیانوس هند» به منظور حفظ امنیت منطقه به‌وسیله خود آنان. شرکتهای بزرگ چند ملیتی نفتی، نقش شاه را در «اوپک» که با پشتیبانی ملک فیصل عربستان سعودی ایفا شده بود، بر او نمی‌بخشیدند. ملک فیصل هم از دیگر رهبرانی بود که سرگرم نوسازی کشورش بود، و در شرایطی که هرگز روشن نشد در سال ۱۹۷۵ کشته شد.

از همان زمان و به این دلایل، ماشین تبلیغات بین‌المللی،

→ او باید مراقب آمریکا باشد. ترکیه لائیک بيم از آن داشت که نظامی با ماهیت دینی در ایران پا گیرد. این، پیام بسیار مهمی بود و از بالاترین سطح دولت ترکیه می‌رسید. قریب، پس از بازگشت به تهران، و با مشاهده نخستین نشانه‌های انقلاب به‌اصطلاح اسلامی در ایران، خواستار ملاقات با شاه شد. اما او سفیری بازنشسته بود و اندکی معطلش کردند.

هویدا وزیر دربار، از او دلیل تقاضای دیدارش را پرسیده بود. «پیام محرمانه‌ای دارم که می‌خواهم شخصاً به اعلیحضرت بدهم.» هویدا پیشنهاد کرده بود که واسطه باشد. قریب رد کرد و بالاخره پس از چندین روز توانست بار یابد. شاه را که دید، پیام را با همه جزئیات آن، و طبیعتاً با تأکید بر نام مخاطبان خود به او داد. شاه، عصبی، از او پرسید: «چه کسی را در آنکارا در جریان این حرفها گذاشته‌اید؟» قریب پاسخ داد: «نه در آنکارا، در اینجا وزیر دربار از من پرسید، چیزی نگفتم. اما بی آن که وارد جزئیات شوم، اشاراتی به نهایندی و به دامادم دکتر شیروانی کرده‌ام.» (که استاد دانشگاه و نماینده مجلس بود). شاه با لحنی بازدارنده گفت: «این سخنان را برای همیشه فراموش کنید و به آنها نیز بگویید فراموش کنند. اینها گفتگوهای قهوه‌خانه‌ای است.»



سفر «جرج بال» که از سرمشق‌نگاران سیاست خارجی آمریکا و از نخبگان برخی از محافل پژوهشی و



«دین راسک» وزیر امور خارجه آمریکا

سیاست‌پردازی و فشار آن کشور به حساب می‌آمد، و اقامت درازمدتش در تهران نیز اهمیت داشت. به‌گونه‌ای درک نکردنی در دفتری که از سوی سازمان رادیو — تلویزیون ملی در اختیارش قرار گرفته بود، مستقر شده بود، مشهورترین مخالفان را می‌پذیرفت و آنان را به ادامه کارهایشان تشویق می‌کرد، و حتی بیانات خصمانه و پر از ناسزای وی پس از بازگشت به واشنگتن نیز شاه را بی تفاوت گذاشت.



«کنت الکساندر دومرانش» رئیس سازمانهای اطلاعاتی ویژه فرانسه، که شاه به او بسیار احترام می‌گذاشت و همانند دوست صمیمی خود می‌انگاشت هم به وی هشدار داده بود. «دومرانش» دیرترها در خاطرات خود نوشت:

اعدام‌های سیاسی به مثابه جنایت بین‌المللی؛ از آمران تا همدستان

هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی است، و به نظر این نویسنده نوعی جنایت تلقی می‌شود. اما همین اقدام خلاف قواعد حقوقی بین‌المللی دو جنبه ماهیتاً متفاوت داشته و در دو حوزه حقوقی بین‌المللی قرار می‌گیرد. این موضوع را باید توضیح داد.

اگر اعدام کردن فضا قاچاقی‌ها و یا کسانی که مرتکب قتل عمد شده باشند، مربوط باشد، این عمل خلاف در حیطه حقوق بشر بین‌المللی [۵] قرار می‌گیرد. در این حالت، عمل اعدام کردن جنایتی است که مسئولیت حاصل از آن با قوانین خاصی همراه است که آنرا قوانین حقوق بشری توضیح می‌دهد. اما اگر اعدام در برگزیده جان انسان‌های بی‌گناهی باشد که به دلیل آزادیخواهی و مبارزه با استبداد مبارزه می‌کنند، مسئولیت حاصل از آن و قوانین بر این نوع جنایت در حیطه حقوق کیفری بین‌المللی [۶] قرار می‌گیرد.

در پاسخ به جنایت نوع اول قواعد حقوق بشر بین‌المللی راهکاری خاص را پیشنهاد کرده. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر سنگ‌بنای این راهکار را بنیاد نهاده است: «همه انسان‌ها حق حیات، برخورداری از آزادی، و امنیت شخصی دارند». این زیربنای اساسی کاملاً روشن و واضح است و از آن می‌توان گوهر اصلی منشور ملل متحد را، حکم قانون اساسی جهان را دارد، توضیح داده و تفسیر نمود. به موجب فراز دوم از مقدمه منشور، مردمان ملل متحد وظیفه دارند تا ایمان خود را به «حقوق ذاتی [۷] همه انسان‌ها و به حیثیت و ارزش شخصیت آنان و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت...» بیان داشته و در اجرای آن خود را متعهد نگه دارند. اما هیچکدام از این اسناد مهم حقوقی بین‌المللی توضیح نمی‌دهند که برای دفاع از جان انسان‌های بی‌گناه چه باید کرد. این نارسایی در بند ۱ از ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برطرف شده است. «هر انسانی حق ذاتی زندگی دارد. این حق توسط قانون حمایت می‌شود. هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از زندگی خود محروم کرد». اما پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ مانده است: حال چه باید کرد؟ همان میثاق در ماده ۲ بند ۳، بخش اول تصریح می‌کند که «هر کشور عضو این میثاق متعهد می‌شود اطمینان حاصل کند که هر شخصی که حقوق یا آزادی‌هایش، که در این میثاق به رسمیت شناخته شده است، نقض می‌شود، باید چاره‌ای موثر برای آن داشته باشد». این راه چاره در بند ۱ از ماده ۲۸ همان میثاق توضیح داده شده است: «کمیته حقوق بشر تشکیل خواهد شد».

برای تاسیس این کمیته، اولین پروتکل اختیاری در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم الاجرا شد. این پروتکل سیستمی را تعیین می‌کند که به وسیله آن کمیته حقوق بشر می‌تواند شکایات افرادی را که ادعا می‌کنند حقوق بشر آنها نقض شده است را دریافت و بررسی کند. همانطور که از نام آن مشخص است، پروتکل اجباری نیست، اما هرگاه یکی از کشورهای عضو میثاق به این پروتکل ملحق شوند، هر شخصی که تحت صلاحیت کشور عضو باشد می‌تواند شکایت کتبی خود را به کمیته حقوق بشر ارائه کند. در مورد ممنوعیت اعدام که در راستای مفاد ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد، و بند ۱ از ماده ۶ میثاق مذکور، پروتکل اختیاری دوم

● به لحاظ حقوقی تفاوت‌هایی میان کمک کردن، مشارکت داشتن، و همدستی وجود دارد. اما اساس موضوع بر این استدلال قرار دارد که برای رسیدگی به جنایت و تنبیه جنایتکاران درجه‌ای از اصول قانونی و انصاف رعایت شود. به این معنی که معاونت در انجام گرفتن جنایت می‌تواند درجات مختلفی از مسئولیت را در بر داشته باشد. اما اصل قانونی ناظر بر اقدام جنایتکارانه این است که جنایتکاران (شامل همه آنهایی که همدستی و مشارکت داشته، یا به انجام آن تحریک کرده‌اند) مشمول قوانین کیفری بین‌المللی باشند. در واقع اصل عدالت ایجاب می‌کند که متخلفان به نسبت عمل نادرست خود مجازات شوند.

محمود مسائلی - اعدام سه جوان بی‌گناه در اصفهان (همراه با اعدام صدها انسان آزادیخواه دیگر) به جرم آزادیخواهی و مبارزه با استبداد، موجبات خشمی روزافزون در نزد همه ایرانیان و انزجار دیگر کشورها شده است. دقیقاً یک روز قبل از این اعدام بی‌رحمانه و جنایتکارانه، حمید رسایی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی گفته بود که افرادی مانند ترانه علیدوستی بازیگر سینما باید اعدام شوند. البته این تشویق به نابودی آزادیخواهان از همان روزهای اول شکل‌گیری رژیم به اصطلاح اسلامی از سوی هم‌رهبران رژیم و هم‌جیره‌گیران آن همواره وجود داشته است. بحث این است که وقوع جنایت نه فقط به دلیل فرمان آمران و یا عاملان آن، بلکه به واسطه مشارکت [۱] آنانی است که اینگونه جنایت (و دیگر جنایت‌ها) را توجیه مذهبی نموده [۲]، تحریک کرده [۳]، همدستی داشته [۴]، و به انجام آن برانگیخته‌اند. این موضوع جایگاه ویژه‌ای در حقوق کیفری بین‌المللی دارد.

مفهوم همدستی یا مباشرت یکی از حساس‌ترین موضوعات مربوط به مسئولیت برای جنایات اصلی بین‌المللی است. این به ویژه در مورد کسانی که کار می‌رود که بطور مستقیم مرتکب جنایت نمی‌شوند، اما در شکل‌گیری جنایت همدستی و معاونت فکری و روانی داشته و آنرا برانگیخته‌اند. این همدستی شامل کسانی است که ارتکاب جنایت را توضیح داده، دیگران را به انجام آن ترغیب نموده، جنایتکاران را به انجام آن برانگیخته، آنرا توجیه (فرضاً مذهبی) کرده، و شرایط آن را فراهم آورده‌اند. در چارچوب عدالت کیفری بین‌المللی، این افراد نه فقط شامل اعضای ارشد رهبری نظامی و سیاسی، بلکه شامل همه آنهایی است که در وقوع جنایت سهم داشته‌اند. بطور طبیعی در حکومت‌هایی مانند ایران امروز، رهبران مذهبی که هرم‌های قدرت را در اختیار داشته و وجود جنایت‌ها، شامل اعدام‌های سازمان یافته، را ترغیب و ترویج کرده‌اند، به عنوان همدست در جنایت، مسئولیت کیفری دارند. اساس بحث به سادگی این است که فرمان دادن، برانگیختن، توجیه کردن، توضیح دادن، برنامه‌ریزی کردن، و کمک کردن در انجام جنایت بین‌المللی با عنوان همدستی در انجام جنایت موجد مسئولیت بین‌المللی بوده و در حیطه قواعد کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد.

این موضوع، با توجه به اعدام جوانان بی‌گناه، پیچیده‌تر می‌شود. اعدام کردن اساساً اقدامی خلاف قواعد و

→ حال، در لیبی یا سوریه زیر نظر خواهد بود! و آنگاه، می‌توانیم با روحانیون میانه‌رو وارد مذاکره شویم.»
در حقیقت، چند روز پیش از آن، به دنبال تقاضاهای سفارت ایران در بغداد، دولت عراق به آن شخص شدیداً گوشزد کرده بود که موقعیت او به‌عنوان پناهنده، و وظیفه‌ای که برای خودداری از پاره‌ای اقدامات دارد، با صدور بیانیه‌های آتش‌افروزان‌اش مغایر است. مطبوعات



اردشیر زاهدی

بین‌المللی هم این امر را بازتاب داده بودند. او نیز اعلام کرد که به نشانه اعتراض، بر آن است که عراق را ترک کند. از آنجا که تاریخ اعتبار گذرنامه‌اش ده سال پیشتر، به‌سر آمده بود و گذرنامه معتبر نداشت، از کنسولگری ایران در کربلا، در جوار نجف، تقاضای گذرنامه تازه‌ای کرد. کنسولگری هم از وزارت امور خارجه کسب تکلیف کرد. آن شخص، دیگر داشت مزاحم می‌شد. و بنابراین در سطح نخست وزیر تصمیم گرفته شد که گذرنامه تازه‌ای برایش صادر شود. آیا با شاه در این مورد مشورت شده بود؟ البته حتی این امکان هست که خود نخست وزیر این دستور را داده باشد، زیرا شاه در آن زمان به نخست وزیر خود دستور داده بود که خود همه تصمیمات سیاسی را بگیرد.

روابطی که خمینی با سازمانهای اطلاعاتی خارجی، از جمله آنها که به آلمان شرقی مرتبط بودند و بی‌تردید به سود مسکو کار می‌کردند داشت، راز پنهانی نبود. در سالهای نخستین دهه شصت، زمان ناآرامیهای تهران و قم که وی پرچمدارشان بود، شواهد این روابط به‌دست آمده بود. یک دهه بعد، در اوایل سالهای هفتاد، مرکز اطلاعاتی اروپا در خبرنگار خود به زبان فرانسه به ارتباطات وی با سازمانهای اطلاعاتی مخفی اردوگاه شرق پرداخته و واقعیتی را بر ملا کرده بود که بعدها شگفت‌انگیزتر جلوه‌گر شد. این بار وظیفه هدایت او به یک آمریکایی ایرانی‌تبار به‌نام ابراهیم یزدی، و سپس به چند کارشناس مأمور سیا و زیر دست «رزیدنت» (فرمانده محلی) آن سازمان در پاریس سپرده شده بود. (همان منبع، اسناد C.I.A) ابراهیم یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موقعیتی استثنایی یافت: معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه شد. او رئیس نخستین دادگاه انقلاب اسلامی پایتخت بود که صدها تن را اعدام کرد. یزدی اکنون به‌تناوب در ایران و آمریکا زندگی می‌کند. (ادامه دارد)



و به این منظور قواعد حقوق کیفری بین‌المللی می‌بایست در مورد آنها اجرا شود. نکته‌ای که در اینجا حساسیت‌ها را بر می‌انگیزد این است که جنایت ارتكابی و پیش‌زمینه‌های وقوع آن، که نوع مشخصی از همدستی است، همگی از عناصر تشکیل دهنده جنایت هستند. به همین دلیل، حقوق کیفری بین‌الملل معاونت در انجام جنایت، توجیه آن، و تحریک کردن، و یا تشویق و زمینه‌سازی روانی را شامل عمل جنایتکارانه دانسته و همه آنها را مشمول محاکمه کیفری و مجازات می‌داند. [۱۲] اهمیت این استدلال تا بدانجاست که حتی قصور ورزیدن آگاهانه در جلوگیری از انجام جنایت نیز از عناصر تشکیل دهنده جنایت، البته با درجات متفاوتی، به حساب می‌آید. [۱۳]

این نوشتار به این دلیل تحریر شد تا توضیح دهد چرا هموطنان دلسوز و میهن‌پرست ناگزیر هستند خود را با مفاهیم زیربنایی علم حقوق بین‌الملل آشنا سازند، از کلی‌گویی‌هایی که گاهی در آنها خطاهای عمده‌ای مشاهده می‌شود پرهیز کنند، و تا آنجایی که امکان دارد از تحلیل‌های سطحی و سرگرم کننده خود را رها سازند تا بتوانند با هدف عالی انجام وظیفه نسبت به مردم و میهن در این شرایط خطیر ادا کنند. افزون بر این، این موضوع مهم را نیز در نظر گیرند که جنایتکاران نه فقط مسئولان و مقامات رده بالای رژیم اسلامی، بلکه همه مدیحه‌سرایان و چاپلوسانی که خواه در لباس به اصطلاح روحانیت خود را قرار داده‌اند، و خواه آنانی در جایگاه روشنفکر (غایبی) جنایت‌های رژیم را تحریک، یا توجیه می‌کنند، و یا لایب‌گران ریز و درشت و گماشتگان رژیم اسلامی در خارج کشور، نمی‌توانند در فردای ایران آزاد و دمکراتیک از همدستی و معاونت خود در انجام جنایات انجام شده بگریزند.

در ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ لازم الاجرا شد. دومین پروتکل اختیاری مجازات اعدام را برای کشورهای عضو لغو می‌کند. ایران در ۴ آوریل ۱۹۶۸، یعنی ۲ سال بعد از پیدایی میثاق حقوق مدنی و سیاسی آنرا امضا کرده و در ۲۴ ژوئن سال ۱۹۷۵ آنرا به تصویب قانون‌گذاری داخلی رساند. بنابراین ایران عضو این میثاق است. از آنجا که رژیم به اصطلاح اسلامی این عضویت را بازپس نگرفته است، این عضویت همچنان به قوت خود باقی است. اما در نظر داشته باشیم که ایران قبل از رژیم اسلامی به عضویت پروتکل الحاقی اول در نیامد، که همچنان در حال حاضر هم وضع به همین منوال است. در مورد ممنوعیت اعدام که موضوع پروتکل الحاقی دوم است نیز وضعیت به همین صورت است. یعنی اینکه اساساً نمی‌توان بابت تخلفات عمده حقوق بشری شامل اعدام‌ها (غیرسیاسی) توسط رژیم اسلامی به کمیته حقوق گزارشات (شکایاتی) را ارجاع داده و یا از طریق این ساز و کار حقوق بشری ملل متحد رژیم اسلامی را تحت فشار قرار داد.

راه چاره چیست؟ دو راه حل در حقوق بشر بین‌المللی پیشنهاد می‌شود (بی‌آنکه فرصت باشد آنها را در اینجا توضیح دهیم). اول اینکه این موارد نقض فاحش حقوق بشر و به خصوص اعدام‌ها (البته اعدام‌های غیرسیاسی) به حوزه فعالیت‌های شورای حقوق بشر کشاند. راه حل دیگر این است که با استمداد از رژیم‌های مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از طریق تحركات دقیق حقوقی دولت‌ها را بر آن داشت تا رژیم اسلامی را در تنگنا قرار دهند. (این نویسنده مکانیزم‌های حقوقی آنرا چندین بار توضیح داده‌ام که اغلب در کیهان محترم لندن انتشار یافته‌اند).

اما موضوع اعدام‌های سیاسی ماهیتاً موجد جنایتی است که در حیطه حقوق کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند. یعنی به مراتب شنيع‌تر از موارد نقض حقوق بشر است که در حوزه حقوق بشر بین‌المللی قرار می‌گیرد. در اینجا راه حل را باید در دو مکانیزم عمده جستجو نمود. اول پیگیری بر خورد با این جنایت‌ها از طریق اعمال اصل صلاحیت جهانشمول [۸] که خود به رویکرد معروف حقوق عرفی بین‌المللی [۹] (مجازات کنبه یا مسترد نماید) [۱۰] کشیده می‌شود. در این مورد هم نوشتارهایی توسط کیهان لندن به چاپ رسیده است. مکانیزم دوم به عملکرد و صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی باز می‌گردد. در این زمینه هم نوشتارهایی مکتوب و هم تلویزیونی برای علاقمندان موجود است.

در ادامه این نوشتار فقط اشاره کوتاهی به بحثی درباره همدستی و مباشرت در شکل‌گیری جنایت اعدام آنگونه که در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد، اشاره می‌شود. اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری موقت برای رسیدگی به جنایات ارتكابی صرب‌ها در یوگوسلاوی سابق (ماده ۷ بند ۱)؛ رواندا (ماده ۶ بند ۱)؛ دادگاه ویژه که در سیرالئون انجام شدند (ماده ۶ بند ۱)؛ دادگاه ویژه برای رسیدگی به جنایات انجام شده در کامبوج (ماده ۲۹)؛ و همچنین دادگاه کیفری بین‌المللی (ماده ۲۵، بند ۳ بخش ۳) به روشنی اشکال مختلفی از همدستی را در شکل‌گیری این نوع جنایت را توضیح داده‌اند. این همدستی شامل برنامه‌ریزی، تشویق به عمل جنایتکارانه، توجیه آن، تحریک کردن، کمک به وقوع آن می‌شود. منظور از همدستی و مشارکت در جنایت این است که هم آنهایی که در شکل‌گیری جنایت (بطور غیرمستقیم) دخالت داشته باشند، می‌بایست برای عمل جنایتکارانه خود مسئول شناخته شده و مجازات شوند. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ماده ۲۵ صلاحیت دادگاه را ناظر بر مسئولیت افرادی حقیقی (و نه حقوقی مانند کشورها و دولت‌ها) می‌داند که «به

منظور تسهیل در شکل‌گیری جنایت، آنرا مرتکب یا تلاش برای ارتكاب آن، شامل فراهم کردن وسایل ارتكاب آن» جنایت داشته‌اند [۱۱].

به لحاظ حقوقی تفاوت‌هایی میان کمک کردن، مشارکت داشتن، و همدستی وجود دارد. اما اساس موضوع بر این استدلال قرار دارد که برای رسیدگی به جنایت و تنبیه جنایتکاران درجه‌ای از اصول قانونی و انصاف رعایت شود. به این معنی که معاونت در انجام گرفتن جنایت می‌تواند درجات مختلفی از مسئولیت را در بر داشته باشد. اما اصل قانونی ناظر بر اقدام جنایتکارانه این است که جنایتکاران (شامل همه آنهایی که همدستی و مشارکت داشته، یا به انجام آن تحریک کرده‌اند) مشمول قوانین کیفری بین‌المللی باشند. درواقع اصل عدالت ایجاب می‌کند که متخلفان به نسبت عمل نادرست خود مجازات شوند. در چارچوب عدالت کیفری بین‌المللی، در نظر گرفتن اصول انصاف مشروعیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را تثبیت می‌کند. البته نظام‌های حقوق ملی نیز، به ویژه در جوامع دمکراتیک، اغلب تصریح دارند که جنایتکار باید محاکمه و مجازات شوند. بر همین اساس بند ۳ از ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری تصریح می‌کند که «اصول حقوقی عمومی شناخته شده نزد ملل متمدن جزو منبع حقوق بین‌الملل به حساب می‌آیند». به همین دلیل، ماده ۲۱، بند ۱، بخش سوم اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز تصدیق می‌کند که «اصول کلی حقوقی ناشی از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان» به عنوان منبع ثانویه حقوق در دیوان کیفری بین‌المللی به حساب می‌آیند.

با این اوصاف تردیدی نیست که همه عاملان وقوع جنایت اعدام‌های سیاسی مسئول عمل جنایتکارانه خود هستند،

*دکتر محمود مسائل بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دمکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۸] Universal jurisdiction

[۹] Customary international law

[۱۰] Autdereautjudicare–Prosecuteorextradite

[۱۱] For the purpose of facilitating the commission of such a crime, commission or its attempted commission, including providing the means for its commission.

[۱۲] Prosecutor v. Tadić, ICTY Case No IT-94-1, Appeals Chamber Judgment, 15 July 1999, at 195-226

[۱۳] Prosecutor vs. Delalić et al. ('Celebići Appeal Judgment') ICTY Case No. IT-96-21-A, Appeal Judgment, 20 February 2001, at 178

[۱] Complicity in the commission of crime

[۲] Aiding

[۳] Instigation

[۴] Abetting

[۵] International human rights law

[۶] International criminal law

[۷] Intrinsic rights

جمهوری اسلامی سه شهروند معترض دیگر را به قتل رساند؛ مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی اعدام شدند



مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی

همزمان در چند شهر ایران نیز مردم شعارهای شبانه علیه «اعدام» و جمهوری اسلامی سر دادند. در چند محله پایتخت از جمله «چیتگر»، «اکباتان» و «سعادت آباد» شهروندان از روی بام و بالکن و پشت پنجره شعار دادند. کاربران ایرانی نیز در شبکه‌های اجتماعی هزاران بار نام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی را به صورت هشتگ منتشر و از صدور حکم اعدام و اعزام این سه شهروند به سلول انفرادی اعلام انزجار کردند.

سازمان‌های حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل نیز با صدور بیانیه‌هایی خواستار توقف حکم اعدام این جوانان شده بودند. جمهوری اسلامی اما بی‌اعتنا به درخواست‌های بین‌المللی و افکار عمومی در ایران، حکم اعدام صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی کردسلفی را به اتهام «محرابه» اجرا کرد.

پیشتر نیز چهار شهروند معترض بازداشت‌شده در اعتراضات اعدام شده بودند. مجیدرضا رهنورد، محسن شکاری، محمد (کیان) حسینی و محمد مهدی کرمی در آذرماه و دی‌ماه سال گذشته با اتهام مشابه «محرابه» به دار آویخته شدند. برگزاری دادگاه، روند دادرسی و صدور حکم اعدام همه این هفت شهروند جوان با ابهامات زیاد و نبود اسناد مبنی بر اتهام سنگین «محرابه» صورت گرفت.

پرونده «خانه اصفهان» یکی دیگر از سناریوهای کثیف امنیتی جمهوری اسلامی بود که در جریان جنبش انقلابی ۱۴۰۱ مردم ایران علیه حکومت، طراحی و اجرا شد. بر اساس سناریوی نیروهای امنیتی مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی متهم شدند که سه نیروی سرکوبگر حکومتی را در جریان اعتراضات ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در محله «خانه اصفهان» به قتل رسانده‌اند.

این ادعا بدون هیچ سند و مدرکی و صرفاً با اعتراف‌گیری از این سه شهروند زیر شکنجه‌های وحشیانه و کشنده صورت گرفته بود. هر سه متهم در دادگاه و بعد

حکم تا صدور رأی دیوان عالی کشور متوقف می‌شد. «کیهان لندن» روز گذشته در گزارشی خبر از خطر اعدام این سه جوان معترض از بامداد روز جمعه ۲۹ اردیبهشت داده بود. در این گزارش آمده بود که «خطر اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی از فردا و پایان بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در این دوره از لیگ برتر فوتبال افزایش پیدا کند. تیم فوتبال سپاهان اصفهان هواداران زیادی در این شهر دارد و از شانس‌های قهرمانی این دوره از لیگ فوتبال ایران به شمار می‌رود.»

این گزارش افزوده بود که «تیم سپاهان روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت با تیم مس کرمان بازی خواهد کرد و سرنوشت قهرمانی‌اش با این بازی روشن می‌شود. در صورت قهرمانی تیم سپاهان احتمال به خیابان آمدن هواداران تیم در اصفهان وجود دارد.»

در گزارش «کیهان لندن» تأکید شده بود که «به نظر می‌رسد مقامات امنیتی و قضایی اصفهان نگران بهم پیوستن هواداران تیم سپاهان و معترضان به اجرای حکم سه شهروند محکوم در پرونده «خانه اصفهان» بوده‌اند و به همین دلیل با وجود تصمیم قطعی برای اجرای حکم و حتی انتقال زندانیان به سلول انفرادی و اجازه ملاقات حضوری با خانواده، از اجرای حکم خودداری کردند تا بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در لیگ پایان یابد.»

طی روزهای گذشته خانواده‌های این سه جوان و شماری از شهروندان اصفهان در اعتراض به صدور حکم ناعادلانه اعدام و اجرای آن، در اطراف زندان «دستگرد» اصفهان تجمعاتی برپا کرده بودند. با وجود جو سنگین امنیتی شامگاه چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت شمار زیادی از شهروندان در اصفهان با اتومبیل مقابل زندان دستگرد اصفهان تجمع کردند و در اعتراض به اجرای حکم اعدام سه معترض محکوم شده در پرونده «خانه اصفهان» بوق ماشین‌های خود را به صدا درآوردند.

● خبرگزاری میزان، مرکز رسانه‌های قوه قضاییه، ساعتی پیش از اجرای حکم اعدام صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی کردسلفی در زندان «دستگرد» اصفهان خبر داد.

● به گفته یک منبع آگاه قرار بود درخواست اعاده دادرسی مجید کاظمی فردا شنبه ۳۰ اردیبهشت در دیوان عالی کشور ثبت شود اما مقامات امنیتی با آگاهی از این درخواست، حکم اعدام را اجرا کردند.

● «کیهان لندن» روز گذشته در گزارشی خبر از خطر اعدام این سه جوان معترض از بامداد روز جمعه ۲۹ اردیبهشت داده بود.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی بامداد امروز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ از اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی خبر داد. این سه جوان معترض در یک سناریوی امنیتی در پرونده معروف به «خانه اصفهان» به عنوان متهم معرفی شده بودند.

خبرگزاری میزان، مرکز رسانه‌های قوه قضاییه، ساعتی پیش از اجرای حکم اعدام صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی کردسلفی در سحرگاه روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ از زندان «دستگرد» اصفهان خبر داد. خبرگزاری میزان بار دیگر ادعای شرکت این سه شهروند در عملیات «تروریستی» در پرونده مرگ محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی سه نیروی سرکوبگر جمهوری اسلامی را تکرار کرده است. ادعایی که هیچ‌گاه ثابت نشد و هر سه شهروند بارها آن را رد کرده بودند.

به گفته یک منبع آگاه قرار بود درخواست اعاده دادرسی مجید کاظمی فردا شنبه ۳۰ اردیبهشت در دیوان عالی کشور ثبت شود اما مقامات امنیتی با آگاهی از این درخواست، حکم اعدام را اجرا کردند. در صورت ثبت درخواست اعاده دادرسی، بر اساس تبصره ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۲ آیین نامه نحوه اجرای حدود، باید اجرای

از آن، بارها از اعتراف‌گیری زیر شکنجه خبر داده و اتهامات وارده به خود را رد کردند.

مقامات قضایی و امنیتی مدعی بودند که متهمان پرونده ساعت ۲۱ از موتور پیاده شده نیروها را به رگبار بسته و محل را ترک کرده‌اند. دادستانی برای این ادعا تصاویری از دوربین مداربسته‌ی مغازه‌ای در منطقه‌ی خانه اصفهان را ارائه داده که در آن این سه شهروند در مقابل مغازه دیده می‌شوند؛ بدون سلاح، بدون خشونت، و در حالتی کاملا عادی. اما دادستانی به وسیله‌ی این ویدئوی چند ثانیه‌ای مدعی شده این افراد دو بسیجی و یک نیروی فراجا را به قتل رساندند!

اما تصاویر دوربین مداربسته فقط نشان می‌دهند که چند نفر در کنار خیابان ایستاده‌اند و با یکدیگر صحبت می‌کنند. در این تصاویر نه خبری از تیراندازی است نه اسلحه‌ای دیده می‌شود! در واقع برعکس ادعای دادستانی، چنین تصاویری می‌تواند به عنوان مدرک بی‌گناهی این افراد ارائه شوند!

نکته‌ی دیگر راجع به این تصاویر از دوربین مداربسته این است که تصویر اولی که نشان می‌دهند ساعت ۲۱:۴۶ دقیقه را نشان می‌دهد و تصویر دوم از همان محل و افراد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه را. حتی اگر افراد حاضر در دوربین مداربسته واقعا این متهمان باشند باز با سناریوی ارائه شده همخوانی ندارد! چرا که دوربین مداربسته نشان می‌دهد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه این چند نفر در خیابان در حال صحبت کردن بودند. بعد بنا بر این ادعا سوار موتور می‌شوند، کمی دورتر از موتور پیاده می‌شوند، به سمت دیگر خیابان می‌دوند، نیروها را به رگبار می‌بندند، برمی‌گردند، سوار موتور می‌شوند، فرار می‌کنند و بنا بر تصویر دوربین مداربسته از محل دوم، در ساعت ۲۲:۱۳ به خانه‌شان در منطقه دیگری می‌رسند!

اینهمه نشان می‌دهد مانند بسیاری از پرونده‌های مشابه که در اعتراضات سال گذشته با سناریوسازی نهادهای امنیتی و قضایی ساخته شد تا چند شهروند را به چوبه اعدام بپسارند، مستندات پرونده یا اعترافات اجباری و زیر شکنجه وحشیانه متهمان بوده که در جلسه دادگاه هم تکذیب شده، و یا صرفا وجود یک یا دو تصویر از دوربین‌های مداربسته که مطلقا نشان‌دهنده ارتکاب جنایت یا تخلف از سوی متهمان نیست!

پیشتر فایلی صوتی از مجید کاظمی منتشر شده که او در تماس تلفنی از زندان در تاریخ ۲۳ دی تأکید می‌کند که با شکنجه‌های وحشیانه جسمی روبرو بوده و حتی او را به یک باغ برده و قصد تجاوز با ناتوم به وی داشتند. او بر اثر ضرب و جرح و شکنجه ناچار به اعتراف اجباری شده اما در دادگاه به قاضی گفته که از او اعتراف اجباری گرفته شده است.

بر اساس این فایل صوتی، مأموران امنیتی و بازجوها بارها مجید کاظمی را تهدید کردند که او را به همراه دو برادر دیگرش (که بازداشت نبودند) به دار خواهند آویخت. همچنین به او گفته‌اند مادرش در بیمارستان بستری شده است. او را زیر ضرب و جرح شدید قرار داده بطوری که روزی که بازداشت شد حدود ۹۰ کیلوگرم وزن داشت و تا روز دادگاه وزن او به حدود ۵۰ کیلوگرم رسیده بود.

مجید کاظمی تأکید کرده که «من هیچ‌کاره بودم، از زمان بازداشت همه‌اش زیر شکنجه بوده‌ام، نه اسلحه‌ای داشتم، نه کاری کردم، و همه‌اش را زیر شکنجه گفتم.»

خاکسپاری پیکر اعدام‌شدگان «خانه اصفهان» توسط مأموران حکومتی؛ واکنش گسترده داخلی و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی

مولوی عبدالحمید با تأکید بر این که گرفتن اعتراف اجباری از متهمان و زندانیان در ایران به یک «مشکل اساسی» تبدیل شده، افزود: «از یک طرف مسئولان قضایی و امنیتی گفتند که اینها اقرار کردند و اعتراف کردند، از طرفی آنان در داخل زندان پیام فرستادند که از روی اجبار اعتراف کردند.»

مولوی عبدالحمید اعترافات‌گیری زیر فشار و شکنجه از بازداشت‌شدگان را «امری متداول» و «غیر قابل انکار» در جمهوری اسلامی خواند و هشدار داد این اقدامات «جایگاه قانونی» ندارد.

امام جمعه اهل سنت زاهدان همچنین به جمهوری اسلامی هشدار داد که «دلسوزانه می‌گویم که اعدام را متوقف کنید و این راه حل نیست، اینها مردم ایرانند و صاحبان کشور هستند. شاید حاکم هم اقلیت باشد و اکثریت با مردم است. باید به خواسته ملت توجه شود.»

جدا از ایرانیان ساکن درون و بیرون کشور که موج انزجار و نفرت خود از اعدام این سه جوان را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کردند، شماری از چهره‌های سیاسی دیگر کشورها نیز به این اعدام‌ها واکنش نشان دادند.

پنی وانگ وزیر خارجه استرالیا با انتشار توییتی ضمن بیان اینکه اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی نمونه‌ای از «وحشیگری رژیم علیه مردم» است نوشت که «ما این قتل‌های مذموم را به شدیدترین وجه ممکن محکوم می‌کنیم. فکر ما با خانواده آنهاست. استرالیا در کنار مردم ایران ایستاده است.»

هانان نیومن نماینده آلمان در پارلمان اروپا در توییتی با اشاره به اعدام هر سه شهروند معترض با وجود اعتراضات مردم، با تأکید بر اینکه «دنیا، بیدار شو!» خواستار قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی اروپا و قطع مذاکرات برجام شد.

پی‌وان ری نماینده پارلمان آلمان در توییتی نوشت: «آنان سه نفر دیگر را کشتند. رژیم ایران بار دیگر ثابت کرد که تروریستی بیش نیست.»

مارتینا رنر یکی دیگر از نماینده پارلمان آلمان و کفیل سیاسی صالح میرهاشمی نیز در توییتی با اشاره به اینکه «خبر قتل صالح میرهاشمی، من و تیمم را شوکه کرد. خشم با احساس ناتوانی آمیخته می‌شود» نوشت: «ما مقابل شجاعت و مقاومت مردم ایران سر تعظیم فرود می‌آوریم و امیدواریم روزی در ایران آزاد، شخصا با بازماندگان ابراز همدردی کنیم.» سایمون برمینگام سناتور استرالیایی در توییتی نوشت: «اخبار اعدام‌های بیشتر در ایران یادآوری غم‌انگیزی از وحشیگری رژیم حاکم در ایران از جمله علیه مردم خود است.»

محمود امیری مقدم مدیر «سازمان حقوق بشر ایران» روز جمعه جامعه جهانی را متهم کرد که به موج اعدام‌ها در ایران واکنش «قدرقندان» نداشته است. او تأکید کرد که این سه اعدام تازه باید «عواقب جدی برای رژیم ایران داشته باشد»، و گرنه جان بیش از صد معترض دیگر در خطر خواهد بود.

● شهروندان در چند نقطه از شهر تهران از جمله محله‌های چیتگر و اکباتان از پشت‌بام و بالکن‌ها علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

● امام جمعه اهل سنت زاهدان در سخنرانی نماز جمعه با اشاره به اعدام «دردآور» مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی گفت: «کار از پایه و اساس خراب است.»

● وزیر خارجه استرالیا با بیان اینکه این اعدام‌ها نمونه‌ای از «وحشیگری رژیم علیه مردم» است نوشت که «ما این قتل‌های مذموم را به شدیدترین وجه ممکن محکوم می‌کنیم. فکر ما با خانواده آنهاست. استرالیا در کنار مردم ایران ایستاده است.»

● نماینده آلمان در پارلمان اروپا با تأکید بر اینکه «دنیا، بیدار شو!» خواستار قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی اروپا و قطع مذاکرات برجام شد. اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی با واکنش گسترده بین‌المللی و اعتراض شهروندان در داخل کشور روبرو شده است. نهادهای امنیتی از هراس موج خشم مردم، پیکر این سه جوان را به شکل عجولانه و با تدابیر شدید امنیتی در آرامستان‌هایی خارج از شهر اصفهان به خاک سپردند.

ساعتی پس از اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی در صبح جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ پیکر این شهروندان در تدابیر شدید امنیتی و توسط مأموران حکومتی در سه آرامستان خارج از شهر اصفهان به خاک سپرده شد.

پیکر سعید یعقوبی کرسفلی در نزدیکی غسلخانه روستای کرسفلی در نزدیکی شهرستان تیران در استان اصفهان به خاک سپرده شد. پیکر مجید کاظمی در حبیب‌آباد در نزدیکی محله زینیه اصفهان، و پیکر صالح میرهاشمی نیز در بلطاق روستایی در بویین میاندشت در ۱۷۰ کیلومتری شهر اصفهان به خاک سپرده شد.

خاکسپاری سه شهروند اعدام شده در تدابیر سنگین امنیتی و در محاصره نیروهای حکومتی بدون حضور اقوام و آشنایان انجام شده است. نیروهای امنیتی از موج خشم شهروندان هراس داشته و اطلاع‌رسانی درباره محل خاکسپاری این سه جوان را پس از انجام مراسم عمومی کردند.

شماری از شهروندان با تجمع در مقابل منازل سه معترض اعدام‌شده با خانواده‌های سوگوار آنها همراهی کردند. همچنین در بامداد جمعه ۲۹ اردیبهشت و ساعتی پس از اعلام خبر اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی مردم در چند نقطه از شهر تهران از جمله محله‌های چیتگر و اکباتان از پشت‌بام و بالکن‌ها شعار سر دادند.

«مرگ بر حکومت چون‌گش»، «مرگ بر خامنه‌ای ضحاک»، «مرگ بر دیکتاتور»، از جمله شعارهای شهروندان معترض بود. مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در سخنرانی نماز جمعه با اشاره به اعدام «دردآور» مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی گفت: «کار از پایه و اساس خراب است.»



محرومیت ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران از امکانات اولیه زندگی؛ هشدار رئیس قوه قضاییه درباره عوارض امنیتی گسترش فقر

مختلفی را به کار می‌بندند؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مردم و دوقطبی‌سازی و چندقطبی‌سازی در جامعه پیرامون یک سوژه است؛ در برخی موارد، راهبرد دشمن ایجاد اختلاف میان مسئولان است؛ در مواردی نیز راهبرد دشمن متمرکز بر ایجاد اختلاف میان مسئولان و مردم است؛ حال سوال اساسی آن است که باید در مقابله با این راهبردهای دشمن، چه تمهیدات و تدابیری را اتخاذ کرد؟

هر چند سالهاست مقامات جمهوری اسلامی با فراقنی نسبت به بحران‌های اقتصادی کشور اظهار نظر می‌کنند اما وضعیت فقر و فلاکت آنچنان گسترده شده که دیگر قابل انکار نیست و کم‌کم برخی مقامات نیز انتقادهایی در اینباره مطرح می‌کنند.

در همین رابطه علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام صبح پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در پنجمین اجلاس رؤسای کمیسیون‌های شهرسازی و معماری کلانشهرها و مراکز استان‌ها گفته که «دو هزار و ۲۰۰ محله، و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت در سراسر ایران وجود دارد که از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنانش، محرومیت از تحصیل کودکان و نوجوانان را هم یادآور شد و گفت: «۸۷۴ هزار ترک تحصیل شش تا ۱۷ ساله در کشور شناسایی شده‌اند.»

علی آقامحمدی با بیان اینکه «ما در محلات با بحران منابع انسانی روبرو هستیم» گفته که «یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در کشور قابلیت توانمندسازی ندارند و این افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار خواهند گرفت.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی جمعیت محروم کشور را نزدیک به ۲۰ میلیون نفر اعلام کرده که وزارت راه و شهرسازی، جمعیت حاشیه‌نشین ایران را در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۲۰ میلیون عنوان کرده بود. با توجه به بحران تورم به ویژه در بخش مسکن و مواد خوراکی، بدون شک جمعیت حاشیه‌نشین و بدمسکن، و همچنین روستاییان محروم خیلی بیش از رقم ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری اعلام شده از سوی علی آقامحمدی است.

یکی از مهمترین عوامل حاشیه‌نشینی و بدمسکنی در کشور، تورم نجومی بخش اجاره‌بهای مسکن است. آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد تورم در بازار مسکن ایران طی دو دهه ۲۸ برابر شده است. در همین بازه زمانی و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ شاخص هر متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۳۰ برابر ←

● **رئیس قوه قضاییه:** چنانچه مشکلات اقتصادی مرتفع نشود به تبع آن، مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی و امنیتی ایجاد می‌گردد و به دنبال این امر، بر حجم پرونده‌های قضایی نیز افزوده می‌شود.

● **جمعیت حاشیه‌نشین و بدمسکن، و همچنین روستاییان محروم خیلی بیش از رقم ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر اعلام شده از سوی عضو تشخیص مصلحت نظام است.**

● **افزایش قیمت‌ها در بخش اجاره‌بهای مسکن سبب بروز پدیده‌هایی چون زندگی در کانکس، پشت‌بام خوابی، اتوبوس خوابی و زندگی در پارک یا دیگر اماکن عمومی شده است.**

● **درآمدهای ناچیز و حداقلی که همواره زیر خط فقر قرار دارند و به دلیل کاهش روزافزون ارزش پول ملی ارزش واقعی آنها در حال کاهش است از دلایل توسعه فقر و فلاکت در جامعه است.**

رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی معتقد است که شورای اقتصادی سران قوا نتوانسته برای غلبه بر مشکلات اقتصادی خوب عمل کند. یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت ایران از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.

انتقادهای دولت ابراهیم رئیسی در پی تشدید مشکلات اقتصادی و گسترش فقر و فلاکت افزایش یافته است. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضاییه امروز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در همایش دادستان‌های عمومی و انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت سراسر کشور گفته متأسفانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با توجه به اختیارات و ظرفیت‌هایی که داشت، نتوانست به نحو مطلوبی عمل کند.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای همچنین تأکید کرده که باید نواقص و کاستی‌های موجود در امر تجمیع قوا و هماهنگی‌ها، برای غلبه بر مسائل و مشکلات اقتصادی مرتفع گردد.

رئیس قوه قضاییه افزوده چنانچه مشکلات اقتصادی مرتفع نشود به تبع آن، مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی و امنیتی ایجاد می‌گردد و به دنبال این امر، بر حجم پرونده‌های قضایی نیز افزوده می‌شود.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در ادامه اما «دشمن» را به عنوان مقصر مشکلات کشور معرفی کرده و گفته که «دشمنان برای پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های خود روش‌های

→ **مدیر «سازمان حقوق بشر ایران»** تأکید کرده که «اعدام سه معترض که قتل‌های فرا قضایی به شمار می‌روند، جنایاتی هستند که مسئولان نظام بویژه علی خامنه‌ای باید در قبال آنها پاسخگو باشند.»

محمود امیری مقدم افزوده است: «اگر جمهوری اسلامی به خاطر این جنایات متحمل هزینه‌ای سنگین از سوی مردم ایران و جامعه جهانی نشود، ماشین کشتار حکومت جان‌های معترضان بی‌شماری را خواهد گرفت.»

این فعال حقوق بشر معتقد است که «جمهوری اسلامی برای طولانی کردن بقای خود به اعدام و ارباب نیاز دارد. فقط هزینه بالای سیاسی است که می‌تواند حکومت را مجبور به عقب‌نشینی کند.»

مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی در حالی سحرگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ اعدام شدند که به گفته یک منبع آگاه قرار بود درخواست اعاده دادرسی مجید کاظمی فردا شنبه ۳۰ اردیبهشت در دیوان عالی کشور ثبت شود اما مقامات امنیتی با آگاهی از این درخواست، حکم اعدام را اجرا کردند. در صورت ثبت درخواست اعاده دادرسی، بر اساس تبصره ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۲ آیین نامه نحوه اجرای حدود، باید اجرای حکم تا صدور رأی دیوان عالی کشور متوقف می‌شد.

طی روزهای گذشته خانواده‌های این سه جوان و شماری از شهروندان اصفهان در اعتراض به صدور حکم ناعادلانه اعدام و اجرای آن، در اطراف زندان «دستگرد» اصفهان تجمعاتی برپا کرده بودند. با وجود جو سنگین امنیتی شامگاه چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت شمار زیادی از شهروندان در اصفهان با اتومبیل مقابل زندان دستگرد اصفهان تجمع کردند و در اعتراض به اجرای حکم اعدام سه معترض محکوم شده در پرونده «خانه اصفهان» بوق ماشین‌های خود را به صدا درآوردند.

«کیهان لندن» روز گذشته در گزارشی خبر از خطر اعدام این سه جوان معترض از بامداد روز جمعه ۲۹ اردیبهشت داده بود. در این گزارش آمده بود که «خطر اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی از فردا و پایان بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در این دوره از لیگ برتر فوتبال افزایش پیدا کند. تیم فوتبال سپاهان اصفهان هواداران زیادی در این شهر دارد و از شانس‌های قهرمانی این دوره از لیگ فوتبال ایران به شمار می‌رود.»

این گزارش افزوده بود که «تیم سپاهان روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت با تیم مس کرمان بازی خواهد کرد و سرنوشت قهرمانی‌اش با این بازی روشن می‌شود. در صورت قهرمانی تیم سپاهان احتمال به خیابان آمدن هواداران تیم در اصفهان وجود دارد.»

در گزارش «کیهان لندن» تأکید شده بود که «به نظر می‌رسد مقامات امنیتی و قضایی اصفهان نگران بهم پیوستن هواداران تیم سپاهان و معترضان به اجرای حکم سه شهروند محکوم در پرونده «خانه اصفهان» بوده‌اند و به همین دلیل با وجود تصمیم قطعی برای اجرای حکم و حتی انتقال زندانیان به سلول انفرادی و اجازه ملاقات حضوری با خانواده، از اجرای حکم خودداری کردند تا بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در لیگ پایان یابد.»

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's

کیلویی ۳۰ هزار تومان بوده، اما این عدد هم‌اکنون در سفره خانوار ۱۳۰ هزار تومان شده است. روغن ۵ کیلویی ۵۰ هزار تومان بوده، اما این روغن بالای ۳۵۰ هزار تومان است. سکه ۱۲ میلیون تومان بوده که الان ۳۲ میلیون تومان شده است. حالا تغییرات قیمت خودرو و طلا و سکه بماند. مهدی پازوکی همچنین با تأکید بر اینکه «دولت باید سعی

در این میان دولت نیز برنامه‌ای برای بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی ندارد و نشان داده توان و اراده حمایت از افشار تنگدست و نیازمند را نیز ندارد. این در حالیست که ی‌ش‌بینی کارشناسان تصویر تکانه‌دهنده‌ای از وضعیت تورم و افزایش قیمت‌ها در ماه‌های پیش رو را نشان می‌دهد.

→ شده که بیانگر اختلاف بالاتر از تورم عمومی اقتصاد بوده است.

افزایش قیمت‌ها در بازار مسکن دلایل مختلفی دارد از جمله اینکه هزینه ساخت متأثر از تورم عمومی اقتصاد به شدت افزایش یافته و طرح‌های دولت برای تولید مسکن با شکست روبرو شده و همچنین برنامه‌های حمایتی از



کند که شفافیت را به اقتصاد ایران بازگرداند؛ نه آمارسازی کند» گفته «با عدلسازی که نمی‌شود با مردم صحبت کرد. مردم و جامعه شرایط را می‌بینند و سبد مصرفی خانوارها همه چیز را نشان می‌دهد.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است نرخ تورم اسفند پارسال بالای ۵۰ درصد بوده و افزوده که «مردم تورم را با پوست و گوشت حس می‌کنند. حالا می‌خواهند بگویند نرخ تورم ۱۴۰۱ از ۱۴۰۰ پایین‌تر آمده است؟ در همین رابطه با فروردین امسال نگاه کنید که چقدر قیمت حمل‌ونقل و اجاره‌ها چقدر افزایش پیدا کرده است یا قیمت لبنیات و یا میوه چقدر بالا رفته است. مردم این تغییرات قیمت‌ها را می‌بینند.»

علیرضا پاک‌فطرت، نماینده شیراز و عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی درباره مشکلات اقتصادی موجود در کشور به وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته که «امروز بالای ۸۰ درصد اقتصاد ما، دولتی است، در صورتی که باید برعکس باشد و ۸۰ درصد اقتصاد، دست بخش خصوصی باشد، به خصوص در دست تعاونی‌ها و حتی تعاونی‌های کوچک و نه فقط چند شرکت که اقتصاد را انحصاری کنند. باید شرکت‌های کوچک در قالب تعاونی‌ها را وارد میدان کرد که حداکثر جامعه از این رویکرد، منفعت ببرند. از طرفی، دولت هم در عین حال که بخش خصوصی را حمایت می‌کند، مالیاتش را بگیرد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «امروز اقتصاد ایران، بسته عمل می‌کند. هرچه حلقه تصمیم‌گیری تنگ‌تر شود و دولت بزرگ‌تر و هزینه‌برتر عمل کند و بخش خصوصی حمایت نشود، خیلی نباید انتظار روزهای بهتر در اقتصاد را کشید. اقتصاد، علم و تجربه است و امیدوارم دولت سیزدهم در این دو سال و نیمی که از عمرش باقیست با دقت نظر بیشتری، کار را دنبال کند، چون مردم، کار توام با خروجی مثبت می‌خواهند نه شعار بدون پشتوانه اجرایی.»

کارشناسان معتقدند تورم بازار مسکن در سال جدید خورشیدی برای افشار مستأجر بحرانی شدیدتر از سالهای گذشته ایجاد خواهد کرد. حسن محتشم عضو هیئت مدیره انجمن انبوه‌سازان مسکن تهران در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته تورم بخش مسکن در ماه‌های آینده به حدی می‌رسد که سکونت برای عده زیادی از مردم در تهران غیر ممکن خواهد شد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد به طور میانگین ۴۰ درصد از جمعیت شهرنشین در ایران مستأجر هستند اما در تهران بیش از نیمی از جمعیت پایتخت را مستأجران تشکیل می‌دهند. مسعود دامشند عضو اتاق بازرگانی ایران در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» و درباره وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور، با تأکید بر اینکه «مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تأثیر بسزایی بر روی وضعیت اقتصادی دارد» گفته که «در همین سال جاری باز هم قیمت‌ها افزایش می‌یابد، چون عوامل مؤثر در قیمت تشدید شده و تغییراتی در آن‌ها ایجاد کرده و قیمت‌ها بنا به دلایل مختلف بالا می‌رود و نظام تولید را به جای توسعه فقط درگیر قیمت می‌کند.»

عضو اتاق بازرگانی ایران معتقد است در صورت ادامه روند کنونی سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم ۳ رقمی دور از ذهن نخواهد بود. مرکز آمار ایران تورم اقتصاد ایران در اسفندماه گذشته را ۸/۴۵ درصد اعلام کرده است. این آمارها با واقعیت جامعه هم‌خوانی ندارد و بسیاری از اقتصاددانان تورم واقعی را بیش از ارقام مورد ادعای حکومت می‌دانند.

مهدی پازوکی کارشناس اقتصادی درباره آمارهای تورمی با اشاره به اینکه «با اعداد که نمی‌شود بازی کرد» گفته که سال ۱۴۰۰ سالی بوده که بودجه دولت با کسری روبرو بوده است؛ در سالی که دولت سیزدهم روی کار آمد، نرخ دلار در بازار آزاد ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان بود، اما قیمت دلار هم‌اکنون بالای ۵۲ هزار تومان است. قیمت بهترین برنج

مصرف‌کننده مانند وام‌های خرید مسکن هم تناسبی با قیمت‌ها ندارد و در عمل ناکارآمد است.

افزایش قیمت‌ها در بخش اجاره‌بهای مسکن سبب بروز پدیده‌هایی چون زندگی در کانکس، پشت‌بام خوابی، اتوبوس‌خوابی و زندگی در پارک یا دیگر اماکن عمومی شده است.

در این میان کاسبی جدیدی برای آنها که پشت بام خود را به بی‌خانمان‌ها اجاره می‌دهند ایجاد شده است. پدیده پشت‌بام خوابی به حدی در تهران و دیگر کلانشهرها افزایش یافته که با واکنش مقامات روبرو شده است. نایب رئیس اول اتحادیه مشاوران املاک تهران اجاره دادن پشت بام را «تخلف» اعلام کرد.

داود بیگی‌نژاد نایب رئیس اول اتحادیه مشاوران املاک تهران ۱۷ اردیبهشت گفته که «مشاوران املاک، فضایی را می‌توانند اجاره دهند که دارای سند باشد اما پشت بام فضای مشترک و مشاع محسوب می‌شود و در چارچوب قوانین مشاوران املاک نیست.»

از سوی دیگر افزایش اجاره‌بهای مسکن بخش قابل توجهی از مستأجران ساکن کلانشهرها را راهی مناطق حاشیه‌ای کرده است. گزارش‌های مختلف نشان از وجود حدود ۱۴ میلیون نفر حاشیه‌نشین و در مجموع بیش از ۲۰ میلیون حاشیه‌نشین و بدمسکن حکایت دارد. بد مسکن‌ها ممکن است در مناطق مرکزی و جنوبی شهرها و اصطلاحاً در بافت رسمی شهری زندگی کنند اما به دلیل قدیمی و غیراستاندارد بودن خانه‌ها به عنوان بدمسکن شناخته می‌شوند.

همچنین درآمدهای ناچیز و حداقلی که همواره زیر خط فقر قرار دارند و به دلیل کاهش روزافزون ارزش پول ملی ارزش واقعی آنها در حال کاهش است از دیگر دلایل توسعه فقر و فلاکت در جامعه است. در این میان افزایش نرخ بیکاری نیز سبب شده درآمد بسیاری از خانوارها کم یا حتی قطع شود.

ایران معبدی است که باید بازسازی شود (بخش یک)



کوروش در شکارگاه، کاخ ورسای پاریس، نقاشی از کلود آدران دوم

کوروش بزرگ انجام داد، از آزاد کردن یهودیان و احترام به باورهای آنان تا آزاد نهادن آنها در بازسازی معبد خود در این شهر، همه از مصادیق روشن آنچه است که بخش بزرگی از گفتمان حقوق بشر را در بر می‌گیرد.

این موضوعات بهم پیوسته به منزله چهار ستونی هستند که بر آنها می‌توان تأملاتی را در باب شیوه مدیریت مطلوب توصیه کرده و راجع به آنها اندیشید. در حقیقت، جستجوی معنای حیات و معنویت‌گرایی (یعنی بحث معبد)، اندیشه روشنگر نقادانه (ادراک ضرورت بازسازی معبد)، مدیریت سیاسی اجتماعی جوامع دربند (رها ساختن مردمان از اسارت)، و احترام به اعتقادات دیگران و موضوعات هویتی آنان (حقوق بشر) آنگونه که می‌توان در شیوه مدیریت کوروش بزرگ دید، همان چهار ستونی هستند که می‌بایست به عنوان شالوده اندیشه‌ورزی و عمل سیاسی در مرکز تلاش‌های ایرانیان برای رسیدن به آزادی و دموکراسی قرار گیرند.

از این زاویه، تاکید شاهزاده پهلوی بر مفهوم معبد و ضرورت بازسازی آن امری است که متفکران ایرانی، و به ویژه آنهایی که در حوزه اندیشه سیاسی و حقوق بشر بین‌المللی تمرکز دارند، می‌بایست در کانون توجهات خود قرار دهند.

اهمیت موضوع این است که ایرانیان همواره بر این باور بوده‌اند کوروش بزرگ الگوی آزاد ساختن مردمان به بند کشیده شده بوده و فرامین و اقدامات او در بابل، که در لوحه بجای مانده از وی تبلور یافته، نخستین ترجمان حقوق بشر به معنی رایج آن به شمار می‌رود. این باورمندی هموطنان قابل ستایش است و هر ایرانی خردمندی نیز می‌بایست برای پیشبرد آن تلاش‌های خود را به کار گیرد. اما موانعی نیز بر سر راه وجود دارد که آن باورمندی هموطنانمان را ممکن است از مسیر درست و مطلوب به سوی بیراهه بکشاند. اصلی‌ترین این موانع به

چرا شاهزاده رضا پهلوی موضوع رهایی مردم از ستمگری را با مفهوم معبد در پیوند قرار داد؟ به درستی چرا ایران باید به منزله معبدی برای ما باشد که برای بازسازی آن همه ایرانیان باید تلاش کنند؟ آیا این بازسازی می‌تواند موجبات آزادی همه مردمان ستمدیده و پیروان عقاید مختلف دینی را فراهم آورد که همواره مورد ظلم و تبعیض قرار می‌گیرند؟

بخش یک

معبد و رهایی ستمدیدگان

اخیرا شاهزاده رضا پهلوی در سفری که به اسرائیل داشت و پس از آن در سخنرانی‌های خود مفاهیم و دیدگاه‌هایی را مطرح ساخت که فرای تحلیل‌ها و سر و صداهای رسانه‌ای نیاز به واکاوی جدی‌تری دارد. وی در تازه‌ترین سخنرانی خود در نشست «اجلاس رهبری ملی» در سازمان غیردولتی یهودیان آمریکایی «اتحادیه ضدافترا» (ADL) روز یکشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) با طرح این موضوع که ایران مانند معبدی است که در آن مردمانش به اسارت گرفته شده و از نابخردی‌ها به ستوه آمده‌اند، و این ضرورت که این معبد باید بازسازی (آزاد) شود، به نکته سنجیده‌ای پرداخت که باید مورد توجه متفکران ایرانی قرار گیرد. [۱] اهمیت موضوع به ویژه در این تدبیر قرار دارد که معبد بابل را کوروش بزرگ آزاد ساخت، یهودیان را از اسارت نجات داد، و آنها را در بازسازی معبد خود آزاد گذاشت. بنابراین باید رابطه‌ای مفهومی میان «معبد» یعنی مکانی برای نیایش معنوی مردمان، خردمندی و درایت کوروش بزرگ به عنوان الگویی برای مدیریت مطلوب در ایران امروز، و موضوع آزادی برقرار کرد. در کانون مرکزی این اقدام کوروش بزرگ نیز مفهوم حقوق بشر به معنی مدرن کلمه قرار دارد. منظور این است که آنچه کوروش بزرگ در جریان فتح بابل انجام داد، در برگزیده اعتقاداتی است که امروزه با عنوان حقوق بشر در زندگی روزانه تبدیل شده است. یعنی آنچه

تاکید شاهزاده پهلوی بر مفهوم معبد و ضرورت بازسازی آن امری است که متفکران ایرانی، و به ویژه آنهایی که در حوزه اندیشه سیاسی و حقوق بشر بین‌المللی تمرکز دارند، می‌بایست در کانون توجهات خود قرار دهند.

● اهمیت فتح شهر بابل توسط کوروش پادشاه ایران زمین، هنگامی که لوح منسوب به او در ۱۸۷۹ در منطقه میانرودان (بین النهرین)، یعنی عراق امروز، کشف شد، مورد توجه قرار گرفت. پژوهشگران بلافاصله دریافتند که متن این لوح به خوبی با روایت کتاب مقدس «عذرا» (یعنی کتابی که ۱۳۹ سال بعد از فتح بابل گرد آمد) مطابقت دارد که بر اساس آن کوروش به یهودیان تبعید شده در بابل اجازه داد به سرزمین خویش، یعنی اورشلیم، بازگشته و برای این منظور از آنها حمایت‌های عمده مالی و پشتیبانی هم به عمل آورد. کوروش همچنین از بازسازی معبد ویران شده در آنجا حمایت به عمل آورد. به همین دلیل، در حالی که پادشاهان سابق بابل مورد توهین قرار می‌گرفتند، کوروش به عنوان رهبری خردمند مورد احترام بوده است.

● دامنه این تأثیرات بزرگ‌منشی کوروش تا بدانجاست که از موضوعات مربوط به آزادی مذاهب فراتر رفته و جایگاه مهمی را در نظریه‌پردازی نوع مدیریت مطلوب به خود اختصاص داده است. توماس جفرسون از بنیانگذاران آمریکا، خود را دنباله‌رو اندیشه‌های انسانی و والای کوروش بزرگ می‌داند و پادشاه خردمند ایران را الگویی برای مدیریت مطلوب معرفی می‌کند.

● محمود مسائلی - پرسش‌ها: چرا امروزه نام کوروش بزرگ مورد توجه اکثر ایرانیانی که از ظلم رژیم مذهبی به تنگ آمده‌اند، قرار گرفته است؟ آیا منش و روش زمامداری کوروش بزرگ می‌تواند با اندیشه‌های الهی پیوند داشته باشد؟ آیا شیوه زمامداری کوروش بزرگ می‌تواند یکی از منابع الهام برای جنبش آزادیخواهی مردم از حکومت مذهبی باشد؟

و خردمندی او از طریق کتب مقدس عهد عتیق به یادگار مانده است. در اینجا باید یکبار دیگر توجه داشت که بخش بزرگی از ستایش کوروش بزرگ در کتاب «اشعیا» که حدود ۲۰۰ سال پیش از فتح بابل توسط کوروش بزرگ نوشته شده، انجام شده است. بنابراین پژوهشگر ممکن است با سردرگمی‌هایی مواجه شود. اگر ستایش کوروش بزرگ به دلیل اقداماتی است که در جریان فتح بابل اتفاق افتاد، چرا او در کتاب «اشعیا» که ۲۰۰ سال پیش از فتح بابل تحریر شده، مورد ستایش قرار گرفته است!

در این ارتباط می‌بایست یادآوری کرد که کتاب «اشعیا»، در حقیقت، ظهور یک منجی را برای آزادی یهودیان از اسارت، که حدود ۲۰۰ سال پیش از دوران کوروش بزرگ نوشته شده بود، بشارت می‌دهد. به عبارت بهتر کتاب «اشعیا» پیش‌بینی می‌کند که در سال‌های آینده انسان خردمندی گام‌هایی برای رهایی یهودیان بر می‌دارد. بنابراین برای درک مفهوم معبد و ضرورت بازسازی آن نمی‌توان ابعاد تصویرسازی مکاشفاتی [۳] مربوط به منش و روشن کوروش بزرگ در کتاب «اشعیا» را نادیده انگاشت. با این مراجعات به کتاب «اشعیا»، سپس می‌بایست جزئیات آنرا در کتاب «عذرا» مطالعه کرد. در حقیقت، از این زاویه است که می‌توان از اندیشه‌های کوروش بزرگ در کتاب «عذرا» که بعد از زمامداری کوروش بزرگ به تحریر در آمده، پرده‌برداری کرد. ستایش منش و روش کوروش بزرگ در دو کتاب «اشعیا» و «عذرا» به خوبی خردمندی این انسان بزرگ را برای مردم امروز نمایان می‌سازد، و این خردمندی در لوحه‌ای که منسوب به اوست نیز تبلور یافته است. اینها همان نکات پیچیده‌ای است که پیشتر به آن اشاره شد.

در عین حال، دامنه این تأثیرات بزرگ‌منشی کوروش تا بدانجاست که از موضوعات مربوط به آزادی مذاهب فراتر رفته و جایگاه مهمی را در نظریه‌پردازی نوع مدیریت مطلوب به خود اختصاص داده است. توماس جفرسون از بنیانگذاران آمریکا، خود را دنباله‌رو اندیشه‌های انسانی و والای کوروش بزرگ می‌داند و پادشاه خردمند ایران را الگویی برای مدیریت مطلوب معرفی می‌کند. آنچه در بخش‌های بعد خواهد آمد، ابعاد مذهبی و تاریخی منش و روش کوروش بزرگ را در متن اندیشه‌های سیاسی دوران پیشامدرن قرار می‌دهد و می‌کوشد توضیح دهد که اندیشه‌های آزادخواهی به معنی امروزی آن، نمی‌تواند بی‌تأثیر از منش و رفتار آزادخواهانه کوروش بزرگ باشد. [ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] نگارنده به دلیل سال‌ها تجربه تدریس اندیشه‌های اخلاقی و سیاسی امانوئل کانت، مناسب‌ترین نظام سیاسی برای آینده ایران را جمهوریت به آن معنایی که کانت در نظریه «صلح پایدار» مطرح می‌سازد، می‌داند. اما منش فروتنانه و دموکراتیک شاهزاده رضا پهلوی را، به دلیل همان اندیشه‌های کانتی، نمی‌تواند از نظر دور دارد؛ به گونه‌ای که او را بهترین گزینه ممکن برای رهایی ایران می‌دانم. خود ایشان نیز تأکید کرده است که هدف وی رهایی ایران است.

[۲] نگاه کنید به کمیته حقوق بشر
Apocalyptic imagery [۳]

فتح بابل توسط کوروش بزرگ) نوشته شده توضیح دهیم. بعد از آن می‌بایست منابع مذهبی دیگر یعنی کتاب «عذرا» که حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (یعنی ۱۳۹ سال بعد از فتح بابل) نوشته شده مراجعه نماییم تا از طریق توالی



تاریخی این رویدادهای سیاسی که با ستایش تساهل مذهبی همراه بوده، مفهوم معبد برای آزادی را بهتر و روشن‌تر مورد مطالعه قرار دهیم. افزون بر این، چنین ارتباطات زمانی را در متن لوحه کوروش بزرگ قرار دهیم تا بتوانیم به درستی در پیامی که چرا کوروش بزرگ می‌بایستی به عنوان یکی از منابع الهام حقوق بشر از یک سو، و الگوی مدیریت مطلوب از دیگر سو، مورد توجه و مطالعه علاقه‌مندان قرار گیرد، و چرا مفهوم معبد در این موضوعات حضوری اجتناب‌ناپذیر دارد. این کنکاش‌ها بویژه برای ایرانیان علاقه‌مندی که از بی‌خردی و تاریک اندیشی حکومت اسلامی به تنگ آمده‌اند، وظیفه‌ای انسانی و امر اخلاقی است که باید با قضاوت تاریخ در باره بزرگ‌منشی ایرانیان باستان نیز هماهنگ باشد. در این نوشتار، منابع اندیشه‌ورزی سیاسی مربوط به این رخدادها با دقت مورد واکاوی قرار گیرد. و این واکاوی خود نیازمند مراجعه به متون عهد عتیق از یک طرف، و مطالعه تاریخی رخدادها از طرف دیگر منوط و وابسته می‌باشد.

اهمیت فتح شهر بابل توسط کوروش پادشاه ایران زمین، هنگامی که لوح منسوب به او در ۱۸۷۹ در منطقه میانرودان (بین النهرین)، یعنی عراق امروز، کشف شد، مورد توجه قرار گرفت. پژوهشگران بلافاصله دریافتند که متن این لوح به خوبی با روایت کتاب مقدس «عذرا» (یعنی کتابی که ۱۳۹ سال بعد از فتح بابل گرد آمد) مطابقت دارد که بر اساس آن کوروش به یهودیان تبعید شده در بابل اجازه داد به سرزمین خویش، یعنی اورشلیم، بازگشته و برای این منظور از آنها حمایت‌های عمده مالی و پشتیبانی هم به عمل آورد. کوروش همچنین از بازسازی معبد ویران شده در آنجا حمایت به عمل آورد. به همین دلیل، در حالی که پادشاهان سابق بابل مورد توهین قرار می‌گرفتند، کوروش به عنوان رهبری خردمند مورد احترام بوده است. این درک کوروش از شرایط مردمان به اسارت کشیده شده،

عدم شناخت صحیح از گفتمان حقوق بشر، شیوه مدیریت مطلوب، و موضوعات مربوط به اندیشه سیاسی است. به نظر نگارنده، نقش کوروش بزرگ به عنوان یکی از منابع اندیشه‌های حقوق بشری جهان امروز، نمی‌تواند با

این ساده‌انگاری سازگار باشد زیرا گفتمان امروزی حقوق بشر به عنوان اصول حقوقی نهادینه شده برای دفاع از حقوق انسان‌ها مولود شرایط و اندیشه‌های سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم است. اما اگر بخواهیم به پیش‌زمینه‌های تاریخی اندیشه‌هایی که در ظهور گفتمان حقوق بشر مدرن نقش داشتند مراجعه نماییم، می‌توانیم کردار و رفتار کوروش بزرگ، به ویژه در زمینه آزادی‌های مذهبی را، یکی از منابع الهام اندیشه‌های حقوق بشری معاصر بدانیم. با این اوصاف تأیید این فرضیه نیز به تحقیقات عمیق‌تر و دقیقی نیاز دارد تا بتواند نقش این انسان الگوی خردمندی را به درستی و با عدالت به نمایش بگذارد. پیچیدگی‌های دیگری نیز بر سر راه وجود دارد که به توالی تاریخی، ابهاماتی که در ستایش کوروش بزرگ در کتاب مقدس وجود دارد، و فضای بی‌اعتنایی و حتی ضدیت با باورهای مذهبی در نزد برخی از ایرانیان امروز، باز می‌گردد. در این ارتباط می‌بایست خاطرنشان ساخت که کوروش مروج احترام به عقاید و باورهای دینی بوده است، و شاهزاده رضا پهلوی نیز با در مرکزیت قرار دادن مفهوم معبد به معنی مکانی برای نیایش، این بُعد از اندیشه کوروش بزرگ را برجسته ساخته است. در عین حال، حقوق بشر بین‌المللی نیز آزادی پذیرش اعتقادات دینی را به عنوان حقی ذاتی مورد شناسایی قرار داده و برای اجرای آن نیز ساز و کارهای لازم را در نظر گرفته است. [۲]

با طرح این پیش‌زمینه‌ها، حال می‌توان کنکاشی عمیق‌تر درباره مفهوم معبد و ضرورت بازسازی آن به عنوان الگویی که می‌تواند مسیر آزادی را به گونه‌ای موثرتر هموار نماید، داشته باشیم. برای این کار ناگزیر هستیم از یکسو به فتح بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ قبل از میلاد مسیح اتفاق افتاد، نظری داشته باشیم. سپس آنچه را توسط کوروش بزرگ در این شهر صورت گرفت با مراجعه به کتاب «اشعیا» که ۷۴۰ سال قبل از میلاد مسیح (حدود ۲۰۰ سال پیش از

گروه هفت: نقض حقوق بشر و مداخله رژیم ایران در جنگ اوکراین



جو بایدن و ولودیمیر زلینسکی / نشست گروه ۷ / هیروشیما / ۲۱ مه ۲۰۲۳

و روزنامه نگاران در داخل و خارج از کشور عمیقاً ابراز نگرانی کرده و از جمهوری اسلامی خواسته‌اند " تمام بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه" را متوقف کند.

یکی از بندهای بیانیه اجلاس هیروشیما به فعالیت‌های مناقشه برانگیز هسته‌ای جمهوری اسلامی اختصاص یافته و در آن تأکید شده که کشورهای گروه هفت عزم راسخ دارند که رژیم ولایت فقیه هرگز به سلاح اتمی دست پیدا نکند.

این کشورها استمرار بی‌وقفه برنامه هسته‌ای ایران که هیچ‌گونه "توجیه باورپذیر غیرنظامی" ندارد را به شدت نگران‌کننده خوانده و می‌گویند این گونه برنامه‌ها، جمهوری اسلامی را به "فعالیت‌های خطرناک" معطوف به سلاح اتمی نزدیک می‌کند.

گروه هفت شامل کانادا، ژاپن، ایتالیا، فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا می‌شود که چهار کشور آخر طرف امضای توافق هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران بوده‌اند.

در بخشی از بیانیه این گروه تأکید شده که "راه حل دیپلماتیک" همچنان بهترین امکان برای حل این معضل ارزیابی می‌شود و برجام، چارچوب موثری برای این منظور ارائه می‌کند.

سران گروه هفت بر همین اساس، جمهوری اسلامی را فراخوانده‌اند که "تدابیر فوری و ملموسی" برای انجام تعهدات قانونی و سیاسی خود، از جمله در زمینه عدم اشاعه سلاح هسته‌ای را در دستور کار قرار دهد.

مذاکرات احیای برجام فروردین دو سال پیش آغاز شد و آمریکا که در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای خارج شد به صورت غیرمستقیم با آن مشارکت داشت.

این مذاکرات پس از یک سال و نیم بدون نتیجه متوقف شد اما هیچ‌یک از طرفین تا کنون به طور رسمی مرگ برجام را اعلام نکرده است.

برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی اوکراین و قتل غیرنظامیان این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند را متوقف سازد.

رژیم ولایت فقیه، بارها ادعا کرده هیچ‌گونه تسلیحاتی به روسیه ارسال نمی‌کند که در جنگ اوکراین از آنها استفاده شود. با این حال تاکنون اسناد و شواهد فراوانی فاش شده که مطابق آنها روسیه در حمله به اوکراین از پهپادهای انتحاری و تهاجمی ساخت ایران از جمله "شاهد۱۳۶" استفاده می‌کند.

سران و رهبران گروه هفت در عین حال از برخی تلاش‌ها برای بهبود روابط دوجانبه و کاهش تنش در منطقه، از جمله توافق ایران و عربستان سعودی برای عادی سازی روابط استقبال کرده‌اند.

این کشورها ضمن تأکید بر اهمیت تضمین امنیت دریایی در آبراه‌های خاورمیانه، از جمهوری اسلامی خواسته‌اند در مسیر کشتیرانی قانونمند و آزادی تردد همه کشتی‌ها اختلال ایجاد نکند.

همزمان با آغاز اجلاس هیروشیما، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، به رغم اعتراضات گسترده بین‌المللی، از اجرای حکم اعدام سه متهم پرونده "خانه اصفهان" خبر داد.

مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی آبان ماه سال پیش در جریان جنبش اعتراضی پس از کشته شدن مهسا امینی بازداشت و در دادگاهی که بنابر ارزیابی عفو بین‌الملل، به شدت ناعادلانه بوده به اعدام محکوم شدند.

اجرای حکم اعدام این سه جوان معترض با واکنش‌های بین‌المللی و داخلی شدید روبرو شد و در بسیاری از شهرهای ایران و جهان تظاهراتی علیه حکومت را به دنبال داشت.

سران گروه هفت به خاطر نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران، از جمله سرکوب "اعتراضات مردمی فمینیستی" و هدف قرار دادن شهروندان، از جمله زنان، دختران، اقلیت‌ها

● سران گروه هفت در بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواستند به مداخله در جنگ اوکراین و نقض سیستماتیک حقوق بشر خاتمه دهد

● هفت کشور صنعتی: برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی عزم راسخ داریم

اجلاس سران و رهبران هفت کشور از قدرتمندترین دموکراسی‌های جهان (گروه هفت) روز جمعه، نوزدهم مه در هیروشیما ژاپن آغاز شد و تا یکشنبه ادامه خواهد داشت.

جنگ روسیه علیه اوکراین و حمایت بی‌وقفه از این کشور در برابر تجاوز نظامیان روسی یکی از موضوعات اصلی رایزنی‌های این اجلاس بود.

ولادیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین عصر شنبه وارد هیروشیما شد تا روز یکشنبه در اجلاس گروه هفت شرکت و با حضاران وارد گفتگو شود.

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز شنبه برنامه دیدار دوجانبه زلینسکی با همتای آمریکایی‌اش، جو بایدن در هیروشیما را تأیید اما زمان دقیق آن را مشخص نکرد.

وبسایت دولت فدرال آلمان متن پیش‌نویس بیانیه گروه هفت درباره مسائل مختلف جهان را منتشر کرد که بخش‌هایی از آن به جمهوری اسلامی و فعالیت‌های "نگران‌کننده" آن اختصاص دارد.

سران گروه هفت به خاطر تداوم اقدامات بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی، از جمله انتقال موشک، پهپاد و فناوری‌های مربوط با آنها به بازیگران دولتی و غیردولتی و گروه‌های نیابتی به شدت ابراز نگرانی کرده و این اقدام تهران را نقض قطعنامه‌های ۲۲۳۱ و ۲۱۱۶ شورای امنیت ارزیابی کرده‌اند.

در بیانیه این گروه، از جمهوری اسلامی خواسته شده به پشتیبانی خود از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین خاتمه دهد و به طور ویژه ارسال پهپادهای تهاجمی که

بازگشت سوریه به اتحادیه عرب با اجازه جمهوری اسلامی



بشار اسد «قصاب سوریه» و محمد بن سلمان / نشست اتحادیه عرب در جدّه / مه ۲۰۲۳

نشست جدّه را نیز نشان از ادامه وابستگی کامل رژیم بشار اسد به جمهوری اسلامی می‌داند: «بشار اسد بدون اجازه تهران هیچ گامی بر نمی‌دارد زیرا شیشه عمر این رژیم قاتل مردم سوریه از نظر اقتصادی و به ویژه نظامی در دست آیت‌الله‌های تهران است. بدون حمایت آنها، به خصوص از زمانی که روسیه درگیر جنگ اوکراین شده است، رژیم اسد چند روز بیشتر نمی‌تواند دوام بیاورد. نباید فراموش کرد که از ماه نوامبر گذشته تا آخر ماه مارس سال جاری میلادی ۱۷ میلیون بشکه نفت از ایران به ارزش یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار راهی سوریه شده است. از آغاز جنگ داخلی تا کنون جمهوری اسلامی علاوه بر ارسال نفت و تسلیحات، بیش از ۳۰ میلیارد دلار نیز به صورت کمک مالی و یا اعتبار بانکی در اختیار رژیم اسد قرار داده است.»

محمود کیلانی امضای ۱۵ توافقنامه اقتصادی و تجاری بین جمهوری اسلامی و سوریه در جریان سفر اخیر ابراهیم رئیسی را نیز گامی در جهت ادامه و گسترش وابستگی دمشق به تهران ارزیابی می‌کند. این تحلیلگر سوری می‌گوید «شاید این توافقنامه‌ها در مرحله کنونی ارزش اقتصادی فوری و آنچنانی نداشته باشند، ولی درازمدت هستند و حتی در صورت تغییر رژیم در سوریه نیز اعتبارشان را از دست نخواهند داد زیرا توافقنامه‌های بین‌المللی اگر نظام‌های امضاکنده عوض شوند به سختی اعتبار خود را از دست خواهند داد و روند باطل کردن آنها بسیار پیچیده و تقریباً غیرممکن است.»

محمود کیلانی در خاتمه می‌گوید «برخی از این توافق‌ها چون خط راه‌آهن تهران- بیروت از طریق عراق و سوریه و یا خطی که ایران را به بندر لاذقیه در مدیترانه وصل می‌کند از نظر راهبردی نیز بسیار اهمیت دارند.» این تحلیلگر یادآوری می‌کند که «ایران تنها از این طریق می‌تواند به دریای مهمی چون مدیترانه راه پیدا کند و از آن برای صادرت خود به کشورهای اروپائی استفاده کند.»

یکی دیگر از این شروط بود. آلتبه دور ساختن شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی به ویژه لبنانی‌های حزب‌الله و پاکستانی‌های زینبیون از مرز اردن نیز یکی دیگر از خواست‌های کشورهای عربی بود.»

این تحلیلگر سوری در ادامه می‌افزاید «توافق بین تهران و ریاض بیش از آنکه به روابط بحرانی بین دو کشور خلاصه شود، ابعاد منطقه‌ای دارد. یافتن توافقی در ارتباط با سوریه و یمن به مراتب برای پادشاهی سعودی مهم‌تر از بازگشتی سفارت در تهران و یا بازگشت سفیر جمهوری اسلامی به ریاض است. قبل از نشست اتحادیه عرب در جدّه، سعودی‌ها پس از ماه‌ها برای اولین بار پذیرفتند با حوثی‌ها در یمن که تحت حمایت سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی قرار دارند نیز به گفتگو بنشینند و بسیاری از خواست‌های آنها را پذیرفتند.»

محمود کیلانی معتقد است که «جمهوری اسلامی نیز بازگشت سوریه به اتحادیه عرب را یک پیروزی برای خود قلمداد می‌کند و آنرا پذیرفتن «جبهه مقاومت» به عنوان یک واقعیت از سوی دیگر کشورهای عربی می‌داند و اگر بخواهیم بی‌طرفانه به این مسئله نگاه کنیم حق با آنهاست. سوریه هنوز مهم‌ترین کشور عربی است که در حوزه نفوذ جمهوری اسلامی قرار دارد و کشورهای عربی مجبور شدند این واقعیت را بپذیرند.» این تحلیلگر سوری در ادامه می‌افزاید «در ابتدا برخی کشورهای عربی به بازگشت سوریه به اتحادیه عرب چراغ سبز نشان داده بودند ولی به شرطی که بشار اسد در نشست جدّه حضور نداشته باشد و یکی از وزرای دولت‌اش به پادشاهی سعودی سفر کند. اما شرط جمهوری اسلامی برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب حضور رئیس‌جمهور این کشور در این اجلاس بود و بالاخره نیز سعودی‌ها و دیگران به ویژه مصر آنرا پذیرفتند.»

محمود کیلانی سفر ابراهیم رئیسی به دمشق در آستانه

● بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، به گفته تحلیلگران سوری، دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها توافق اخیر پادشاهی سعودی با جمهوری اسلامی با میانجیگری چین است.

● پادشاهی سعودی با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب می‌خواهد نقش جمهوری اسلامی در این کشور را کاهش دهد، بدون اینکه خواهان خروج جمهوری اسلامی از سوریه را به عنوان شرط مطرح کرده باشد.

● دور ساختن شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی به ویژه لبنانی‌های حزب‌الله و پاکستانی‌های زینبیون از مرز اردن نیز یکی دیگر از خواست‌های کشورهای عربی بوده است.

● از ماه نوامبر گذشته تا آخر ماه مارس سال جاری میلادی جمهوری اسلامی ۱۷ میلیون بشکه نفت به ارزش یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار به سوریه فرستاده است.

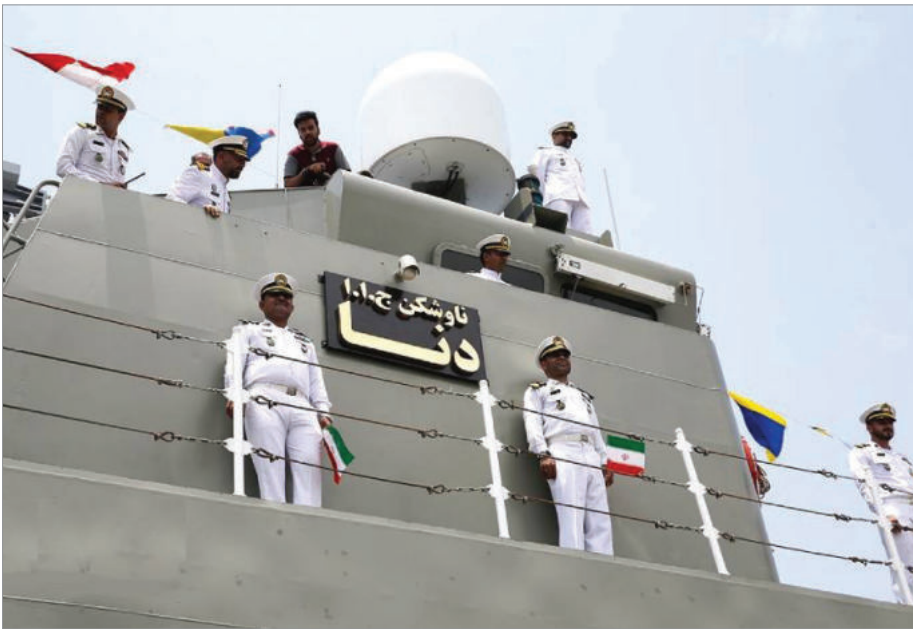
● امضای ۱۵ توافقنامه اقتصادی و تجاری بین جمهوری اسلامی و سوریه در جریان سفر اخیر ابراهیم رئیسی نیز گامی در جهت ادامه و گسترش وابستگی دمشق به تهران ارزیابی می‌شود. توافق‌هایی که حتی در صورت تغییر رژیم در سوریه نیز اعتبارشان را از دست نخواهند داد.

احمد رأفت - سوریه به اتحادیه عرب بازگشت. عضویت

این کشور در ابتدای جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ میلادی به تعلیق درآمد. سوریه در جریان آخرین اجلاس اتحادیه عرب که در جدّه برگزار شد به این نهاد ملحق شد. این بازگشت به گفته تحلیلگران سوری دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها توافق اخیر پادشاهی سعودی با جمهوری اسلامی با میانجیگری چین است. گروهی از تحلیلگران سوری مخالف رژیم جمهوری اسلامی که اخیراً در لندن جلسه‌ای پشت درهای بسته برای تبادل نظر در این رابطه برگزار کردند معتقدند که سفر بشار اسد به جدّه برای شرکت در اجلاس اتحادیه عرب حرکتی برد- برد برای تهران، ریاض و دمشق است و زیر نظر و با موافقت جمهوری اسلامی انجام گرفته است.

محمود کیلانی تحلیلگر سوری ساکن وین به کیهان لندن می‌گوید «سعودی‌ها مدت‌هاست به این نتیجه رسیده بودند که تنها راه برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی در سوریه، بازگرداندن این کشور به اتحادیه عرب است. تماس‌هایی در این رابطه با دولت بشار اسد آغاز شده بود ولی جمهوری اسلامی فشار می‌آورد که سوریه تنها تحت شرایط خاصی می‌بایستی این دعوت را بپذیرد. با توافقی که در پکن بین نمایندگان جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی انجام گرفت، راه برای عادی‌سازی روابط سوریه با کشورهای عربی هموار شد.»

محمود کیلانی در ادامه می‌افزاید «پادشاهی سعودی با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب و برقراری مجدد روابط با این کشور چند شرط دیگر گذاشته بود که کم‌رنگ شدن نفوذ جمهوری اسلامی، و نه خروج جمهوری اسلامی از سوریه، یکی از این شروط بود. جلوگیری از قاچاق کاپتاگون، مواد مخدری که در «آشپزخانه‌های» حزب‌الله در جنوب لبنان تحت نظر بخش‌هایی از سپاه پاسداران تهیه می‌شود و از طریق سوریه به برخی کشورهای عربی چون پادشاهی سعودی، اردن و عراق نیز صادر می‌شود،



ناوچه «دنا» متعلق به ارتش

ناوگروه ۸۶ ارتش؛ افسرانی با صورت «سه تیغه» و هم سن و سال معترضان اعدام شده

مناطق مختلف جهان و برافراشته کردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در نقاط مختلف جهان است.» این در حالیست که این مأموریت فراتر از ظرفیت‌ها و امکانات جمهوری اسلامی بود و به همین خاطر مقامات از همینکه بدون تلفات به پایان رسیده است ابراز خرسندی می‌کنند. اما همه اینها مفاهیم و تعاریفی است که برای نظام مهم است. آنطرف ماجرا خانواده‌هایی قرار دارند که چشم‌انتظار بازگشت عزیزان خود بودند. یادآوری تجربه تلخ پرسنل کشتی «سانچی» (دی‌ماه ۱۳۹۶) یا انفجار ناو گنارک ارتش (اردیبهشت ۱۳۹۹) برای تشویش و اضطراب همسران، مادران و پدران و فرزندان پرسنل این کشتی‌ها کافی بود. برای همین هم آنها با دسته‌گل و حلقه‌های گل در پایگاه نیروی دریایی کنار اسکله با شوق منتظر در آغوش گرفتن عزیزانشان بودند که پس از ۸ ماه به ایران بازمی‌گشتند. بجز فرماندهان رده بالا، پرسنل میانی نیروهای مسلح و خانواده‌های آنها نیز قربانی سیاست‌های جمهوری اسلامی به شمار می‌روند. نیروی دریایی ارتش در سال‌های اخیر کم تلفات نداده است.

با اینهمه حکومت برای نمایش اقتداری که تشنه‌ی آن است اما در عمل جز بزرگنمایی و لاف و گزاف ندارد، عکاسان و خبرنگاران را بسیج کرد تا مراسم استقبال از «ناوگروه ۸۶» را چنان بازتاب دهد که گویا رویداد شگفت‌انگیزی در عرصه نظامی روی داده است! اما آنچه به تصویر درآمد به نوعی تأیید این واقعیت است که بدنه نیروهای مسلح متفاوت از فرماندهان ارتش فکر می‌کنند. در واقع آنها نیز مشابه اکثریت مردم معترض و ناراضی هستند تا حکومتی‌هایی که می‌خورند و می‌بَرند و راضی‌اند!

در این میان، شمار زیادی از همسران افسرانی که برای استقبال آنها آمده بودند با ظاهر آراسته‌ای بودند که به طرفداران جمهوری اسلامی شباهتی ندارند. پوشش بسیاری از آنها مانند‌های روشن و روسری شل بود. حتا آتیهایی که چادر مشکی بر سر داشتند خیلی پاییند به پوشیده شدن کامل موهای خود نبودند و آرایش مد روز داشتند.

در اسکله پایگاه نظامی دریایی جایی که فرماندهان ارتش نیروهای مسلح حضور دارند و پر از آخوندهای

۸۶ تشویقی گرفت و به درجه دریادار دومی ارتقاء یافت. او گفته بود حرکت این ناوگروه «درماندگی سلطه‌گران را نشان داد!»

فرمانده نیروی دریایی ارتش در پیامی اعلام کرد «قدرت ایران در عمق اقیانوس‌ها تثبیت شد و تحریم و تهدید برای ارتشی‌ها معنا ندارد.»

بازگشت این ناوگروه به ایران با دو رویداد همزمان شد: اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی متهمان پرونده «خانه اصفهان» و اعتراضات گسترده پس از آن و عبور فرماندهان ارتش نیروی دریایی آمریکا، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه از تنگه هرمز.

فرماندهان ارتش نیروهای مسلح در سبقت گرفتن از یکدیگر در تریک و تمجید از پرسنل این دو ناو به رقابت پرداختند. سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که از تئوریسین‌های نظام برای «آزادی قدس» است، در خطابه‌ای گفت: «فرماندهان و رزمندگان دل‌آور نیروی دریایی ارتش بدون خوف دریانوردی می‌کنند.» او اعلام کرد: «مأموریت ارتش در اقیانوس‌ها ادامه خواهد داشت.»

گفته می‌شود ناوگروه دریایی ارتش قرار است برای اولین بار به قطب جنوب برود!

مأموریت پُرخطر

این مأموریت با خطرهای بزرگی روبرو بود. به عنوان مثال شهرام ایرانی فرمانده نداجا توضیح داد طراحان ناو دنا گفتند این ناو برای ۲۸ درجه کجی طراحی شده اما ناو ۱۲۰۰ تُنی با کجی ۴۸ درجه در توفان روبرو شده و مجبور شده از طوفان‌های شدید از جمله در «تنگه ماژلان» [در آمریکای جنوبی] عبور کند.

پرسش قابل تأمل این است که چنین مأموریتی با این سطح از ریسک برای حکومت چه اهمیتی داشت؟ اما پیداست با هر میزان ریسک آنچه مقامات ارتش حکومت از اعزاز دو شناور رزمی- پشتیبانی به آن سوی اقیانوس‌ها به دنبالش بودند «قدرت سازی» بود.

خبرگزاری «ایرنا» در یک مقاله می‌نویسد «یکی از ملزومات راهبردی شدن نیروی دریایی ارتش حضور در

● بازگشت ناوگروه ۸۶ ارتش به ایران با دو رویداد همزمان شد: اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی متهمان پرونده «خانه اصفهان» و اعتراضات گسترده پس از آن و عبور فرماندهان ارتش نیروی دریایی آمریکا، بریتانیا و فرانسه مستقر در خاورمیانه از تنگه هرمز.

● این مأموریت با خطرهای بزرگی روبرو بود. فرمانده نداجا توضیح داد طراحان ناو دنا گفتند این ناو برای ۲۸ درجه کجی طراحی شده اما ناو ۱۲۰۰ تُنی با کجی ۴۸ درجه در توفان روبرو شده و مجبور شده از توفان‌های شدید از جمله در «تنگه ماژلان» عبور کند. واقعیت این است که نیروی دریایی ارتش در سال‌های اخیر کم تلفات نداده است.

● یادآوری تجربه تلخ پرسنل کشتی «سانچی» (دی‌ماه ۱۳۹۶) یا انفجار ناو گنارک ارتش (اردیبهشت ۱۳۹۹) برای تشویش و اضطراب همسران، مادران و پدران و فرزندان پرسنل این کشتی‌ها کافی بود.

● شمار زیادی از پرسنل نیروهای مسلح که برای استخدام از چند لایه گزینش عبور می‌کنند در نهایت از جنس سایر مردم هستند. در میان همسران آنها هم بی‌حجاب هست که به زور از روسری استفاده می‌کنند و هم با حجاب و چادری که همگی کنار هم در یک پایگاه زندگی می‌کنند.

● بعید است ارتشی‌ها شعار مردم در جریان خیزش ملی اخیر را نشنیده باشند. آنها فریاد می‌زدند: «ارتش تو یار ما باش!» ضمن اینکه بسیاری از افسران و درجه‌داران این دو کشتی هم سن و سال معترضان اعدام شده یا جوانانی هستند که در اعتراضات کشته و زخمی شدند. همسران آنها هم سن دختران و پسرانی هستند که بر اثر اصابت ساچمه ببنایی خود را از دست داده‌اند.

حامد محمدی- ناوگروه ۸۶ ارتش جمهوری اسلامی شامل ناوچه «دنا» و ناو پشتیبانی «بندر مکران» پس از ۲۱۳ روز دریانوردی از مأموریت «دور دنیا» شنبه ۳۰ اردیبهشت در بندرعباس پهلو گرفت. علی خامنه‌ای آنها را «دل‌آور» خواند و بازگشت‌شان را به ایران تبریک گفت. یک روز بعد ناخدا یکم فرهاد فتاحی فرمانده ناوگروه

آسوشیتدپرس: جمهوری اسلامی در عمق ۸۰ متری کوه‌های زاگرس تأسیسات اتمی جدید می‌سازد



تصاویر ماهواره‌ای از ساخت تأسیسات اتمی جدید در ایران در کوه‌های زاگرس حوالی نطنز

تخمین زده می‌شود این تأسیسات کنار سایت نطنز در حدود ۲۲۵ کیلومتری جنوب تهران در حال ساخت است. این عملیات در حالی انجام می‌شود که فعالیت سایت نطنز در فلات مرکزی ایران که از محافظت شدید سپاه پاسداران برخوردار است، از دو دهه پیش محل نگرانی بین‌المللی بوده است.

عکس‌های ماهواره‌ای که آزمایشگاه پلنت پی‌بی‌سی در آوریل (فروردین تا اردیبهشت ۱۴۰۲) گرفته و کارشناسان به تحلیل آن پرداختند نشان می‌دهد که ایران در «کوه کلنگ» در جنوب تأسیسات نطنز در حال ساخت و ساز است.

کارشناسان مرکز «جیمز مارتین» برای مطالعات منع گسترش سلاح هسته‌ای با استناد به تصاویر ماهواره‌ای می‌گویند این تأسیسات چهار ورودی از سمت دامنه کوه دارد: دو ورودی به سمت شرق و دو ورودی دیگر در غرب، که هر یک شش متر عرض و هشت متر ارتفاع دارند.

به گفته کارشناسان این مرکز، ایران احتمالاً تأسیساتی را در عمق ۸۰ تا ۱۰۰ متری زمین می‌سازد.

کارشناسان بیان می‌کنند این ساخت‌وسازها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی احتمالاً قادر است میزان غنی‌سازی اورانیوم را افزایش دهد.

استیون دی لا فونته از کارشناسان بررسی‌کننده تونل‌های جدید ایران می‌گوید: «هدف قرار دادن چنین تأسیساتی با استفاده از سلاح‌های معمولی، بسیار سخت‌تر خواهد بود.» به گفته ارتش آمریکا، وجود تأسیسات زیرزمینی باعث شد که ایالات متحده بمب «جی‌بی‌یو ۵۷» را بسازد که می‌تواند دست‌کم به عمق ۶۰ متری زمین نفوذ کند. با این حال مشخص نیست که چنین بمب‌هایی بتوانند به تأسیسات عمیقی که ایران احداث کرده است آسیب برسانند.

داونپورت کارشناس هسته‌ای معتقد است که هدایت برنامه اتمی ایران به اعماق زمین، خطر دستیابی این کشور را به سلاح هسته‌ای افزایش خواهد داد. به گفته وی «خرابکاری‌ها در سایت‌های هسته‌ای ایران، ممکن است برنامه هسته‌ای این کشور را در کوتاه‌مدت به تاخیر اندازد، اما این راهکار دائمی و بلندمدت برای محافظت در برابر جمهوری اسلامی مجهز به سلاح هسته‌ای نیست.»

● به گفته کارشناسان این مرکز، ایران احتمالاً تأسیساتی را در عمق ۸۰ تا ۱۰۰ متری زمین می‌سازد.

● کارشناسان بیان می‌کنند این ساخت‌وسازها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی احتمالاً قادر است میزان غنی‌سازی اورانیوم را افزایش دهد.

● استیون دی لا فونته از کارشناسان بررسی‌کننده تونل‌های جدید ایران می‌گوید: «هدف قرار دادن چنین تأسیساتی با استفاده از سلاح‌های معمولی، بسیار سخت‌تر خواهد بود.»

خرگزاری آسوشیتدپرس روز دوشنبه اول خرداد به نقل از متخصصان و کارشناسانی که تصاویر ماهواره‌ای را تجزیه و تحلیل کرده‌اند گزارش داد جمهوری اسلامی در کوه‌های زاگرس در مرکز ایران در حال ساخت یک تأسیسات هسته‌ای در عمق زمین است که احتمالاً برای در امان ماندن از تسلیحات آمریکایی طراحی شده که برای تخریب چنین مکان‌هایی است. تجزیه و تحلیل عکس‌ها و ویدئوهای آزمایشگاه «پلنت پی‌بی‌سی» (Planet PBC) نشان می‌دهد که رژیم ایران در حال حفر تونل در کوه‌های نزدیک سایت هسته‌ای نطنز است که سه سال قبل تأسیسات آن با خرابکاری مورد حمله قرار گرفت. آسوشیتدپرس می‌نویسد با توجه به اینکه ایران اکنون پس از فروپاشی توافق هسته‌ای اورانیوم با غلظت نزدیک به سطوح تسلیحاتی تولید می‌کند، این تأسیسات تلاش‌های غرب برای جلوگیری از توسعه احتمالی بمب اتمی تهران را پیچیده می‌کند، زیرا مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران همچنان متوقف است. کلسی داونپورت مدیر سیاست منع گسترش تسلیحات اتمی در انجمن کنترل تسلیحات مستقر در واشنگتن، هشدار داد که تکمیل چنین تأسیساتی «سناریویی مثل کابوس خواهد بود که خطر را تصاعدی افزایش می‌دهد... با توجه به اینکه ایران به ساخت سلاح نزدیک است، هرگونه اقدام جمهوری اسلامی در جهت تشدید عملیات، خطر درگیری با آمریکا و اسرائیل را افزایش می‌دهد.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به پرسش‌های مربوط به تأسیسات جدید زیرزمینی ایران در اطراف نطنز پاسخ نداد. تهران نیز هیچ توضیح بیشتری درباره این تأسیسات نداده است.

عقیدتی- سیاسی است این زوجها یکدیگر را در آغوش گرفته و می‌بوسیدند. بعضی از افسران جوان‌تر صورتشان را «سه‌تیغه» تراشیده بودند. کاری که در پادگان‌های جمهوری اسلامی مورد شماتت قرار می‌گیرد. گذشته از واقعیات اقتصادی و اجتماعی که مانند همه مردم در زندگی پرسنل نیروهای مسلح از دیده پنهان نیست، این مراسم نیز یکسری شواهد عینی به دست می‌دهد که از جمله می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

(۱) شمار زیادی از پرسنل نیروهای مسلح که برای استخدام از چند لایه گزینش عبور می‌کنند در نهایت از جنس سایر مردم هستند. در میان همسران آنها هم بی‌حجاب هست که به زور از روسری استفاده می‌کنند و هم با حجاب و چادری که همگی کنار هم در یک پایگاه زندگی می‌کنند.

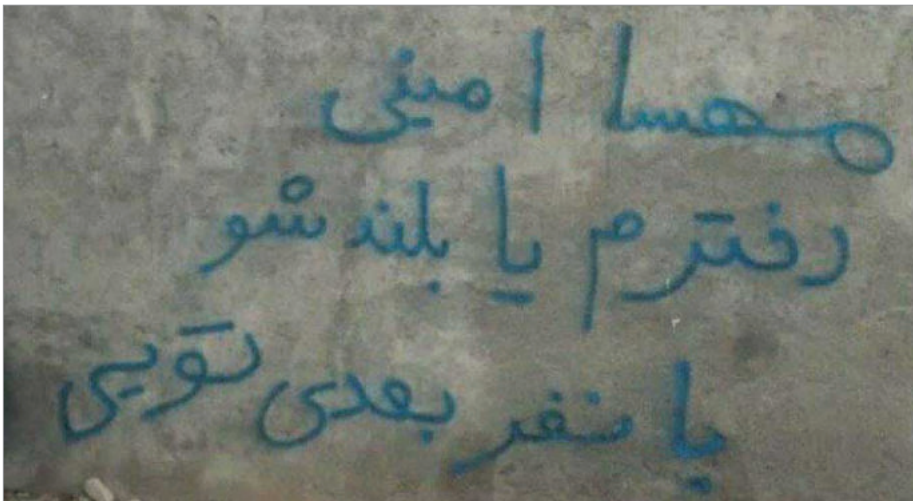
(۲) در میان نیروهای مسلح افسران و درجه‌دارانی خدمت می‌کنند که به تعاریف و هنجارهای حکومتی در سبک زندگی خود التزامی ندارند و با وجود همه محدودیت‌ها، به روشنی دیده می‌شود که با آنچه حکومت از آنها انتظار دارد بسیار فاصله دارند.

(۳) از سوی دیگر، بعید است ارتش‌ها شعار مردم در جریان خیزش ملی اخیر را نشنیده باشند. آنها فریاد می‌زدند: «ارتش تو یار ما باش!» ضمن اینکه بسیاری از افسران و درجه‌داران این دو کشتی هم‌سن و سال معترضان اعدام‌شده یا جوانانی هستند که در اعتراضات کشته و زخمی شدند. همسران آنها هم‌سن دختران و پسرانی هستند که بر اثر اصابت ساچمه بینایی خود را از دست داده‌اند. از تصاویر آنها پیداست فرزندان بعضی از آنها هم‌سن کیان پیرفلک و سارینا اسماعیل‌زاده هستند. از این تصاویر همچنین پیداست که پوشش همسران و دختران این پرسنل نیروهای مسلح به همان اندازه‌ای است که «مهسا امینی» مجبور به رعایت آن شده بود. به نظر می‌رسد با وجود همه محدودیت‌هایی که در نیروهای مسلح وجود دارد پرسنل در رده‌های مختلف می‌دانند چه اقداماتی برای هم‌صدایی با مردم هراندازه نامحسوس قابل انجام است.

(۴) اینهمه در حالیست که پیامدها و شرّ برخوردارهای خشونت‌بار حکومت در جریان سرکوب‌ها و همچنین بدبینی‌ها نسبت به نیروهای امنیتی در جامعه دامنگیر دستگاه امنیتی و انتظامی شده است. تلفات میان پرسنل واحدهایی از نیروهای مسلح به ویژه نیروی انتظامی و مرزبانی به شدت بالا رفته است. پرسنل نظامی آگاهند که تنها بخشی از این تلفات مربوط به تلفات تعریف شده در مأموریت‌هایی مثل مبارزه با قاچاق مواد مخدر است و انگیزه انتقامجویی از سوی جامعه به ویژه در مناطق ملتهب کشور رو به افزایش است. بنابراین تا شکاف میان جامعه و پرسنل سایر واحدهای نیروهای مسلح بیشتر نشده و مکافات جنایات حکومت و مقاماتش گریبان آنها را ننگرفته است، می‌بایست دست به کار شوند. به ویژه آنکه جمهوری اسلامی بنا به تجربه ظرفیت و انگیزه تحمیل یک درگیری نظامی به کشور و مردم را با هدف عبور خودش و خانواده‌های مافیایی‌اش از بحران‌های داخلی را دارد بدون آنکه سود بقای جمهوری اسلامی به بدنه نیروهای مسلح برسد.

بعید به نظر می‌رسد که ارتش‌ها از رویدادها کشور و خبرهای ناگوار اعدام بی‌اطلاع باشند و ندانند معترضان جانباخته و اعدام‌شده نیز عزیزی داشته‌اند که چشم به راه آنها بودند و ادامه چنین وضعیتی می‌تواند فاصله‌ی آنها را با مردمی که ظاهراً رنج این مأموریت‌ها را برای خدمت به آنها بر خود هموار می‌کنند چنان زیاد شود که نتوان جبران کرد.

درد دگر دیسی؛ مقاله دوم: آنها که رسیدند



زمانی به بعد دارای چهره‌ها و شمایل‌هایی (Icon) زنانه شده‌اند و در این سالیان اخیر، هر دوره از اعتراضات با چهره یکی از زنان میهن ما پیوند خورده است. از ندا آقاسلطان، ویدا موحد و سحر خدایاری شمایل‌هایی در آگاهی جمعی مردم ایران باقی مانده که در عین زیبایی و معصومیت یادآور مبارزه و جدال با حکومت تبهکار جمهوری اسلامی هستند. اینک جملات پایانی آن مقاله: «شمایل سحر در وجدان جمعی ما مردم در حال تکامل است و زاینده‌ی دیگرانی خواهد شد که به زودی خواهند «رسید»». آنان که خواهند رسید، اینبار بجای خود، آتش بر پیکر تبهکاران خواهند زد.»

مهسا، شمایی که تکثیر می‌شود!

خیزش ۱۴۰۱ اما شمایی جدید به مبارزات مردم علیه استبداد و تبهکاری دینی هدیه کرد. مهسا امینی که در بازداشت دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی به قتل رسید، در کوتاه زمانی تبدیل به شمایل اعتراضاتی سراسری و همه‌جانبه علیه وضع موجود شد. مظلومیت، غربت، بی‌گناهی و زیبایی مهسا تمامی شرایط را برای نشانیدن او در این جایگاه فراهم کرد. چنانکه یکی از اقوام او روی مزار مهسا نوشت، او نمر؛ نامش نماد شد.

شمایل مهسا اما بی‌درنگ زاینده شد و از پس او، چهره‌های زیبایی از سراسر ایرانزمین برآمدند تا خیزش ۱۴۰۱ از خوششان گلگون شود. تفاوت مهسا با دیگر شمایل‌هایی که طی این سالها در مقابل تبهکاران جمهوری اسلامی ظهور کردند در همین شتاب و سرعت زاینده‌ی و تکثیر شدن اوست. هم از این روست که این خیزش هرچند با نام مهسا گره خورده اما صدها چهره و نام دیگر نیز تصویری از خودشان را بر آن ترسیم کرده‌اند. جوانانی که بار اصلی خیزش ۱۴۰۱ را به دوش کشیدند، رسیده‌ترین میوه‌های درخت تناور آزادیخواهی تاریخ ایرانزمین هستند. دانایی، زیبایی، شجاعت، پایمردی، کوشش، فداکاری، هوشمندی و امیدواری این نسل از ایرانیان نویددهنده بلوغی است که «من می‌خواهم» را جایگزین «تو باید» خواهد کرد و دگر دیسی جامعه ایران را به فرجام خواهد رساند.

*بنگرید به بخش یکم «چنین گفت زرتشت» زیر عنوان «در باره‌ی سه دگر دیسی» ترجمه داریوش آشوری، موسسه انتشارات آگاه صفحات ۳۷ تا ۳۹
**فعل «رسیدن» در زبان فارسی هم به معنای «آمدن» و «وارد شدن» است و هم به «پخته شدن» و «کامل و بالغ شدن» معنی می‌شود. مقصود نگارنده، همه‌ی این معانی است.

در نهایت، زیست اجتماعی جامعه ایران را از هرگونه تظاهر مذهبی خواهد زدود.

ایرانیانی که سالها برای کسب آزادی، خودآگاهی و خودمختاری از مسیری طولانی، پرنج و خونبار گذر کرده‌اند، به برکت جان‌های آزاده و دیدگان جهان‌بینی که در این راه از دست شدند، اینبار حصار ترس گرداگرد جامعه را ویران کردند. حضور مستمر و شجاعانه آزاد زنان ایرانی در جای‌جای فضای عمومی در نقاط مختلف کشور، بدون حجاب و پوشش اجباری، خود نشانه‌ای از پایان حکومت ترس بر ذهن و رفتار جامعه ایران است.

پایان ترس، آغاز امید و تحول ناگزیر

درواقع بزرگترین دستاورد خیزش ۱۴۰۱ همین شکست سلطه ترس عموم مردم از دستگاه سرکوب حکومت تبهکار جمهوری اسلامی بود. پایان ترس آغاز امید به تغییرات بنیادین است و امید قوی‌ترین سلاح برای استمرار طغیان علیه وضع موجود. از استمرار رفتارهای هنجارشکنانه معترضین تا همدلی بخش خاکستری و به ظاهر آرام جامعه نسبت به آن هنجارشکنی‌ها، همه حکایت از آن دارد که بیشینه باشندگان ایران در زندگی روزمره‌شان به این باور رسیده‌اند که باید تمامی ارزش‌های حاکم را نادیده بگیرند و اقتدار آنها را به چالش بکشند.

فارغ از میزان شدت و وضعی که هر از گاهی عارض اعتراضات می‌شود، استمرار حضور زنان بی‌حجاب در فضای عمومی نه تنها موجب گسترش امید به تغییر در دل معترضان می‌شود بلکه با استمرار و گسترش این حضور، باور به امکان تحول چنان فراگیر خواهد شد که در نتیجه آن، وقوع تحول بنیادین در نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه ناگزیر می‌شود.

نسلی که رسیده است

بار اصلی این تحول البته بر دوش نسلی است که اگرچه تازه به عرصه رسیده اما در همین کوتاه مدتی که مجال عرض اندام پیدا کرده، چهره جامعه ایران را دگرگون کرده است. این نسل البته وارث مبارزانی از نسل‌های پیشین است که در چند دهه اخیر به شیوه‌های مختلف علیه حکومت تبهکار جمهوری اسلامی طغیان کردند.

چند سال پیش، صاحب این صفحه کلید در مقاله‌ای (تأملات بهنگام؛ ویدا، سحر و آن دیگران که خواهند رسید) به این نکته پرداخت که مبارزات زنان ایرانی برای احقاق حقوق و کسب آزادی‌شان به مرور به تکاملی رسیده که نتیجه ناگزیرش فروپاشی نظام جمهوری اسلامی است. سخن آن مقاله بر این بود که مبارزات و اعتراضات مردم ایران از

ایرانیانی که سالها برای کسب آزادی، خودآگاهی و خودمختاری از مسیری طولانی، پرنج و خونبار گذر کرده‌اند، به برکت جان‌های آزاده و دیدگان جهان‌بینی که در این راه از دست شدند، اینبار حصار ترس گرداگرد جامعه را ویران کردند. حضور مستمر و شجاعانه آزاد زنان ایرانی در جای‌جای فضای عمومی در نقاط مختلف کشور، بدون حجاب و پوشش اجباری، خود نشانه‌ای از پایان حکومت ترس بر ذهن و رفتار جامعه ایران است.

بار اصلی این تحول البته بر دوش نسلی است که اگرچه تازه به عرصه رسیده اما در همین کوتاه مدتی که مجال عرض اندام پیدا کرده، چهره جامعه ایران را دگرگون کرده است. این نسل البته وارث مبارزانی از نسل‌های پیشین است که در چند دهه اخیر به شیوه‌های مختلف علیه حکومت تبهکار جمهوری اسلامی طغیان کردند.

یوسف مصدقی- به برکت خیزش ۱۴۰۱، جامعه صبور ایران به فرجام یک دگر دیسی بزرگ نزدیک شده است. این خیزش، جان بردبار نسل‌های پیشین را به روح عصیانگر نسل حاضر پیوند زده و راه تحولی را که بسیاری از ایرانیان سالهاست در سطوح مختلف در طلب آن کوشیده‌اند و بابت آن هزینه داده‌اند، هموار کرده است. از این چشم‌انداز، خیزش انسانی سال ۱۴۰۱ نه یک انقلاب سیاسی با هویت مستقل بلکه مرحله‌ای حیاتی از یک دگر دیسی عظیم اجتماعی در تاریخ ایران است. به زبان تمثیلی، پس از قرن‌ها کشیدن بار فرامین ایزدی، به قول زرتشت نیچه، در این دگر دیسی، شتر، شیر شده تا اژدهای ارزش‌های هزار ساله را بگشاید. به بیان دیگر، در این دگر دیسی، «من می‌خواهم» جایگزین «تو باید» خواهد شد.*

ویرانی حصار ترس

کاملاً محتمل است که بخشی بزرگ از جامعه ایران، از پس این دگر دیسی، آزادی را در همه ابعادش چنان تهرین کند که دلبستگان سنت و شریعت حتی از تصور آن دچار کابوس شوند. به احتمال زیاد، در تحول حاصل از این دگر دیسی، نظام ارزش‌های کهن و نهادهای قدیمی وابسته به این ارزش‌ها را نابود خواهند شد. در نتیجه این تحول، شریعتمداران و اهل دیانت- که با سرعتی فزاینده، سرمایه اجتماعی و تاریخی‌شان را در بازار مکاره حکومت مشروعه از دست داده‌اند- در جامعه ایران به حاشیه خواهند رفت و در جزایری پراکنده، منزوی خواهند شد. نسلی که فعالانه خیزش ۱۴۰۱ را نمایندگی کرد، به مرور تمامی هنجارهای شرعی تحمیل‌شده بر فضای عمومی را خواهد شکست و

«فوتبال علیه دشمن»؛ تشویق علی و وریا غفوری، حسن ختام لیگ فوتبال ایران



هواداران پرسپولیس در استادیوم «وطنی» شهر «قائم‌شهر» (شاهی) / ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

دارند فوتبال می‌تواند مسائل پنهانی را آشکار کند.» اصولاً رژیم‌های دیکتاتوری از فوتبال برای لاپوشانی ناتوانی‌های خود در مدیریت کشور بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین سکوهای استادیوم بهترین جا برای به چالش کشیدن بازیکنان حکومتی است. چنانکه در جریان مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران مهدی ترابی ستاره تیم فوتبال پرسپولیس که نقش زیادی در قهرمانی این تیم داشت حتی از سوی هواداران تیم با تندترین شعارها روبرو شد.

مسئله اما از اینهم پیچیده‌تر است. یحیی گل‌محمدی سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس که دست‌کم هواداران و حتی بازیکنان رقیب آن را «تیم حکومتی» می‌خواندند به دلیل حمایت‌هایش از مردم در جریان خیزش ملی اخیر در ایران از یکسو بر محبوبیت خود در جامعه افزود و از سوی دیگر زیر شدیدترین فشارها از سوی نهادهای امنیتی و رسانه‌های حکومت قرار گرفت.

این وضعیت برای چند هفته در نتایج تیم فوتبال پرسپولیس تأثیر داشت. کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی پرمخاطب در حالی با اسم رمز «تیم حکومتی» روی بازیکنان و مربیان تیم‌های مختلف به ویژه پرسپولیس فشار گذاشته بودند که اتفاقاً در اغلب مسابقات حتی بازی‌های خارج از خانه طرفداران این تیم‌ها مدام شعار «رضاشاه، روح شاد» سر می‌دادند. وضعیت پرسپولیس به عنوان پرتعدادترین تیم ایران سخت‌تر شد.

برخی کانال‌های پرمخاطب منصوب به تیم‌های پرتعداد لیگ که بطور مشخص پیدایند مستقل نیستند از هر روشی برای دامن زدن به اختلافات سطحی میان هواداران استفاده کردند. اما با وجود همه اقداماتی که حکومت برای کنترل جو استادیوم‌ها به کار گرفت شعارهای یکدست ملی و حمایت از بازیکنان و مربیان مردمی به کارزاری مداوم علیه نظام استبدادی تبدیل شد. استادیوم جایی نیست که حکومت‌ها بتوانند در بلندمدت آنجا را کنترل کنند. کاری که نه قضایی توانست و نه صدام!

هزاران نفر از مردم که بعد از قهرمانی تیم پرسپولیس در شهرهای مختلف به خیابان‌ها آمدند فارغ از اینکه طرفدار کدام تیم هستند حتی در مقابل مأموران امنیتی در حمایت از دو فوتبالیستی که برای حکومت خط قرمز محسوب می‌شوند شعار دادند.

استادیوم‌ها در ایران سال‌هاست از کانون‌های اصلی اعتراضات علیه حکومت به شمار می‌رود اما در جریان خیزش ملی پس از قتل مهسا امینی شکل عمومی‌تر به خود گرفت و از دایره استادیوم‌ها فراتر رفت.

از آبان ۱۳۹۸ حکومت تلاش زیادی کرد تا به هر بهانه‌ای رقابت‌های لیگ فوتبال را بدون تماشاگر برگزار کند. تحمل شعارهای ضد حکومتی که ترجیح‌بند آن «رضا شاه، روح شاد» است حیثیت نظام را هر بار بر باد می‌دهد. به ویژه در مسابقاتی که پخش زنده دارند. به این ترتیب موضوع به یک تهدید امنیتی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده زیرا چهار دهه با هر ترفندی که بود از کرکری‌خوانی‌های تیم‌های رقیب پرتعداد برای شکاف انداختن میان مردم به ویژه قشر جوان متوسط رو به پایین که اکثریت علاقمندان به فوتبال و استادیوم‌ها را تشکیل می‌دهند بهره‌برداری می‌کرد.

بطور کلی فوتبال برای دیکتاتورها یک اهرم برای تأثیرگذاری روی جامعه و افکار عمومی است. از آدولف هیتلر و بنیتو موسولینی گرفته تا صدام حسین و قذافی از فوتبال برای مقاصد سیاسی و ضد مردمی خود سوء استفاده می‌کردند.

سایمون کوپر نویسنده و پژوهشگر انگلیسی در کتاب «فوتبال علیه دشمن» می‌نویسد دیکتاتورها از فوتبال برای کسب اعتبار استفاده می‌کنند. او بر اساس تحقیقات جامعی که در رابطه با فوتبال و کنش‌های اجتماعی علاقمندان آن در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه انجام داده توضیح می‌دهد «در جوامعی مثل لیبی و عراق که مطبوعات آزاد و اعتراض قانونی وجود ندارد و کمتر خبرنگار خارجی حضور

● در آخرین هفته لیگ برتر فوتبال ایران که پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه برگزار شد تماشاگران مثل هفته‌های قبل در استادیوم‌ها به تشویق وریا غفوری (کاپیتان سابق تاج) و علی کریمی (کاپیتان سابق پرسپولیس) پرداختند. دو چهره محبوب فوتبال که در جریان خیزش ملی از مردم حمایت می‌کنند.

● فوتبال برای دیکتاتورها یک اهرم برای تأثیرگذاری روی جامعه و افکار عمومی است. از آدولف هیتلر و بنیتو موسولینی گرفته تا صدام حسین و قذافی از فوتبال برای مقاصد سیاسی و ضد مردمی خود سوء استفاده می‌کردند.

● سایمون کوپر نویسنده و پژوهشگر انگلیسی در کتاب «فوتبال علیه دشمن» می‌نویسد دیکتاتورها از فوتبال برای کسب اعتبار استفاده می‌کنند. او بر اساس تحقیقات جامعی که در رابطه با فوتبال و کنش‌های اجتماعی علاقمندان به آن در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه انجام داده توضیح می‌دهد «در جوامعی مثل لیبی و عراق که مطبوعات آزاد و اعتراض قانونی وجود ندارد و کمتر خبرنگار خارجی حضور دارند فوتبال می‌تواند مسائل پنهانی را آشکار کند.»

● مسئله اما از اینهم پیچیده‌تر است. یحیی گل‌محمدی سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس که دست‌کم هواداران و حتی بازیکنان رقیب آن را «تیم حکومتی» می‌خواندند به دلیل حمایت‌هایش از مردم در جریان خیزش ملی اخیر در ایران از یکسو بر محبوبیت خود در جامعه افزود و از سوی دیگر زیر شدیدترین فشارها از سوی نهادهای امنیتی و رسانه‌های حکومت قرار گرفت.

در آخرین هفته لیگ برتر فوتبال ایران که پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه برگزار شد تماشاگران مثل هفته‌های قبل در استادیوم‌ها به تشویق وریا غفوری (کاپیتان سابق تاج) و علی کریمی (کاپیتان سابق پرسپولیس) پرداختند. دو چهره محبوب فوتبال که در جریان خیزش ملی از مردم حمایت می‌کنند.

خروش دوباره ملت ایران؛ تظاهرات در چند شهر در پی اعدام شهروندان معترض «خانه اصفهان»



روح شاد»، «وای به روزی که مسلح شویم»، «اصفهان اصفهان تسلیت تسلیت»، «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه‌ای»، «از اصفهان تا تهران جانم فدای ایران»، «مرگ بر سپاهی بی‌شرف»، «مرگ بر بسیجی بچه‌کش»، «فقر، فساد پرونی، میریم تا سرنگونی» و «مرگ بر حکومت اعدامی» از جمله شعارهای مردم معترض در شهرهای مختلف ایران بود.

موج واکنش‌های اعتراضی به اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی از سوی نهادهای صنفی و حقوق‌بشری، سیاستمداران و مقامات کشورهای مختلف نیز همچنان ادامه دارد.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی ویدیویی در واکنش به اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی با اشاره به «سه جوان دیگر مملکت‌مان که به دست ضحاکان زمانه اعدام شدند» گفت: «خشمگینیم و اندوهگین، اما مصمم‌تر و متحدتر از همیشه، مبارزه را تا روز پیروزی ادامه می‌دهیم. آن روز در فدای این نظام خواهد آمد که به آزادی و آسایش و امنیت و به پایان اعدام خواهیم رسید».

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به تلاش مردمی که در روزهای اخیر برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی در مقابل زندان دستگرد اصفهان تجمع کرده بودند، افزود که «علی‌رغم تمام فریادها» جمهوری اسلامی «همچنان بی‌رحمانه مشغول کشتار هم‌میهن‌مان است». او در عین حال، بر ضرورت تداوم «همبستگی و یک‌صدایی» مخالفان جمهوری اسلامی برای ادامه مبارزه با این حکومت تأکید کرد و گفت: «نباید باور و امیدمان را به آینده‌ای بهتر از دست بدهیم».

شاهزاده رضا پهلوی در پایان این پیام ویدیویی تأکید کرد که به باور او پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، مردم ایران شاهد دستیابی «به آزادی واقعی، به آسایش، امنیت و

چون «مرگ بر دیکتاتور» و «مجتبی‌میری، رهبری رو نیینی»، «شاهنشاه روح شاد» و «رضاشاه روح شاد» سردادند. معترضان در تهرانپارس و هفت‌حوض نارمک نیز ضمن تظاهرات شعار «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم» را علیه جمهوری اسلامی سر دادند.

همچنین در شهر اصفهان فضا به شدت امنیتی گزارش شده است. از پیش از ظهر دیروز و پس از اعلام خبر اعدام سه شهروند معترض، نیروهای یگان ویژه در اکثر نقاط شهر و بر سر چهارراه‌ها و میدان‌ها مستقر شدند و موتورسواران لباس شخصی و یگان ضد شورش در خیابان‌های اصلی شهر در حال تردد بودند تا از شکل‌گیری هرگونه اعتراضی جلوگیری کنند. با اینهمه مردم معترض در چند منطقه این شهر تجمع و تظاهرات کردند. از جمله شماری از شهروندان معترض در خیابان خاقانی تظاهرات کرده و شعار «مرگ بر خامنه‌ای»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، و «خامنه‌ای بی‌ریشه، خیزش ادامه داره» سر دادند.

در کرج نیز شهروندان خشمگین و معترض در محله گوهردشت تجمع و تظاهرات بزرگی را شکل دادند و شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور»، «فقر، فساد پرونی، میریم تا سرنگونی»، «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» و «رضاشاه روح شاد» سر دادند.

در مشهد نیز شهروندان در چند محله مختلف از جمله وکیل آباد تجمع و تظاهرات برپا کردند و شعارهایی چون «تا دیکتاتور رو کاره، قیام ادامه داره» و «سکوت شما مقابل اعدام، یعنی حمایت از ظلم و ظالم» سر دادند. در استان هرمزگان نیز مردم در چند شهر از جمله بندرعباس تجمع کردند و علیه جمهوری اسلامی و در اعتراض به اعدام سه جوان معترض شعار سر دادند.

«خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک»، «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه»، «شاهنشاه روح شاد»، «رضاشاه

● «خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک»، «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه»، «شاهنشاه روح شاد»، «رضاشاه روح شاد»، «وای به روزی که مسلح شویم»، «از اصفهان تا تهران جانم فدای ایران» از جمله شعارهای مردم معترض بود. شاهزاده رضا پهلوی: «خشمگینیم و اندوهگین، اما مصمم‌تر و متحدتر از همیشه، مبارزه را تا روز پیروزی ادامه می‌دهیم. آن روز در فدای این نظام خواهد آمد که به آزادی و آسایش و امنیت و به پایان اعدام خواهیم رسید».

● هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل متحد: شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد روند دادگاه و محکومیت آنها به مجازات اعدام براساس «اعتراف‌هایی صورت گرفته که زیر شکنجه دریافت شده است».

● وزارت خارجه ایالات متحده: ما اعدام مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی توسط رژیم ایران را به شدیدترین نحو محکوم می‌کنیم و در اندوه مرگ این سه مرد جوان با مردم ایران و خانواده‌های آن‌ها شریک هستیم. در پی اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه شهروند معترض «خانه اصفهان» شامگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت مردم در چند شهر ایران به خیابان آمدند و تظاهرات کردند.

بر اساس ویدئوها و تصاویر منتشر شده شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، کرج، مهاباد، کرمانشاه، ملایر، بندرعباس و شمار دیگری از شهرهای ایران عصر و شامگاه جمعه، ۲۹ اردیبهشت، بار دیگر صحنه تظاهرات و تجمع مردم معترض ایران بود. در پایتخت مردم در چند منطقه مختلف از جمله تهران پارس، ستارخان، صادقیه، اکباتان، نارمک، شهرک آپادانا، منطقه پونک و بلوار فردوس به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

در خیابان ستارخان جمعی از معترضان شعار «وای به روزی که مسلح شویم» سر دادند. معترضان در تهران همچنین شعارهایی

➔ به پایان اعدام» خواهند بود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در واکنش به اعدام سه معترض در اصفهان در بیانیه‌ای نوشت که «ما را از مرگ و اعدام ترسانید، ما برای پس گرفتن جانها و جوانانمان، هیچگاه چنین استوار و پابرجای نبوده‌ایم. پیام را ارغوان‌های وطن، قاطع‌تر و رساتر به ما رسانده‌اند: نذارید ما را بکشند.»

در این بیانیه آمده که «کاسپان دین و قدرت، به گمان خود، پیامشان را با قاطع‌ترین شکل ممکن؛ به مردم رساندند: «خفه می‌کنیم!» غافل از آنکه ما نه تنها با ماشین اعدام‌محکومت خفه نمی‌شویم، بلکه خروش و طغیانی دیگر را رقم خواهیم زد.»

«تشکل دانشجویان متحد» هم در بیانیه‌ای موج اعدام‌های اخیر را «حربه حکومت برای تزریق ترس و در هم شکستن عاملیت مردمی» خواند و نوشت: «حکومت که با بحران فزاینده مشروعیت روبه‌رو است و در برابر عاملیت سیاسی مردم بیش از پیش احساس هراس میکند، چاره را در ایجاد رعب دیده است.»

تشکل دانشجویان متحد افزوده که «راه مواجهه با آن، نه ترسیدن و به پستو خزیدن که مقاومت در برابر نظام سرکوب و به عقب راندن آن و تلاش برای گسترش جنبش ضداعدام است؛ با مقاومت متحد در خیابان، مدرسه، دانشگاه و کارخانه است که می‌توان ماشین قتل حکومتی را از کار انداخت.»

وزارت خارجه ایالات متحده نیز شامگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت در واکنش به اعدام سه شهروند معترض در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما اعدام مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی توسط رژیم ایران را به شدیدترین نحو محکوم می‌کنیم و در اندوه مرگ این سه مرد جوان با مردم ایران و خانواده‌های آنها شریک هستیم.» این سخنگو افزود: «همان‌طور که گفته‌ایم، این روند نشان می‌دهد که رژیم [ایران] هیچ چیز از اعتراضاتی که در شهریورماه پارسال آغاز شد نیاموخته است. جای شگفتی نیست که بسیاری از جوانان در ایران خواهان تغییر یا ترک کشور به صورت دسته‌دسته هستند.»

حساب سفارت سوئیس در توئیتر اجرای احکام اعدام مرتبط با اعتراضات در ایران را شدیداً محکوم کرد و نوشت: «وزارت خارجه سوئیس اعدام صبح امروز سه مرد در ایران را،



جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

شاهزاده رضا پهلوی: مبارزه را ادامه می‌دهیم، نباید امید را از دست بدهیم

0:33

در رابطه با اعتراضات متعاقب مرگ مهسا امینی در سپتامبر ۲۰۲۲، شدیداً محکوم می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»

دفعه‌های دیگر بزرگوار می‌نماید. مؤکداً از ایران می‌خواهد تا این اعدام‌ها را متوقف کرده و در راستای کاهش استفاده از حکم اعدام قدم بردارد.»



شورای آتلانتیک: با شکست احتمالی روسیه در جنگ اوکراین آینده رژیم‌های ایران و بلاروس مبهم خواهد بود



تصویر یک نظامی اوکراینی در جبهه جنگ / رویترز

وابستگی بلاروس به روس

در مرز غربی روسیه، بلاروس اجباراً شریک حمله به اوکراین شد. آلکساندر لوکاشنکو دیکتاتور بلاروس به عنوان تنها حامی تمام‌عیار جنگ روسیه عمل می‌کند و اجازه داده کشورش به عنوان پایگاهی برای تداوم حمله به اوکراین استفاده شود. نیروهای روس در اولین روزهای جنگ در فوریه ۲۰۲۲ از بلاروس به شمال اوکراین یورش بردند. روسیه به حملات هوایی به اهداف اوکراینی از خاک بلاروس ادامه می‌دهد.

لوکاشنکو چاره‌ای جز حمایت از پوتین ندارد. او تنها به دلیل آنکه در قدرت ماندن به این کار داده است. در سال ۲۰۲۰ پس از اعتراضات گسترده در بلاروس به دلیل تقلب در انتخابات ریاست جمهوری اگر حمایت‌های روسیه از سرکوب وحشیانه مردم توسط حکومت لوکاشنکو نمی‌بود وی احتمالاً در قدرت نمی‌ماند. با اینهمه حمایت کرمیلین از لوکاشنکو او را در سطح بین‌المللی منزوی کرد چنانکه برای بقای سیاسی خود به شدت به مسکو وابسته شد. شکست روسیه در اوکراین احتمالاً ناآرامی‌های داخلی در بلاروس را دوباره شعله‌ور می‌کند و تقریباً بطور قطع برای رژیم لوکاشنکو مصیبت‌بار خواهد بود.

ارمنستان بلا تکلیف و نگران

در شرایطی که شکست پوتین در حمله به اوکراین می‌تواند به تغییر رژیم در بلاروس منجر شود، برخی در ارمنستان چشم‌انداز شکست روسیه در اوکراین را کاملاً عمیق می‌بینند. نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان به تازگی به ارمنه هشدار داده است: «اگر روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد، من نمی‌دانم چه اتفاقی برای ارمنستان خواهد افتاد.»

بسیاری از ارمنه همچنان روی دیدگاه سنتی که روسیه حافظ ارمنستان در برابر تهدیدات ناشی از جمهوری آذربایجان و ترکیه است حساب می‌کنند. این دیدگاه یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ارمنستان پس از فروپاشی شوروی بوده است. این کشور یکی از اعضای بنیانگذار سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به رهبری روسیه است و یک دهه پیش به دنبال فشار کرمیلین از توافقنامه ارتباط با اتحادیه اروپا خارج شد و در عوض به پروژه پوتین در «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» پیوست.

همچنین روسیه پایگاه‌های نظامی در ارمنستان دارد و روی هر اقدامی برای کنترل درگیری‌های جاری بین

است، در حالی که بسیاری در جهان جنوب ترجیح داده‌اند موضع خنثی داشته باشند.

تنها تعداد انگشت‌شماری از کشورها آماده ایستادن در کنار روسیه و دفاع از اقدامات مسکو بوده‌اند. در شرایطی که ولادیمیر پوتین با انزوای بین‌المللی مواجه است، بطور خاص چهار کشور به عنوان متحدان کلیدی وی ظاهر شده‌اند: جمهوری خلق چین، جمهوری اسلامی ایران، بلاروس و ارمنستان. این چهار کشور که همگی انگیزه‌های متفاوتی برای حمایت از کرمیلین دارند در این زمینه متحد شده‌اند اما ترس مشترک آنها نیز اینست که در صورت شکست روسیه در اوکراین چه پیامدهایی در انتظارشان خواهد بود.

در ماه‌های اخیر، چین به دنبال ایفای نقش فعال در تلاش‌ها برای مذاکره صلح بین روسیه و اوکراین بوده است. با این حال، بسیاری در کی‌یف و در غرب نسبت به دیدگاه‌های ظاهراً متناقض چین در مورد روند صلح تردید دارند. منتقدان چین را متهم می‌کنند که به ظاهر از حمایت ارضی اوکراین حمایت می‌کند اما در عین حال با واگذاری قسمتی از خاک اوکراین به عنوان بخشی از هرگونه حل و فصل احتمالی با روسیه موافقت دارد.

اینهمه در حالیست که چین از حمایت آشکار از تهاجم روسیه خودداری کرده و یک موضع کلی اتخاذ کرده که می‌توان آن را بی‌طرفی متمایل به روسیه نامید چرا که همزمان غرب را به تحریک جنگی متهم می‌کند که روسیه باعث و بانی آن است. البته این وضعیت عجیب نیست. یکن در هدف مسکو برای به چالش کشیدن سلطه غرب و جایگزینی آن با دنیایی چندقطبی‌تر، اشتراک نظر و هدف دارد. چین می‌ترسد که اگر روسیه در جنگ فعلی شکست بخورد، غرب به شدت تقویت خواهد شد و در عین حال جایگاه جهانی چین و دیگر رژیم‌های اقتدارگرا را تضعیف خواهد کرد.

بطور مشخص‌تر، شکست روسیه در جنگ اوکراین به طرز قابل توجهی تلاش‌های آینده چین برای حمله به تایوان را پیچیده خواهد کرد. اگر پشتیبانی نظامی غرب به اوکراین کمک کند تا بر ارتش روسیه که زمانی به قدرت آن افتخار می‌کردند پیروز شود، شانس حمایت مشابه غرب از تایوان در مقابل تهاجم احتمالی چین افزایش می‌یابد. عملکرد فاجعه‌بار ارتش پوتین در اوکراین ادعاهای روسیه در مورد وضعیت خود به مثابه یک ابرقدرت نظامی را تضعیف کرده و اعتماد به نفس غرب را بطور قابل ملاحظه افزایش داده است. چین نمی‌خواهد این روند نامطلوب شتاب بیشتری بگیرد.

● تاراس کوزیو استاد علوم سیاسی در دانشگاه ملی آکادمی کی‌یف- موهیلا (NaUKMA) در تحلیلی که ۲۳ ماه مه (دوم خرداد) در وبسایت «شورای آتلانتیک» انتشار یافته این موضوع را مطرح کرده که اگر روسیه در اوکراین شکست بخورد، پیامدهای آن در سراسر جهان تأثیر خواهد داشت. چین به اندازه کافی قدرتمند است که از این شوک جان سالم به در ببرد، اما از نظر ژئوپلیتیک تضعیف خواهد شد. رژیم‌های بلاروس و ایران با آینده‌ای بسیار مبهم‌تر مواجه خواهند شد و ممکن است باقی بمانند.

● وی در بخشی از این مقاله می‌نویسد «جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مخالف سرسخت غرب و منتقد تقویت نفوذ غرب در امور بین‌المللی، در انگیزه‌های ژئوپلیتیک چین برای حمایت از تهاجم روسیه شریک است. بسیاری از مقامات ارشد در ایران نگران‌اند که شکست روسیه در اوکراین بتواند خواست مردم ایران برای تغییرات دموکراتیک را افزایش دهد و به دور جدیدی از اعتراضات داخلی دامن بزند.»

● «لوکاشنکو چاره‌ای جز حمایت از پوتین ندارد. او تنها به دلیل آنکه در قدرت ماندن به این کار داده است. در سال ۲۰۲۰ پس از اعتراضات گسترده در بلاروس به دلیل تقلب در انتخابات ریاست جمهوری اگر حمایت‌های روسیه از سرکوب وحشیانه مردم توسط حکومت لوکاشنکو نمی‌بود وی احتمالاً در قدرت نمی‌ماند. با اینهمه حمایت کرمیلین از لوکاشنکو او را در سطح بین‌المللی منزوی کرد چنانکه برای بقای سیاسی خود به شدت به مسکو وابسته شد.»

شماری تحلیلگران معتقدند سرنوشت جنگ روسیه علیه اوکراین پیامدهای قابل ملاحظه‌ای روی وضعیت بعضی رژیم‌ها از جمله جمهوری اسلامی خواهد داشت.

تاراس کوزیو استاد علوم سیاسی در دانشگاه ملی آکادمی کی‌یف- موهیلا (NaUKMA) در تحلیلی که ۲۳ ماه مه (دوم خرداد) در وبسایت «شورای آتلانتیک» منتشر شده، این موضوع را مطرح کرده است که بعید نیست با شکست روسیه در اوکراین رژیم‌های بلاروس و ایران حتا باقی بمانند. یک نظامی اوکراینی در جبهه جنگ باخمت/ مه ۲۰۲۳

تردید نیست که تهاجم تمام‌عیار روسیه علیه اوکراین بطور چشمگیری موقعیت بین‌المللی روسیه را تضعیف کرده است، اما این نیز درست است که واکنش‌های بین‌المللی به جنگ کاملاً یکسان نبوده. دنیای آزاد تقریباً بطور کلی تهاجم روسیه را محکوم کرده و در حمایت از اوکراین متحد شده

کشته شدن شش مأمور مرزبانی در سراوان؛ نیروی انتظامی: «انتقام می‌گیریم!»



هنگ مرزی جمهوری اسلامی در یک پاسگاه در نقطه صفر مرزی با پاکستان

معاون فرمانده فرجا به‌همراه فرمانده مرزبانی برای بررسی موضوع به منطقه درگیری رفتند. دادستان زاهدان گفته این حمله کار گروه «جیش العدل» بوده است. مقامات رژیم این گروه را با نام «جیش الظلم» می‌خوانند. چند روز پیش از این سایر عبدلی معاون اطلاعات نیروی انتظامی خاش در یک حمله مسلحانه کشته شد. در رویدادی مشابه سروان قربانعلی پیری فرمانده پاسگاه «سوسولی» هنگ مرزی زابل نیز یک هفته پیش از این در درگیری با افراد مسلح کشته شد. در هفته‌های اخیر بیش از ۱۰ نفر از مأموران نیروی انتظامی در نقاط مختلف ایران در درگیری‌های مسلحانه کشته یا ترور شدند. یکی از آنها سرگرد علیرضا شهرکی رئیس پلیس آگاهی سراوان بود که ۱۰ اردیبهشت در ماشین شخصی خود به رگبار بسته شد. همسر وی نیز در این تیراندازی کشته شد. افزایش تلفات نیروهای امنیتی و انتظامی در استان سیستان و بلوچستان دلایل متعدد دارد که پیام مستقیم به جمهوری اسلامی است. تحریک افراد و اقوام با اعدام گسترده شهروندان، فقر و نارضایتی، تیراندازی به سوخت‌بران، تحریک حس انتقام‌جویی، تبعیض و همبطن‌طور ضعف‌های امنیتی در تشدید آمار تلفات نیروها تأثیرگذار است. اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی هشدار داده «در صورت ایجاد ناامنی برای جمهوری اسلامی با هرگونه اقدامی در مرزها با پاسخ قاطع و کوبنده نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی مواجه خواهند شد.» مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی تا پیش از توافق امنیتی با عربستان سعودی عموماً عملیات‌های مرزی یا برخی درگیری‌های درون شهری را به «آل سعود» و «سرویس‌های امنیتی عربستان» نسبت می‌دادند اما در دو ماه گذشته با وجود افزایش موارد درگیری‌ها صرفاً «اشرار» و «قاچاقچیان» و «گروه‌های تروریستی» متهم می‌شوند! تحلیلگران معتقدند اینکه نیروی انتظامی تهدید کرده «انتقام می‌گیریم» برای شهروندان نگران‌کننده است چون سابقه نشان می‌دهد دستگاه امنیتی برای جبران لطمه‌ای که خورده مردم بی‌گناه را متهم به اقدامات تروریستی می‌کند و با گرفتن اعتراف اجباری بالای دار می‌کشد!

● منابع نیروی انتظامی می‌گویند افراد مسلح «گروهک تروریستی» و «اشرار» بودند که قصد ورود به کشور را داشتند. دادستان زاهدان گفته این حمله کار گروه «جیش العدل» بوده است. ● سه نفر از مأموران که در این حمله کشته شدند «گروهبان یکم» و سه نفر دیگر سرباز وظیفه بودند. ● نیروی انتظامی در بیانیه‌ای اعلام کرد «این اقدام ناجوانمردانه حتماً بی‌پاسخ نخواهد ماند.» ● در رویدادی مشابه سروان قربانعلی پیری فرمانده پاسگاه «سوسولی» هنگ مرزی زابل نیز یک هفته پیش از این در درگیری با افراد مسلح کشته شد. ● در هفته‌های اخیر بیش از ۱۰ نفر از مأموران نیروی انتظامی در نقاط مختلف ایران در درگیری‌های مسلحانه کشته یا ترور شدند. ● در یک ماه گذشته عبدلی معاون اطلاعات نیروی انتظامی خاش، سروان قربانعلی پیری فرمانده پاسگاه «سوسولی» هنگ مرزی زابل و سرگرد علیرضا شهرکی رئیس پلیس آگاهی سراوان کشته شدند. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران ۳۱ اردیبهشت گزارش داد شش نفر از مأموران مرزبانی سراوان شنبه شب در درگیری با یک «گروهک تروریستی» و «اشرار» کشته شدند. در این درگیری در منطقه «مک سوخته» در برجک «مزه سر» رخ داد. سه نفر از کشته‌ها (علی غنی باتدبیر، رضا برجی و حسین بادامکی) پرسنل کادر و درجه همگی آنها گروهبان یکم بود و سه نفر دیگر (محمد جمالزاده، یونس سیفی‌نژاد و ناصر حیدری) همگی سرباز وظیفه بودند. گفته شده یک نفر از مأموران نیز زخمی شده است. طبق این گزارش این تیم قصد نفوذ به داخل مرز را داشت که هنگام «کنترل و پایش» مرز مشاهده شدند. ادعا شده پس از درگیری از ورود این گروه به داخل کشور جلوگیری شد و افراد مسلح به آنسوی مرز در خاک پاکستان متواری شدند. نیروی انتظامی در بیانیه‌ای اعلام کرد «این اقدام ناجوانمردانه حتماً بی‌پاسخ نخواهد ماند.»

→ ارمنستان و جمهوری آذربایجان کاملاً مسلط است. نگرانی‌های نیکول پاشینیان البته تعجبی ندارد اما کوتاه‌بینانه است. شکست روسیه در اوکراین بطور بالقوه به ارمنستان اجازه می‌دهد تا سیاست خارجی مستقل‌تری را دنبال کند و در عین حال روابط اقتصادی و سیاسی با اتحادیه اروپا را گسترش دهد. اگرچه هشدار در مورد تهدید تکرار خصومت با آذربایجان قابل درک است، اما دورنمای اندکی برای حمله به ارمنستان وجود دارد، به ویژه اگر مذاکرات با میانجیگری ایالات متحده و اتحادیه اروپا منجر به یک معاهده صلح شود که مرز ارمنستان و آذربایجان را به رسمیت بشناسد و در عین حال تضمین‌های رضایت‌بخشی برای ساکنین ارامنه قره‌باغ ارائه کند.

جمهوری اسلامی خدمتگزار روسیه و چین

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مخالف سرسخت غرب و منتقد تقویت نفوذ غرب در امور بین‌المللی، در انگیزه‌های ژئوپلیتیک چین برای حمایت از تهاجم روسیه شریک است. بسیاری از مقامات ارشد در ایران نگران‌اند که شکست روسیه در اوکراین بتواند خواست مردم ایران برای تغییرات دموکراتیک را افزایش دهد و به دور جدیدی از اعتراضات داخلی دامن بزند. دلایل عملی دیگری برای طرفداری تهران از روسیه در جنگ علیه اوکراین وجود دارد. روسیه در رویارویی با افزایش تحریم‌های بین‌المللی و قطع ارتباط با فناوری‌های غربی، به ایران به عنوان منبع جایگزین برای کمک‌های نظامی روی آورده است. به نظر می‌رسد مسکو در ازای پهنادهای دریافتی از جمهوری اسلامی و سایر تجهیزات، همه چیز از جمله هواپیماهای جنگنده گرفته تا سیستم‌های پدافندی به تهران ارائه می‌دهد و در عین حال به برنامه اتمی رژیم ایران نیز کمک می‌کند. همکاری نظامی رو به رشد بین روسیه و جمهوری اسلامی با ارسال پهنادهایی که مرتب برای حمله به اهداف غیرنظامی در سرتاسر اوکراین استفاده می‌شود، برای اوکراین مرگبار است. همچنین تهدیدی قابل توجه برای امنیت ملی اسرائیل به شمار می‌رود و بحث‌های داغی را در مورد نارضایتی علنی اسرائیل برای ارائه حمایت نظامی از اوکراین به راه انداخته است. اگر همکاری بین مسکو و تهران به تشدید درگیری‌ها دامن بزند، سامانه‌های پدافند هوایی روسیه می‌توانند عملیات اسرائیل در سوریه را محدود کرده و هرگونه حمله پیشگیرانه آینده به تأسیسات هسته‌ای ایران را پیچیده‌تر کنند.

با توجه به اینکه تهاجم تمام‌عیار روسیه علیه اوکراین اکنون در شانزدهمین ماه خود قرار دارد، به نظر می‌رسد شانس کمی برای پیروزی چشمگیر روسیه از نوع مورد نظر پوتین طبق آنچه هنگام صدور فرمان حمله در فوریه ۲۰۲۲ اعلام کرده بود وجود داشته باشد. در عوض، محتمل‌ترین سناریوها عبارتند از ادامه وضعیت فعلی یا نوعی بن‌بست یا حتی پیروزی نظامی اوکراین. اگر روسیه در اوکراین شکست بخورد، پیامدهای آن در سراسر جهان تأثیر خواهد داشت. چین به اندازه کافی قدرتمند است که از این شوک جان سالم به در ببرد، اما از نظر ژئوپلیتیک تضعیف خواهد شد. رژیم‌های بلاروس و ایران با آینده‌ای بسیار مبهم‌تر مواجه خواهند شد و ممکن است باقی نمانند. در همین حال، ارمنستان ممکن است متوجه شود که با وجود تردیدهای فعلی، شکست روسیه می‌تواند به ایران اجازه دهد تا به مسیر یکپارچگی اروپا بازگردد.

*منبع: شورای آتلانتیک

*نویسنده: تاراس کوزیو استاد علوم سیاسی در دانشگاه ملی آکادمی کی‌یف- موهیلا (NaUKMA) است. آخرین کتاب او «نسل‌کشی و فاشیسم» در باره جنگ روسیه علیه اوکراین هاست. *ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تأیید حکم اعدام محمد قبادلو شهروند معترض ۲۲ ساله در دیوان عالی کشور



افراد، تخریب و اقدام علیه امنیت ملی کشور که منجر به اختلال در نظم عمومی و ناامنی در کشور و وارد کردن خسارت به افراد و اموال عمومی، متهم و به اعدام محکوم شده است.»

این در حالیست که آنچه در حکم صادر شده علیه محمد قبادلو به عنوان «اعتراف صریح» آمده در واقع اقرارگیری زیر شکنجه بوده است. همچنین امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو گفته که اتهام قتل مأمور یگان ویژه از طریق «زیر گرفتن» به شدت مورد تردید است.

در بین مدارک، هیچ تصویری از محل جرم، مدارک پزشکی قانونی و دیگر مدارک که روال یک دادگاه در مورد تصادف است، وجود نداشته است.

بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دو قطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود. در چنین شرایطی و بر اساس همین قوانین نیم‌بند و ناعادلانه جمهوری اسلامی هم این جوان ۲۲ ساله نمی‌تواند متهم به «محاربه» و محکوم به «اعدام» شود.

محمدعلی قبادلو، پدر محمد قبادلو سال گذشته در یک پیام ویدئویی گفته بود که جانباز شیمیایی و جانباز اعصاب روان است که هفت سال برای کشور جنگیده است. پدر محمد قبادلو گفته بود که شرایط او در وضعیت سلامت روان فرزندش و بیماری اختلال دوقطبی او تأثیر منفی گذاشته است.

معصومه احمدی مادر محمد قبادلو نیز در ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد گفته بود «بچه من را غریب گیر آوردند و بدون وکیل از او بازجویی کردند و در اولین جلسه دادگاه حکم اعدامش را صادر کردند.»

امیر رئیسین پیشتر نیز تأکید کرده بود که پرونده موکلش نواقص تحقیقاتی و ایرادهای فنی دارد و موضوع سلامت روان قبادلو و اینکه مبتلا به اختلال دوقطبی است باید در نظر گرفته شود. مادر محمد قبادلو و امیر رئیسین، اسناد بیماری اختلال دوقطبی قبادلو را منتشر کردند؛ و می‌گویند او هفت سال سابقه درمان بیماری اختلال دوقطبی دارد.

محمد قبادلو نیز در دادگاه اولیه در تاریخ ۴ آبان به قاضی صلواتی گفته بود که در زمان حادثه «دو ماه بود که داروهایم را نخورده بودم و سه شب هم نخوابیده

انتسابی علیه او یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

محمد قبادلو متهم است که در اعتراضات نیمه دوم سال ۱۴۰۱، استوار فرید کرم‌پور از پرسنل ناجا را با ماشین زیر گرفته است. پس از اعلام شکایت اولیای دم کرم‌پور، پرونده‌ای در دادگاه کیفری یک تهران برای محمد قبادلو تشکیل شد که به صدور حکم اعدام منتهی شد.

صفحه توثیقی دادبان که به بازداشت‌شدگان مشاوره حقوقی می‌دهد نیز با انتشار خبر تأیید حکم اعدام محمدقبادلو نوشته که «پرونده پر از تناقض است. گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد مأمور پلیس در نتیجه اصابت جسم سخت به سر و مسلماً در یک درگیری کشته شده نه تصادف. روایت درگیری در روز تشیع جنازه این مأمور نیز توسط فرماندهان پلیس تأیید شده است. دستگاه قضایی و به ویژه دادستان اما اصرار دارد که محمد در تصادف عمدی مأمور یگان ویژه را کشته است. چرا؟ چون مشخص نیست مأمور جانباخته کجا و در درگیری با چه کسانی کشته شده است.»

محمد قبادلو جوان متولد ۱۳۷۹ در جریان اعتراضات سال گذشته بازداشت و متهم به «محاربه» و «افساد فی الارض» به دلیل زیر گرفتن چند مأمور حکومتی و قتل یکی از آنها شد.

نخستین جلسه دادگاه محمدقبادلو روز هفتم آبان امسال با ریاست قاضی صلواتی برگزار شد. بر اساس کیفرخواستی که علیه این جوان صادر شده بود، او متهم به به افساد فی‌الارض از طریق اقدام گسترده علیه مأموران موتوری نیروی انتظامی با اصابت خودروی سواری پیکان سفیدرنگ که منجر به شهادت استوار وحید کرم‌پور حسنونند و مجروح شدن ۵ مأمور پلیس شده بود.

مرکز رسانه قوه قضائیه ۲۵ آبان ماه اعلام کرده بود بر اساس حکم صادر شده توسط دادگاه انقلاب تهران، فردی که در اقدامی تروریستی به‌صورت عمد و با قصد جان مأمورین نیروی انتظامی، با خودروی سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها، یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده بود پس از اعترافات صریح خودش مبنی بر ارتکاب جرم در دادگاه و مستندات مستدل موجود در پرونده، به افساد فی‌الارض از طریق جنایت علیه تمامیت جسمانی

● وکیل محمد قبادلو گفته که دیوان موضوع بیماری و تأیید پزشکی قانونی درباره سلامت روان محمد قبادلو و تصاویر دوربین‌های مداربسته را با این توجیه که این موارد «ماهیتی» هستند اصلاً مورد بررسی قرار نداده است.

● بر اساس گواهی صادر شده از سوی پزشک معالج محمد قبادلو، او از هفت سال پیش به دلیل ابتلا به اختلال دو قطبی تحت درمان بوده و از دو ماه پیش از حادثه تصادف، دارو مصرف نکرده بود.

● حکم اعدام محمد قبادلو در حالی تأیید شده که اتهام انتسابی علیه او یعنی «محاربه» از طریق زیر گرفتن مأموران یگان ویژه با اتومبیل از اساس جعلی است و مدرکی مبنی بر تصادف منجر به فوت در دادگاه ارائه نشده است.

حکم اعدام و درواقع قتل حکومتی محمد قبادلو شهروند شرکت‌کننده در اعتراضات سال ۱۴۰۱ در دیوان عالی کشور تأیید شد. به این ترتیب احتمال اجرای حکم اعدام این جوان ۲۲ ساله در روزهای آینده وجود دارد و جان او در خطر است.

شعبه یکم دیوان عالی کشور، حکم مربوط به درخواست اعاده دادرسی محمد قبادلو را صادر و حکم «اعدام» او را تأیید کرد.

امیر رئیسین وکیل محمد قبادلو با تأیید این خبر به «شبکه شرق» گفته «ما امیدوار بودیم که وقتی تقاضای اعاده دادرسی به شعبه اول ارجاع می‌شود، ریاست محترم دیوان هم در مورد پرونده نظر قضایی اعلام کنند اما حکمی که ابلاغ شده به امضای ایشان نرسیده و با امضای دو عضو معاون حکم به ما ابلاغ شده است. در هر حال این حکم، فعلاً حکم نهایی اعاده دادرسی محسوب می‌شود.»

وکیل محمد قبادلو گفته که دیوان موضوع بیماری و تأیید پزشکی قانونی درباره سلامت روان محمد قبادلو و تصاویر دوربین‌های مداربسته را با این توجیه که این موارد «ماهیتی» هستند اصلاً مورد بررسی قرار نداده است.

امیر رئیسین گفته که «این موضوع برای ما بسیار ناراحت‌کننده است چرا که از سوی دیگر همین مباحث در مرحله دادرسی بدوی و فرجامی هم مطرح شده بود ولی مورد توجه قرار نگرفته بود و الان هم گفته می‌شود که اینها باید قبلاً مطرح می‌شده و باز هم به دلیل دیگری مورد توجه قرار نمی‌گیرد.»

حکم اعدام محمد قبادلو در حالی تأیید شده که اتهام



رضا مراد صحرایی

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی معرفی شد

رضا مراد صحرایی پیش از این رئیس دانشگاه فرهنگیان بود. او پیش از این در مراسم گرامی‌داشت معلم گفته بود: «حقوق من استاد تمام از برادرم که شغل آزاد دارد و سوادش زیردبلیلم است کمتر است.»

رضا مراد صحرایی متولد ۱۳۵۵ و دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه «علامه» و استاد تمام‌وقت این دانشگاه است که از اردیبهشت سال گذشته به عنوان رئیس دانشگاه فرهنگیان منصوب شد. دلایل رسمی استعفای یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش سابق اعلام نشده اما عدم پرداخت به‌موقع حقوق معلمان، مشکلات بروز کرده در مدارس به دلیل مسمومیت‌های گسترده دانش‌آموزان و عدم اجرای مناسب قانون رتبه‌بندی معلمان از مشکلاتی است که در دوران کوتاه وزارت نوری بر آموزش و پرورش حاکم بوده است.

پرداخت نشدن حقوق و مزایای شغلی آموزگاران در اسفندماه تنها یکی از موارد انتقادی درباره عملکرد یوسف نوری وزیر پیشین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است. موضوع اجرا نشدن قانون همسان‌سازی حقوق، حمله نهادهای امنیتی به مدارس و بازداشت گسترده دانش‌آموزان در جریان اعتراضات سراسری و محکومیت دانش‌آموزان به حبس در مراکز بازپروری، مسمومیت سریالی و حمله بیولوژیک به مدارس از جمله مواردی بود که یوسف نوری درباره آنها یا بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بود و یا با اظهارات عجیبش بر خشم عمومی افزوده بود.

در حملات سریالی بیولوژیک به مدارس ایران، یوسف نوری پس از مدت‌ها سکوت و انکار این حملات در نخستین اظهار نظرش گفت که «بخش اعظم این موضوع، ناشی از ایجاد جو روانی در جامعه دانش‌آموزان و خانواده‌ها بوده است.»

او هرچند در نهایت این حملات را پذیرفت و عذرخواهی کرد اما چند روز پیش بار دیگر درباره حملات گفت که این مسمومیت‌ها «یک منشأ اولیه داشت، اما بد معرفی شد و بعد بسیار بدتر برجسته شد. بخشی هم شاید توسط شبکه‌های غیررسمی داخلی حتی بخشی از شبکه‌های رسمی و اطلاع‌رسانی جمعی داخلی گفته شد. دشمن هم دشمن است دیگر.» همچنین اوایل اسفندماه وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی قرارگاهی به نام «کوثر» در این وزارتخانه خبر داده بود که هدف آن آماده ساختن کودکان دختر برای ازدواج و فرزندآوری است. این خبر نیز با موجی از انتقادات همراه شد.

مهرماه گذشته و چند هفته پس از آغاز اعتراضات سراسری نیز خبرهایی از محکوم کردن دانش‌آموزان بازداشتی به حضور در مراکز اصلاح و تربیت منتشر شد. یوسف نوری در واکنش به این خبرها گفته بود «مواردی که بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند!»

او در پاسخ به اینکه پس در جریان اعتراضات خیابانی دانش‌آموزان بازداشتی هم داریم، اعلام کرد که «در این شرایط و مرحله ممکن است این دانش‌آموزان به شخصیت‌های ضداجتماعی تبدیل شوند که می‌خواهیم آنها را اصلاح کنیم!»

● رضا مراد صحرایی متولد ۱۳۵۵ و دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه «علامه» و استاد تمام‌وقت این دانشگاه است که از اردیبهشت سال گذشته به عنوان رئیس دانشگاه فرهنگیان منصوب شد.

● رضا مراد صحرایی به تازگی در مراسم گرامی‌داشت معلم گفته بود: حقوق من استاد تمام از برادرم که شغل آزاد دارد و سوادش زیردبلیلم است کمتر است.

باگذشت یک‌ماه‌ونیم‌از استعفای وزیرپیشین آموزش و پرورش، رضا مراد صحرایی از سوی رئیس دولت سیزدهم به‌عنوان وزیر پیشنهادی این وزارتخانه به مجلس شورای اسلامی معرفی شد. محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی امروز دوشنبه دوم خردادماه اعلام کرد که رئیس دولت در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی رضا مراد صحرایی را به‌عنوان وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش معرفی کرد.

در نامه ابراهیم رئیسی به محمدباقر قالیباف برای معرفی وزیر پیشنهادی، سوابق آموزشی، علمی، پژوهشی، مدیریتی و برنامه‌های فوری و اولویت‌دار رضا مراد صحرایی برای وزارت آموزش و پرورش اعلام شده است:

– اجرای سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
– تحول اساسی و کار جذب تربیت و ارتقای سرمایه انسانی آموزش و پرورش

– آرام‌سازی نظامات و سازوکارهای راهبردی و مدیریت آموزش و پرورش

– ارتقای عدالت آموزشی و نصیب برابر آموزشی و کیفیت بخشی به برنامه‌های آموزشی و پرورشی

– به‌کارگیری ظرفیت‌های درونی و بیرونی مدرسه (مشارکت)

– آرام‌سازی و بهینه‌سازی نظام تأمین، تخصیص و مصرف منابع مالی در سطوح مختلف نظام آموزش و پرورش

– استانداردسازی و توسعه فضا، تجهیزات و فناوری‌های آموزشی و پرورشی و ارتقای توانمندی‌های تربیتی خانواده‌ها
یوسف نوری وزیر پیشین آموزش و پرورش پس از تعطیلات نوروزی و در حالیکه برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دنبال تدوین طرح استیضاح او بودند، استعفا داد. این استعفا به سرعت از سوی ابراهیم رئیسی پذیرفته شد و ۱۴ فروردین ۱۴۰۲ رضا مراد صحرایی به‌عنوان سرپرست وزارت آموزش و پرورش معرفی شد.

رضا مراد صحرایی پس از بر عهده گرفتن این مسئولیت به معلمان اطمینان داد که به تمام اعتراضات درباره رتبه‌بندی رسیدگی می‌شود و حتی از کسی ضایع نخواهد شد. او سپس اعلام کرد که رتبه‌بندی معلمان تا پایان اردیبهشت‌ماه سال جاری تمام خواهد شد و از خردادماه نیز به اعتراضات رسیدگی خواهد شد.

با این حال به‌تازگی شماری از ۴۳۰۰ نیروی اداری وزارت آموزش و پرورش در نامه‌ای به رضا مراد صحرایی نسبت به عدم بهره‌مندی از رتبه‌بندی معلمان انتقاد کرده و گفتند اختلاف ایجاد شده میان آنها با سایر همکاران باعث بی‌انگیزگی و تفاوت بسیار در حقوق شده است.

➔ «بودم»؛ و همچنین گفت «در آن لحظه من نبودم که پشت فرمان قرار گرفته بودم.»

بر اساس اسنادی که منتشر شده بازپرس امنیتی در این پرونده تلاش کرده موضوع بیماری محمد در پرونده پرزنگ نشود و از فرستادن او نزد پزشکی قانونی برای بررسی سلامت روان هم جلوگیری به عمل آمده است.

سازمان عفو بین‌الملل روز جمعه ۳۰ دی ۱۴۰۱ در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی خواستار لغو فوری حکم اعدام محمد قبادلو شده بود.

سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده بود که «محمد قبادلو در ارتباط با اعتراضات سراسری اخیر در ایران در معرض خطر شدید اعدام است. او در پی محاکمه‌های نمایی به شدت ناعادلانه دو حکم اعدام دریافت کرده است. روند دادرسی با انکاب به «اعترافات» گرفته شده تحت شکنجه و عدم صدور دستور ارزیابی‌های دقیق سلامت روان، علیرغم اختلال روانی محمد قبادلو، از اساس مخدوش شده است. طبق قوانین و موازین بین‌المللی، صدور مجازات اعدام برای افراد دارای ناتوانی و اختلالات روانی ممنوع است.»

در گزارش سازمان عفو بین‌الملل آمده بود که «محمد قبادلو در تمام دوران تحقیقات و تا پس از جلسه اول محاکمه‌اش در تاریخ ۷ آبان از دسترسی به داروهای لازم برای اختلال دوقطبی محروم بوده است. این بدرفتاری، که ناقض ممنوعیت شکنجه و سایر برخوردهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز است، موجب شد که حال روانی محمد قبادلو رو به وخامت رود و آسیب‌پذیری وی را طی بازجویی‌ها و محاکمه‌هایش شدت بخشید.»

این گزارش تأکید کرده بود که محمد قبادلو «پس از ضرب و شتم‌های مکرر و پس از وعده بازجویانش مبنی بر آزادی او و تسهیل خروجش از ایران، مجبور به «اعتراف» و قرائت متنی از پیش تهیه شده در مقابل دوربین فیلمبرداری گشته است.»

محمد قبادلو یکی از ده‌های شهروند بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته است که با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با اتهاماتی چون «محرابه»، «افساد فی الارض» و «بغی» روبرو شدند و قاضی امکان صدور حکم «اعدام» به‌عنوان اشد مجازات این اتهامات را یافت.

در آذر و دی‌ماه سال گذشته چهار شهروند محکوم به اعدام به دار آویخته شدند. محمدمهدی کرمی، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد و محمد(کیان) حسینی چهار جوان معترض اعدام شده بودند. هفته گذشته نیز حکم اعدام سه معترض دیگر در اصفهان اجرا شد.

مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه شهروند معترض «خانه اصفهان» سحرگاه جمعه ۲۹ اردیبهشت در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند.

در پرونده هر هفت جوان معترضی که اعدام شدند ابهامات زیادی وجود داشت؛ اعتراف‌گیری اجباری و نبود اسناد کافی برای اثبات جرم و اتهامات سنگین وارده مواردی بوده که وکلا و حقوقدانان به آنها تأکید داشتند.

در پرونده محمد قبادلو در کنار همه این ابهامات، موضوع ابتلای او به بیماری دو قطبی و تأیید پزشک قانونی، به تنهایی کافی است که حتی اگر محمد واقعا قتل مرتکب شده بود هم، قاضی حکم اعدام صادر نکند. با اینهمه به نظر می‌رسد برنامه اعدام شهروندان برای ایجاد وحشت عمومی به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از بروز اعتراضات سراسری در دستور کار مقامات حکومتی قرار دارد و برای این هدف حتی قوانین ناکارآمد جمهوری اسلامی هم زیر پا گذاشته می‌شود!

رقابت در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای ساخت پهپادهای انتحاری و «پایگاه‌های شناور تروریستی»



بازدید مقامات نظامی بلاروس از غرفه جمهوری اسلامی در نمایشگاه تجهیزات نظامی «میلکس ۲۰۲۳» در مینسک / ماه مه ۲۰۲۳

و «مهدوی» دو ناو اقیانوس پیمای سپاه هستند که به انواع تسلیحات مجهز شده‌اند.

سه روز بعد از پهلوگیری «ناوگروه ۸۶» ارتش که از سفر ۸ ماهه «دور دنیا» به ایران برگشت، یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفت که سپاه پاسداران کشتی‌های تجاری را به سکویی برای پرتاب موشک، پهپاد و انتقال کماندو تبدیل کرده است. وی هشدار داد که هدف رژیم ایران گسترش نفوذ دریایی به نقاطی فراتر از خلیج فارس تا مدیترانه، دریایی سرخ و اقیانوس هند است.

هشدار اسرائیل

وزیر دفاع اسرائیل دوشنبه اول خرداد در «کنفرانس امنیتی هرتزلیا» با نمایش تصاویری از شش کشتی که قبلاً باربری بودند و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی آنها را تغییر کاربری داده، گفت اینها «پایگاه‌های شناور ترور» هستند و یکی از آنها اخیراً به سمت خلیج عدن حرکت کرده است. گالانت افزود: «این بطور مستقیم، ادامه سیاست تروریسم دریایی است که [رژیم ایران] به خلیج فارس و دریای عرب تحمیل کرده است.»

گالانت وزیر دفاع اسرائیل در «کنفرانس امنیتی هرتزلیا» گالانت می‌گوید: «از وقتی من مسئولیت گرفتم، تعداد حملات اسرائیل علیه نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در سوریه دو برابر شده است. به عنوان بخشی از این کمپین، ما بطور سیستماتیک برای هدف قرار دادن قابلیت‌های اطلاعاتی ایران در سوریه کار می‌کنیم و این حملات آسیب قابل توجهی به تلاش‌های سپاه پاسداران برای سفت کردن جای پای خود در سوریه وارد می‌کند.»

وی افزود: «می‌خواهم روشن کنم که پیوسته سوریه به اتحادیه عرب تا زمانی که سوریه زمین مساعد برای تروریسم شیعه باقی ماند و به ایران و گروه‌های نیابتی آن اجازه دهد از خاکش فعالیت کنند، برای اسرائیل بی‌اهمیت خواهد بود. سوریه با قدرت سیستم امنیتی ما مواجه خواهد شد، اما باید تأکید کرد که هدف ما فعالیت ایران است نه دولت سوریه.»

مینسک پایتخت بلاروس به نمایش در آمد. علیرضا صباغی‌فرد فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه دوم خرداد در یک سخنرانی گفته «قطب تولید پهپاد در نیروهای مسلح هستیم و انواع پهپادها را تولید و در اختیار سایر نیروها قرار می‌دهیم.»

کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش اواخر تیرماه ۱۴۰۱ ادعا کرده بود «پهپادهای در نیروی زمینی ارتش تولید شده است.» وی حتا در یک مصاحبه تلویزیونی گفت «پهپاد آر۲ را برای تهاجم به حیفا و تل‌آویو طراحی کردیم.» دو ماه بعد از این حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش اعلام کرد «دو پهپاد بسیار راهبردی و ارزشمند «کمان ۱۲» و «کمان ۲۲» را ساختیم و در تولید پهپاد به خودکفایی صد درصد رسیدیم.»

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «اخیراً یک پهپاد آمریکایی که توسط پدافند [احتمالاً] ارتش حوالی میرجاوه هدف قرار گرفت چند صدمتر بیرون از مرز ایران در خاک پاکستان به زمین خورد. نیروهای نظامی از چند ارگان دنبال آن بودند تا بقایای پهپاد را به دست آورند. در نهایت بخشی از فوسها و سیم‌خاردهای مرزی را چیدند و مخفیانه وارد خاک پاکستان شدند. اُپتیک و سنسورهای پهپاد را باز کردند و بدنه را آتش زدند و به ایران بازگشتند.» رقابت بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به طراحی و تولید انواع پهپاد خلاصه می‌شود. بخشی از رقابت‌های آنها در تغییر کاربری کشتی‌های باربری بزرگ به شناورهای با مصارف نظامی است.

از برنامه‌های مشترک سپاه و ارتش تغییر کاربری کشتی‌های باربری بزرگ به ناوهای لجستیک نظامی مجهز به لانچر موشک‌انداز و لانچر پهپاد است. در بعضی از آنها نیز محوطه‌ای برای فرود هلی‌کوپتر طراحی شده است.

علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه می‌گوید بعضی شناورها به پهپاد انتحاری با بُرد ۱۳۰۰ کیلومتر مجهز شده‌اند. وی اخیراً در یک مصاحبه گفت «رودکی»

با اینکه کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش اواخر تیرماه ۱۴۰۱ ادعا کرده بود «پهپادهای در نیروی زمینی ارتش تولید شده»، علیرضا صباغی‌فرد فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی دوشنبه دوم خرداد در یک سخنرانی گفته «قطب تولید پهپاد در نیروهای مسلح هستیم و انواع پهپادها را تولید و در اختیار سایر نیروها قرار می‌دهیم.»

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «اخیراً یک پهپاد آمریکایی که توسط پدافند [احتمالاً] ارتش حوالی میرجاوه هدف قرار گرفت چند صدمتر بیرون از مرز ایران در خاک پاکستان به زمین خورد. نیروهای نظامی از چند ارگان دنبال آن بودند تا بقایای پهپاد را به دست آورند. در نهایت بخشی از فوسها و سیم‌خاردهای مرزی را چیدند و مخفیانه وارد خاک پاکستان شدند. اُپتیک و سنسورهای پهپاد را باز کردند و بدنه را آتش زدند و به ایران بازگشتند.»

رقابت بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به طراحی و تولید انواع پهپاد خلاصه می‌شود. آنها تلاش می‌کنند کشتی‌های باربری بزرگ را هم به شناورهای با مصارف نظامی تغییر کاربری بدهند.

یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گفت که سپاه پاسداران کشتی‌های تجاری را به سکویی برای پرتاب موشک، پهپاد و انتقال کماندو تبدیل کرده است. وی هشدار داد که هدف رژیم ایران گسترش نفوذ دریایی به نقاطی فراتر از خلیج فارس تا مدیترانه، دریایی سرخ و اقیانوس هند است.

همکاری‌های جمهوری اسلامی با رژیم‌های بدخیم در حوزه‌های مختلف به ویژه نظامی افزایش یافته است. یک کمیته ویژه در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی از اواخر اردیبهشت در حال بررسی «لواح موافقتنامه همکاری امنیتی و اطلاعاتی بین جمهوری اسلامی با روسیه و بلاروس است.»

همزمان چندین فروند انواع پهپاد، موشک و اژدر ساخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در نمایشگاه نظامی

خبرگزاری ایرنا: حمید نوری را به «لانه گرگ» کشاندند؛ تبعات این بازی برای دستگاه امنیتی سوئد زیاد خواهد بود



حمید نوری متهم به حبس ابد است که در سوئد ۲۵ سال زندان است و محکوم پس از گذراندن دو سوم دوران محکومیت می‌تواند در صورت داشتن شرایط لازم تقاضای آزادی کند

● خبرگزاری دولتی ایرنا با اشاره به نقش ایرج مصداقی و حمید اشتری [از شاکیان پرونده] دو فعال سیاسی در بازداشت و به تله انداختن نوری می‌نویسد آنها با همکاری سازمان‌های امنیتی سوئد وی را به «لانه گرگ‌ها کشاندند».

● این اقدام «قطعاً توسط یک یا چند فرد وابسته به جریان ضدانقلاب، صورت نگرفته است! یکی از اقدامات ماموران امنیتی سپو [آژانس امنیتی سوئد] پس از آغاز دادگاه حمید نوری، ساده‌سازی این پرونده در رسانه‌های غربی و خصوصاً بهره‌گیری از توان منافقین [سازمان مجاهدین] در ارائه روایتی دروغین و مخدوش از این پرونده بوده است».

● «سازمان امنیتی و جاسوسی سوئد بازی خطرناکی را در تقابل با ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. هزینه این بازی برای استکهلم بسیار سنگین خواهد بود. فارغ از اینکه جریان سوسیال دموکرات یا محافظه‌کار در این کشور بر سر کار باشد، تبعات برگزاری ده‌ها جلسه دادگاه غیرقانونی علیه حمید نوری، برای دستگاه امنیتی سوئد بسیاری سنگین است».

● اعلام تهدید آنهم از طریق یک شبه رپرتاژ آگهی در خبرگزاری رسمی دولت جمهوری اسلامی حتی اگر بزرگنمایی و نمایش اقتدار و یک بلوف باشد اما پیام مستقیم برای مقامات سوئد و افراد دخیل در این پرونده دارد که از یکسو بر اساس سابقه قتل و آدم‌ربایی از سوی نهادهای امنیتی رژیم ضرورت محافظت از آنها در برابر هرگونه تهدید احتمالی را دو چندان می‌کند و از سوی دیگر هشدار برای پیگیری وضعیت دکتر احمدرضا جلالی و سایر شهروندان دوتابعیتی در ایران است که توسط حکومت به گروگان گرفته شده‌اند.

دو هفته پس از اعدام حبیب فرج‌الله چعب ملقب به «حبیب اسپود» شهروند ایرانی- سوئدی از رهبران «حرکه النضال» خبرگزاری دولتی «ایرنا» در گزارشی با عنوان «بازی خطرناکی که در قد و قواره سرویس امنیتی سوئد نیست» با شرحی از وضعیت پرونده «حمید نوری» دستیار ابراهیم رئیسی در تابستان خونین ۶۷ در زندان گوهردشت به معرفی سازمان «سپو» پرداخته و دولت سوئد را تهدید به اقداماتی کرده که «تبعات آن برای دستگاه امنیتی سوئد بسیاری سنگین است».

در این گزارش که روز یکشنبه اول خرداد منتشر شده است، آمده «سپو یکی از آژانس‌های دولتی سوئد است که به ظاهر تحت نظارت وزارت دادگستری و دولت سازمان یافته است، اما در حقیقت سازمانی مستقل و قدرتمند در این کشور اسکاندیناویایی محسوب می‌شود».

ایرنا با اشاره به نقش ایرج مصداقی و حمید اشتری (از شاکیان پرونده) دو فعال سیاسی خارج کشور، در بازداشت و به تله انداختن نوری می‌نویسد آنها با همکاری سازمان‌های امنیتی سوئد وی را به «لانه گرگ‌ها کشاندند».

خبرگزاری رسمی دولت جمهوری اسلامی در این گزارش که بی‌شبهت به رپرتاژ آگهی برای نهادهای امنیتی یا از طرف آنها نیست با اشاره به اینکه «سوئد در ایران عناصر نفوذی دارد» با طرح این پرسش که آیا «سپو» این بازی را

آغاز کرده است، اما تمام‌کننده آن قطعاً دستگاه امنیتی سوئد نخواهد بود».

یک روز بعد از انتشار این گزارش یعنی روز سه‌شنبه دوم خرداد گزارش دیگری با همین مضمون انتشار یافته که در آن ادعا شده سپو سوئد بازوی امنیتی ایالات متحده است. در گزارش دوم همچنین آمده «تمامی سفرای آمریکا در استکهلم بدون استثناء، در جاسوسی از شهروندان سوئدی و اروپایی نقش پررنگی ایفا کرده‌اند. سفارت آمریکا در پایتخت سوئد، حکم یک اطاق فرمان را در منطقه اسکاندیناوی ایفا کرده و هنوز این نقش‌آفرینی ادامه دارد».

روزنامه سوئدی «خبرهای روز» (Dagens Nyheter) اواسط دی‌ماه ۱۴۰۱ در مطلبی با عنوان «چگونه یک جنایتکار جنگی به سوئد کشانده شد؛ دامی که ایرج مصداقی پهن کرد» در مورد اهمیت این دادگاه نوشته بود «محاکمه حمید نوری تاریخی است و مستقیماً به مراکز قدرت ایران منتهی می‌شود. رئیس جمهور فعلی، ابراهیم رئیسی، به عنوان یکی از رهبران کمیته موسوم به هیئت مرگ نام برده می‌شود، نهادی که تصمیم‌نهایی را در مورد زنده ماندن و مرگ زندانیان اتخاذ می‌کرد».

اعلام تهدید آنهم از طریق یک شبه رپرتاژ آگهی در خبرگزاری رسمی دولت جمهوری اسلامی حتی اگر بزرگنمایی و نمایش اقتدار و یک بلوف باشد اما پیام مستقیم برای مقامات سوئد و افراد دخیل در این پرونده دارد که از یکسو بر اساس سابقه قتل و آدم‌ربایی از سوی نهادهای امنیتی رژیم ضرورت محافظت از آنها در برابر هرگونه تهدید احتمالی را دو چندان می‌کند و از سوی دیگر هشدار برای پیگیری وضعیت دکتر احمدرضا جلالی و سایر شهروندان دوتابعیتی به گروگان گرفته شده در ایران است.

تمام خواهد کرد؟ می‌نویسد: «سازمان امنیتی و جاسوسی سوئد بازی خطرناکی را در تقابل با ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. هزینه این بازی برای استکهلم بسیار سنگین خواهد بود. فارغ از اینکه جریان سوسیال دموکرات یا محافظه‌کار در این کشور بر سر کار باشد، تبعات برگزاری ده‌ها جلسه دادگاه غیرقانونی علیه حمید نوری، برای دستگاه امنیتی سوئد بسیاری سنگین است».

نویسنده با نویسندگان گزارش «ایرنا» تشریح می‌کنند در انگیزه دستگاه امنیتی سوئد برای این تقابل با جمهوری اسلامی فرضیات زیادی وجود دارد که تنها یکی از آنها، «افشای فعالیت برخی جاسوسان و عناصر نفوذی سوئد در ایران، خصوصاً احمدرضا جلالی است».

دکتر جلالی پزشک ایرانی- سوئدی است که از سال ۱۳۹۵ تا کنون به اتهام جاسوسی در زندان جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده و حکم اعدام وی نیز صادر شده است. در بخش دیگر این گزارش از پیگیری پرونده حمید نوری توسط سوئد به عنوان یک «مواجهه امنیتی سازماندهی شده و هدفمند» نام برده شده و آمده این اقدام «قطعاً توسط یک یا چند فرد وابسته به جریان ضدانقلاب، صورت نگرفته است! یکی از اقدامات ماموران امنیتی سپو پس از آغاز دادگاه حمید نوری، ساده‌سازی این پرونده در رسانه‌های غربی و خصوصاً بهره‌گیری از توان منافقین [سازمان مجاهدین] در ارائه روایتی دروغین و مخدوش از این پرونده بوده است».

ایرنا در پایان با اشاره به اینکه «قطعاً سازمان جاسوسی و اطلاعاتی سوئد قدرت توجیه نقش‌آفرینی غیرمسئولانه و غیرحقوقی خود را در این پرونده از ابتدا نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت» تهدید کرده «این بازی را سپو

جمهوری اسلامی و ترویج کودک همسری؛ ازدواج بیش از ۲۷ هزار دختر زیر ۱۵ سال در یک سال



● مرکز آمار ایران در گزارشی از ازدواج کودکان در ایران اعلام کرده که از زمستان سال ۱۴۰۰ تا پایان فصل پاییز سال ۱۴۰۱، دست کم ۲۷ هزار و ۴۴۸ دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند.

● جمهوری اسلامی ترویج کودک همسری را با توجه به تأکید علی خامنه‌ای برای افزایش جمعیت کشور در دستور کار قرار داده است.

● تشویق به کودک همسری سبب کاهش سن طلاق در ایران شده و میانگین سن طلاق برای متولدان نیمه اول دهه ۸۰ به حدود ۱۵ سال رسیده است.

جدیدترین آمارها از کودک همسری در ایران نشان می‌دهد از زمستان سال ۱۴۰۰ تا پایان فصل پاییز سال ۱۴۰۱، دست کم ۲۷ هزار و ۴۴۸ دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند. مرکز آمار ایران در گزارشی از ازدواج کودکان در ایران اعلام کرده که از زمستان سال ۱۴۰۰ تا پایان فصل پاییز سال ۱۴۰۱، دست کم ۲۷ هزار و ۴۴۸ دختر زیر ۱۵ سال در ایران ازدواج کرده‌اند.

بر اساس این گزارش ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در پاییز ۱۴۰۱ نسبت به تابستان همان سال ۹۳۳ مورد افزایش یافته است. همچنین در بازه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز میزان ازدواج ۵ هزار و ۵۰۰ مورد بیشتر از تابستان ۱۴۰۱ بوده است.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد با وجودی که روند ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در ایران، از سال ۱۳۹۶ سیر نزولی پیدا کرده بود، از سال ۹۸ دوباره به روال قبلی خود بازگشته و سیری صعودی در آن به چشم می‌خورد.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی با تحلیل آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نوشته که نکته مهم ماجرا این است که بیشتر زنان «کودک همسر» در همان سنین پایین مادر می‌شوند و طبق آخرین اعلام سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۰ دست کم ۶۹ هزار و ۱۰۳ نوزاد از مادران گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ ساله متولد شدند و هزار و ۴۷۴ نوزاد از مادرانی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال متولد شده‌اند.

همچنین بر اساس آماری که از شمار موالید سال ۱۴۰۰ در سازمان ثبت احوال (بر حسب سن مادر در زمان تولد) فروردین سال گذشته منتشر شد، در شش ماه و ۱۶ روز نخست سال ۱۴۰۰، تعداد ۷۹۱ کودک از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله متولد شدند. این یعنی نقش والد و تربیت کننده را کسانی به عهده می‌گیرند که خود هنوز در دنیای کودکی بسر می‌برند. استان سیستان و بلوچستان با تولد ۱۲۷ پسر و ۱۲۱ دختر از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله طی سال ۱۴۰۰ در صدر این آمار قرار داشتند. تازه باید توجه داشت که این آمار، متعلق به خانواده‌هایی است که امکان ثبت قانونی و دریافت شناسنامه داشته‌اند. بسیاری از تولدها اصلاً ثبت نمی‌شود.

پس از این استان، به ترتیب استان‌های خوزستان با تولد ۴۸ پسر و ۴۴ دختر، خراسان رضوی با تولد ۳۶ پسر و ۲۹ دختر قرار داشته و در رده‌های بعدی استان گلستان با تولد ۲۵ پسر و ۲۱ دختر، استان کرمان با تولد ۲۳ پسر و ۲۲ دختر قرار گرفته‌اند. همچنین استان آذربایجان شرقی با تولد ۲۵ پسر و ۱۰ دختر در صدر آمار کودکانی است که از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله متولد شده‌اند. خراسان جنوبی با تولد یک پسر کمترین کودکان از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله را دارد. پس از آن، کهگیلویه و بویر احمد و قم هر کدام با تولد یک دختر و ایلام با تولد

دو دختر، استان‌هایی هستند که کمترین کودکان از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله در آنجا متولد شده‌اند.

پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودکان ازدواج کودکان را به شدت محکوم کرده و غیرحقوقی می‌داند. این پیمان‌نامه، افراد زیر ۱۸ سال را در رده کودک تعریف می‌کند. اما مقامات حکومت جمهوری اسلامی می‌گویند منع ازدواج در سن ۹ سالگی برای دختران و ۱۵ سالگی برای پسران را مطابق با شرع می‌داند و آن را قانونی کرده است.

با اینهمه جمهوری اسلامی ترویج کودک همسری را با توجه به تأکید علی خامنه‌ای برای افزایش جمعیت کشور در دستور کار قرار داده و با آغاز بکار دولت ابراهیم رئیسی در تابستان ۱۴۰۰ تشویق به کودک همسری به طور سازمانیافته ادامه پیدا کرده است.

ژاله شادی‌طلب جامعه‌شناس و مدیر اسبق گروه مطالعات زنان دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «اعتماد» از پاسخگو نبودن مسئولان در این زمینه انتقاد کرد و گفت که معاونت امور زنان باید در این زمینه با پاسخگو باشد و یا مجبور به پاسخگویی شود، چرا که کودک همسری بارها از پیامدهای منفی زیان باری برای کلیت جامعه دارد.

انسبه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اما از مدافعان کودک همسری است. او که خودش از قربانیان کودک همسری بوده چند ماه پس از آغاز بکار در این معاونت گفته بود: «اگر بخواهم ازدواج زیر ۱۸ سال را محکوم کنم باید خودم را محکوم کنم، چون زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌ام اما الان معتقد نیستم که زمانی که ازدواج کردم بالغ نبودم و قدرت مدیریت زندگی را نداشتم.»

انسبه خزعلی در اردیبهشت سال گذشته در مراسم افطار با دختران ۹ ساله که اصطلاحاً «روزه اولی» نامیده می‌شوند، گفته بود: «از اکنون برای زندگی و خانواده‌ای که می‌خواهید تشکیل دهید، برنامه‌ریزی داشته باشید تا پرورش‌دهنده شهید سلیمانی‌ها باشید!»

این جملات او با موجی از واکنش منفی از سوی مردم همراه شد اما او نه تنها از گفته‌هایش عقب‌نشینی نکرد بلکه توضیح داده بود که «باید در جامعه و خانواده به مزیت نسبی که دختران دارند و عنایتی که خدا به دختران

کرده تأکید شود. شغل مادری چیز کمی نیست، مادری با تولید مثل متفاوت است. مادری یک مقام مقدس است که می‌تواند تأثیرگذار باشد.»

عادی‌نمایی ازدواج کودکان ۹ ساله توسط معاون دولت «قاضی مرگ» با هدف به دنیا آوردن «سلیمانی‌ها!» تشویق به کودک همسری سبب کاهش سن طلاق در ایران شده است. روزنامه «شرق» فروردین سال گذشته در گزارشی از وضعیت هولناک طلاق در ایران، از کاهش میانگین سن طلاق زنان متولد دهه هشتاد خبر داده بود که در نیمه اول و دوم دهه ۷۰ به ترتیب ۲۲ سال و ۱۸ سال بوده ولی در نیمه اول دهه ۸۰ به حدود ۱۵ سال رسیده است.

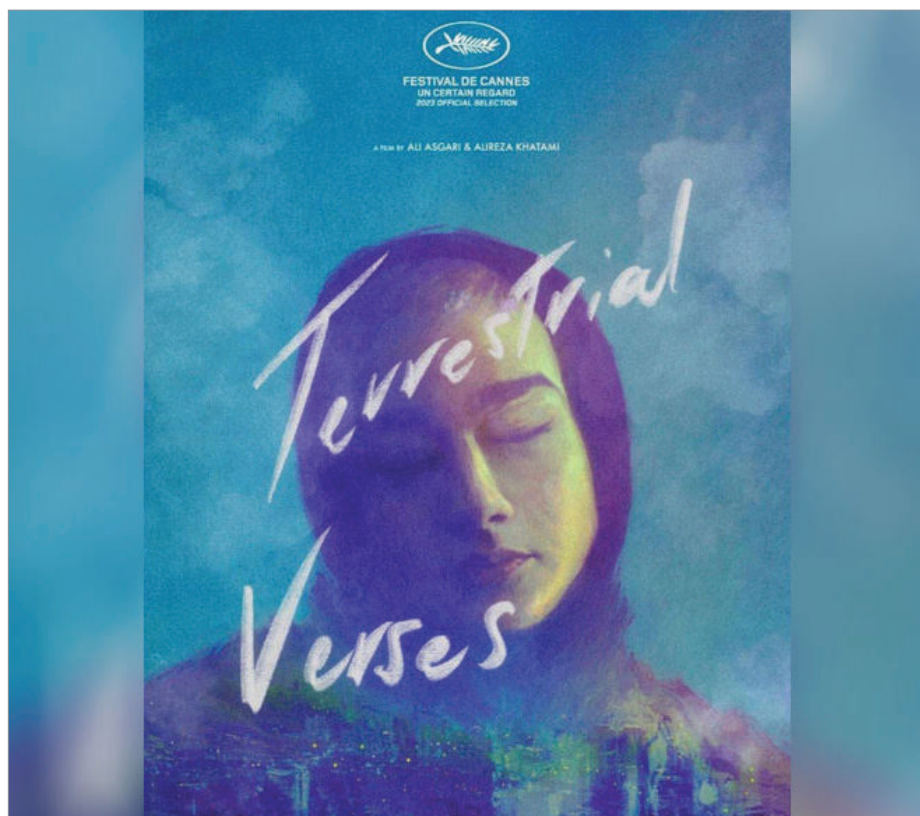
آنچه آمارهای طلاق دو دهه گذشته ثبت احوال نشان می‌دهد، این است که میانگین سن طلاق در متولدان دهه ۵۰ حدود ۳۱ سال و در دهه ۶۰ حدود ۳۰ سال بوده است. با این حال میانگین سن طلاق برای متولدان نیمه اول و دوم دهه ۷۰ به ترتیب ۲۲ سال و ۱۸ سال و برای نیمه اول دهه ۸۰ به حدود ۱۵ سال رسیده است.

به نوشته «شرق»، در مورد حداقل پنج سال اخیر می‌توان گفت آمار طلاق در این رده سنی تا حدودی کاهش یافته است. در سال ۹۶ تعداد دختران کمتر از ۱۵ سال طلاق گرفته یک هزار و ۴۸ مورد بوده که این رقم در سال ۹۹ مورد رسیده و تا پایان پاییز ۱۴۰۰ بیش از ۶۱۰ مورد بوده است. همچنین تعداد دختران طلاق گرفته در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال در سال ۹۶، بیش از ۱۶ هزار و ۷۹۰ مورد بوده که این عدد در سال ۹۹ به ۱۴ هزار و ۲۱۶ مورد رسیده است.

این رقم تا پایان پاییز ۱۴۰۰ به ۱۰ هزار و ۵۵۵ مورد رسید. در واقع این تعداد قابل توجه از دختران گروه سنی بین ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ که عموماً بین سه گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال ازدواج کرده‌اند، تبدیل به شگفتی آمار طلاق در نیمه دوم دهه ۸۰ تا امروز شده‌اند.

به اعتقاد کارشناسان و روانشناسان، گسترش رسانه‌های جمعی، افزایش زمینه‌های ارتباطات اجتماعی و منابع اطلاعاتی موجود در جامعه و همچنین آگاهی نسبت به حقوق خود و به ویژه در میان زنان، موجب شده کودکان و نوجوانان بسیار زودتر از زمان گذشته به بلوغ فکری و جسمی برسند.

سینمای اعتراضی ایران در جشنواره کن



تهیه‌کننده، سیده فارسی و میلاد عالمی کارگردان، عسل باقری پژوهشگر و محقق و سحر باقری از مدیران کمپانی آمازون از جمله کسانی بودند که در این نشست رشته سخن را به دست گرفتند. این سینماگران از شرایط فعلی سینمای ایران، از سانسور و تأثیر اعتراض‌های اخیر بر سینما گفتند، و خواستار همراهی سینمای جهانی و جشنواره‌ها در بازتاب شرایط سینماگران ایرانی شدند.

- این سینماگران همراه با برخی از همکاران غیرایرانی خود و تی‌بری فرمو مدیر جشنواره سینمائی کن در اعتراض به اعدام‌ها در جمهوری اسلامی بر فرش قرمز این جشنواره نیز حضور یافتند. این مراسم به ابتکار «کانون فیلمسازان مستقل ایران» برگزار شد. «کانون فیلمسازان مستقل ایران» که پس از اعتراض‌های اخیر اعلام موجودیت کرده است، در بازار جشنواره سینمائی کن علاوه بر فیلم بلند «من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» ۱۳ فیلم دیگر از جمله ۹ فیلم کوتاه و یک فیلم انیمیشن را نیز عرضه کرده که همگی آنها بدون رعایت قوانین سانسور جمهوری اسلامی ساخته شده‌اند.

«من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» از جمله بدون رعایت حجاب اجباری برای بازیگران زن در داخل ایران ساخته شده است. داستان این فیلم درباره زن جوانی است که تصمیم می‌گیرد خانه‌اش را در اختیار یک گروه فیلمسازی قرار دهد که قصد تولید فیلم کوتاهی درباره پایان رابطه یک زن و مرد دارند. در این فیلم ۱۰۱ دقیقه‌ای، زنان بازیگر در بسیاری از صحنه‌ها حجاب ندارند. کارگردان این فیلم فرشاد هاشمی است که در گذشته در چندین فیلم موفق به عنوان دستیار کارگردان کار کرده است. فرزند پاک از تهیه‌کنندگان فیلم «شیطان وجود ندارد» محمد رسول‌اف نیز یکی از تهیه‌کنندگان این فیلم است.

این فیلم است. نکته جالبی که در این فیلم مخاطب با آن مواجه می‌شود مقاومت و ایستادگی شهروندان در برابر خواسته‌های چهره‌های «ناشناس» است. البته در «آیه‌های زمینی» درگیری هنرمندان با سانسور اعمال شده توسط جمهوری اسلامی نمی‌توانست مطرح نشود. چانه‌زنی یک سینماگر بر سر فیلمنامه‌ی پیشنهادی‌اش با مسئولی در بخش‌های مدیریت فرهنگی به روشنی سایه‌ی سنگین بیش از چهار دهه محدودیت کامل بر هرگونه خلاقیت هنری را نشان می‌دهد.

مجید صالحی، گوهر خیراندیش، فرزین محدث، صدف عسگری، حسین سلیمانی، فائزه راد، بهرام ارک، سروین ضابطیان، ارغوان شعبانی و اردشیر کاظمی بازیگران فیلم سینمایی «آیه‌های زمینی» هستند. مدیریت فیلمبرداری «آیه‌های زمین» را ادیب سبحانی و تدوین آنرا احسان واتقی بر عهده داشته است. البته رسانه‌های حکومتی بیش از آنکه به محتوای انتقادی این فیلم بپردازند، از حضور بدون حجاب صدف عسگری روی فرش قرمز جشنواره کن نوشتند.

در پنجمین روز ۱۶امین جشنواره سینمائی کن گروهی از سینماگران ایرانی در نشستی با نمایش تصاویر سه معترضی که به تازگی در اصفهان اعدام شدند به گسترش موج اعدام‌ها در جمهوری اسلامی اعتراض کردند. در آغاز این نشست که با عنوان «سینما و ایران: یک صدای اجتماعی بنیادین» برگزار شد، حاضرین به احترام مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی، سه معترضی که بامداد ۲۹ اردیبهشت اعدام شدند، یک دقیقه سکوت کردند. زر امیرابراهیمی بازیگر شناخته شده، کاوه فرنام

«آیه‌های زمینی» تنها فیلمی که از ایران به کن راه یافته است، در ۹ قسمت یا اپیزود تصویری از درگیری شهروندانی از سنین و قشرهای مختلف با آنچه از سوی حکومت و جامعه بر آنها تحمیل شده ارائه می‌دهد.

● نکته جالبی که در این فیلم مخاطب با آن مواجه می‌شود مقاومت و ایستادگی شهروندان در برابر خواسته‌های چهره‌های «ناشناس» است. البته در «آیه‌های زمینی» درگیری هنرمندان با سانسور اعمال شده توسط جمهوری اسلامی نمی‌توانست مطرح نشود.

● در پنجمین روز ۱۶امین جشنواره سینمائی کن گروهی از سینماگران ایرانی در نشستی با نمایش تصاویر سه معترضی که به تازگی در اصفهان اعدام شدند به گسترش موج اعدام‌ها در جمهوری اسلامی اعتراض کردند.

● «کانون فیلمسازان مستقل ایران» که پس از اعتراض‌های اخیر اعلام موجودیت کرده، در بازار جشنواره سینمائی کن علاوه بر فیلم بلند «من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» ۱۳ فیلم دیگر از جمله ۹ فیلم کوتاه و یک فیلم انیمیشن را نیز عرضه کرده که همگی آنها بدون رعایت قوانین سانسور جمهوری اسلامی ساخته شده‌اند.

احمد رأفت - تنها فیلمی که از ایران به جشنواره سینمائی کن راه یافته است، در بخش «نوعی نگاه» اکران شد. فیلم ۷۷ دقیقه‌ای «آیه‌های زمینی» کار مشترک علی عسگری و علیرضا خاظمی است و سه‌شنبه دوم خرداد در جشنواره کن اکران شد، این فیلم که ۹ قسمت یا اپیزود را شامل می‌شود تصویری از درگیری شهروندانی از سنین و قشرهای مختلف با آنچه از سوی حکومت و جامعه بر آنها تحمیل شده است ارائه می‌دهد. علیرضا خاظمی یکی از کارگردانان فیلم «آیه‌های زمینی»، نامی که از شعری با همین عنوان از فروغ فرخزاد به عاریت گرفته شده، پس از اکران این فیلم در جشنواره کن گفت که آنها خواسته‌اند «گوشی برای شنیدن» آنچه باشند که پس از شهریور ۱۴۰۱ در ایران گذشت.

در این فیلم شخصیت‌های «آیه‌های زمینی» در مقابل دوربین قرار دارند ولی با کسانی سرگرم بحث و مجادله هستند که چهره‌های آنها دیده نمی‌شود. این چهره‌های «ناشناس» کسانی هستند که در موقعیت‌های متفاوت تلاش بر اعمال خواسته‌ها و سیاست‌های حکومت را دارند.

ریاکاری و مداخله آشکار در زندگی روزانه مردم، خصوصیت مشترک این چهره‌های «ناشناس» است. از جمله این چهره‌های ناشناس، به عنوان مثال، می‌توان از کارمند اداره ثبت احوال نام برد که در پیروی از سیاست‌های نظام حاکم به درخواست ثبت نام فرزند یک پدر جوان مخالفت می‌کند زیرا نام مورد علاقه او در فهرست نام‌های مورد قبول جمهوری اسلامی قرار ندارد.

البته در این دورانی که انقلاب «زن، زندگی، آزادی» جریان دارد، این فیلم نمی‌توانست یک چهره «ناشناس» را در لباس مدیر مدرسه‌ای که دختری را به خاطر صحبت کردن با یک پسر مواخذه می‌کند، انتخاب نکند. مسئله حجاب اجباری هم در این فیلم گنجانده شده است. رفتار آزاردهنده یک مامور پلیس راهنمایی با زنی که سرنشینان اتومبیل‌اش بی حجاب هستند، یکی دیگر از چهره‌هایی است که پشت به دوربین قرار دارد. دختر ۹ساله‌ای که در مخالفت با حجاب اجباری برای آماده‌شدن جهت حضور در «جشن تکلیف»، مقتعه خود را پس می‌زند نیز یکی دیگر از نکات قابل توجه

فدرالیسم در ایران: راهی به سوی دموکراسی یا فروپاشی؟ (بخش دو)

برخی بر این باورند که اکثر کشورهای وسیع جهان دارای سیستم فدرال هستند. این باور صحیح نیست. از بیست کشور بزرگ جهان، تنها ۹ کشور (۴۵٪) دارای سیستم فدرال و بقیه کشورهای تک‌ساخت هستند.

این روزها اگرچه برخی کشورهای تک‌ساخت نظیر بلژیک و اتریش به سوی سیستم فدرال حرکت کرده‌اند، می‌توان گفت که گروه‌هایی که در این کشورها به فدرالیسم باور داشته‌اند، نه سوابق جدایی‌طلبانه از خود نشان داده‌اند و نه برای اجرای مقاصد جدایی‌طلبانه‌ی خود، حسب مورد، به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت روی آورده‌اند. بنابراین خواست سیستم فدرال در این کشورها با سوء تفاهم همراه نبوده است. با وجود این، نباید فراموش کرد که حتی در کشوری نظیر بلژیک، که هواخواهان فدرالیسم در آن کشور تجزیه‌طلب نبوده و دست‌شان به خون بی‌گناهان آلوده نیست. پس از ایجاد سیستم فدرال، مصیبت‌ها و گرفتاری‌های بسیاری از حیث زندگی روزمره گریبان شهروندان را گرفته است. کشور کوچکی نظیر بلژیک امروزه با تنوع قوانین مواجه است. گاه ممکن است یک سوی خیابان دارای یک قانون و سوی دیگر خیابان دارای قانونی دیگر باشد. برخی مناطق به زبان فرانسه، برخی دیگر به زبان آلمانی و برخی دیگر به زبان هلندی گفتگو می‌کنند و اگر یک بلژیکی بخواهد بخت خود را برای پیدا کردن کار در این کشور افزایش دهد، راهی جز آموختن دو زبان رسمی دیگر و تسلط بر هر کدام از آنها ندارد. بنابراین ناگزیر است وقتی را که می‌تواند برای آموختن علوم دیگر بگذارد، تنها و سال‌ها به آموختن زبان اختصاص دهد. آنهم معلوم نیست که آیا بتواند در میان گروه‌های زبانی دیگر پذیرفته شود و کار مورد نظر خود را پیدا کند یا نه وضعیت برای اغلب مهاجرین به این کشور به مراتب بدتر است؛ برای اینکه آنها باید بجای دو زبان، سه زبان را بطور کامل بیاموزند. در کشور سودان که نخست یک کشور تک‌ساخت بود، تأسیس سیستم فدرال در سال ۲۰۰۵، متعاقب جنگ داخلی این کشور، به تجزیه‌ی کامل سودان در سال ۲۰۱۱ انجامید. همچنین هنوز دو سال از فدرال شدن کشور اتیوپی نگذشته بود که در سال ۱۹۹۳، اریتره از آن کشور مستقل شد.

همین سناریو قرار بود در مورد عراق هم اجرا شود که به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک آن کشور تا کنون اجرا نشده است. مشکلات کشورهای اتیوپی و سودان پس از تجزیه‌ی این کشورها، نه تنها حل نشده، بلکه بطور روزانه رو به افزایش است و علاوه بر آن، بی‌نظمی و جنگ داخلی نیز در آن کشورها فراگیر شده است. در اریتره و سودان جنوبی نیز که از این کشورها مستقل شده‌اند، نه تنها وضعیت حقوق بشر و دموکراسی فاجعه‌بار است، بلکه از نظر اقتصادی، از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌روند. اریتره و سودان جنوبی، حتی در مقایسه با کشورهای اتیوپی و سودان، وضع رقت‌آورتری دارند. اگرچه تمامی این کشورها، در رده‌بندی «خانه آزادی» جزو کشورهای غیرآزاد به شمار می‌آیند، وضعیت سودان جنوبی با امتیاز ۱، به مراتب بدتر از وضع سودان با امتیاز ۱۰ است؛ همچنین وضعیت اریتره با امتیاز ۳، به مراتب رقت‌انگیزتر از وضع اتیوپی با امتیاز ۲۱ است. در مورد توسعه‌ی اقتصادی نیز وضعیت سودان جنوبی- که در گزارش‌های توسعه‌ی انسانی سازمان

ندارد. می‌توان بسیاری از رژیم‌های متمرکز غیرفدرال را مثال زد که توسعه‌یافته هستند. قاعده‌ی جهانشمولی که نشان دهد نسبتی میان فدرالیسم و توسعه، یا فدرالیسم و دموکراسی وجود دارد، وجود ندارد! اولین بار که از ایران «چندملیتی» نام برده شد، در کنگره دوم «حزب کمونیست ایران» میراث‌دار «حزب عدالت» بود که در بندر انزلی آغاز شد و از آنجا بود که میراث شوم «ملیت‌های ایران» در برابر ملت واحد ایران قرار داده شد. اکنون چندین کشور را می‌توان یافت که پس از ایجاد فدرالیسم، به وضعیتی رسیده‌اند که صورت‌بندی کنونی آنها با تجزیه فاصله‌ای ندارد. دو کشور شکست‌خورده‌ی سودان و عراق از جمله این کشورها هستند.

در حال حاضر (سال ۲۰۲۳)، ۲۷ کشور از ۱۹۱ کشور جهان (۱۴٫۱٪ از کشورهای جهان)، دارای سیستم فدرال هستند که از این کشورها، ۶ کشور در اروپا، ۶ کشور در آفریقا، ۲ کشور (استرالیا و میکرونزی) در اقیانوسیه، ۷ کشور در آمریکا و ۶ کشور در آسیا هستند. برابر آمار «خانه آزادی» (freedom house) تنها ۱۱ کشور از ۲۷ کشور یادشده (یعنی ۴۰٫۷٪)، در زمره‌ی کشورهای آزاد هستند. از این ۱۱ کشور، تنها ۳ کشور آرژانتین، برزیل و سنت کیتس و نویس (Saint Kitts and Nevis) از قاره‌های اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه نیستند. ۸ کشور از ۲۷ کشور فدرال (یعنی ۲۹٫۶٪)؛ یعنی اتیوپی، امارات عربی متحده، روسیه، سودان، سودان جنوبی، سومالی، عراق و ونزوئلا در زمره‌ی کشورهای غیرآزاد محسوب می‌شوند و وضعیت حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در آنها فاجعه‌بار است. [۱]

«خانه آزادی» همچنین وضعیت آزادی اینترنت را در ۱۸ کشور از ۲۷ کشور فدرال مورد ارزیابی قرار داده است. از این ۱۸ کشور، تنها ۵ کشور (۲۷٫۷٪) دارای اینترنت آزاد هستند که از این ۵ کشور، تنها یک کشور (آرژانتین) جزو کشورهای اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه نیست. همچنین ۶ کشور، سودان و ونزوئلا دارای اینترنت غیرآزاد هستند و در آنها موانع دسترسی به وبسایت‌ها، محدودیت محتوا و موارد نقض حقوق کاربران اینترنت بسیار است. [۲]

بر اساس گزارش‌های توسعه‌ی انسانی سازمان ملل متحد، تنها ۵ کشور (سوئیس، استرالیا، آلمان، بلژیک و کانادا) از ۲۰ کشوری که بالاترین شاخص توسعه‌ی انسانی را در ۱۹۱ کشور جهان دارند (۲۵٪)، فدرال هستند و تمامی این کشورها در قاره‌های اروپا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی قرار دارند. وضعیت توسعه‌ی انسانی در کشورهای فدرال اتیوپی (رتبه‌ی ۱۷۵)، پاکستان (رتبه‌ی ۱۶۱)، سودان (رتبه‌ی ۱۷۲)، کومور (رتبه‌ی ۱۵۶)، نیجریه (رتبه‌ی ۱۶۳)، سومالی (با اینکه رتبه‌ی آن اعلام نشده) و سودان جنوبی (رتبه‌ی ۱۹۱) که در قعر جدول قرار دارد، فاجعه‌بار است. همچنین وضعیت توسعه‌ی انسانی در کشورهای فدرال ونزوئلا (رتبه‌ی ۱۲۰)، عراق (رتبه‌ی ۱۲۱)، هند (رتبه‌ی ۱۳۲)، میکرونزی (رتبه‌ی ۱۳۴) و نیپال (رتبه‌ی ۱۴۳) نیز وضعیتی غیرقابل قبول است.

به این ترتیب بر اساس شواهد عینی و فکت‌ها، وضعیت ۱۲ کشور از ۲۷ کشوری که دارای سیستم فدرال هستند (۴۴٪ آن کشورها) از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی، غیرقابل قبول یا فاجعه‌بار است. [۳]

● «تفکیک میان مردم ایران، کار آسانی نیست. این امر نه تنها مطلوب و شدنی نیست، بلکه نسبتی هم با توسعه ندارد. می‌توان بسیاری از رژیم‌های متمرکز غیرفدرال را مثال زد که توسعه‌یافته هستند. قاعده‌ی جهانشمولی که نشان دهد نسبتی میان فدرالیسم و توسعه، یا فدرالیسم و دموکراسی وجود دارد، وجود ندارد!»

● «اگرچه سیستم فدرال برای ایران مناسب نیست، اما بسیاری از گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم برای ایران سخن می‌گویند؛ اما برخلاف آنچه به آن تظاهر می‌کنند، درجه‌ی خودمختاری بیشتری از سیستم فدرال برای خود می‌خواهند و به دنبال ایجاد نظامی شبیه به نظام کنفدرال در ایران هستند تا در موقع مناسب استقلال مناطق مورد نظر خود را عملی سازند چرا که اگر طرح استقلال در ابتدا و با شفافیت مطرح شود، مورد استقبال مردم ایران از جمله اقوامی که این احزاب و گروه‌ها ادعای نمایندگی آنها را دارند قرار نمی‌گیرد. تجربه‌های سمکو، قاضی محمد و پیشه‌وری که به دنبال جدایی بودند و عدم حمایت مردم از آنها، به تجزیه‌طلبان نشان داده است که اگر از ابتدا به تجزیه‌طلبی روی آورند، با شکستی فاحش در میان همه مردم ایران و اقوام خود مواجه خواهند شد. مردمی که با عشق به ایران، در سراسر میهن، شعارهایی نظیر «از کردستان تا تهران جانم فدای ایران» سر داده‌اند، کوچکترین اقبالی به گروه‌های قوم‌گرا نشان نخواهند داد.»

امیرعباس امیرشکاری - در بخش نخست این مطلب به جایگاه و مفهوم و محتوای فدرالیسم، منظور گروه‌های قوم‌گرا از این سیستم مدیریت و سوابق این گروه‌ها پرداخته شد. در بخش دوم و پایانی، رابطه فدرالیسم با مفهوم دموکراسی و حقوق بشر و توسعه بررسی می‌شود. هدف از نوشتن این جستار آن است که نشان داده شود برقراری سیستم فدرال، نه تنها منافع ملی ایران را تأمین نمی‌کند، بلکه به نفع نواحی نیز که خودمختاری آنها مطالبه می‌شود نخواهد بود و حقوق بشر و دموکراسی در آن نواحی نیز برقرار نخواهد شد. پس ضرورت نوشتن این جستار آن است که ایرانیان بدانند طرح برقراری چنین نظامی تنها در راستای ایجاد چنددستگی، انحراف و به بیراهه بردن جنبش دموکراتیک ملت ایران برای کسب آزادی و استقرار حقوق بشر در ایران است.

نسبت فدرالیسم با دموکراسی، حقوق بشر و توسعه

در ایران طرح مواردی نظیر اقلیت و اکثریت قومی چندان علمی نیست. از لحاظ جامعه- و جمعیت‌شناسی میان گروه‌های ایران فاصله‌ی اجتماعی/ جغرافیایی شاخص وجود ندارد:

در خوزستان، لرها و عرب‌ها و بختیاری‌ها در هم تنیده هستند

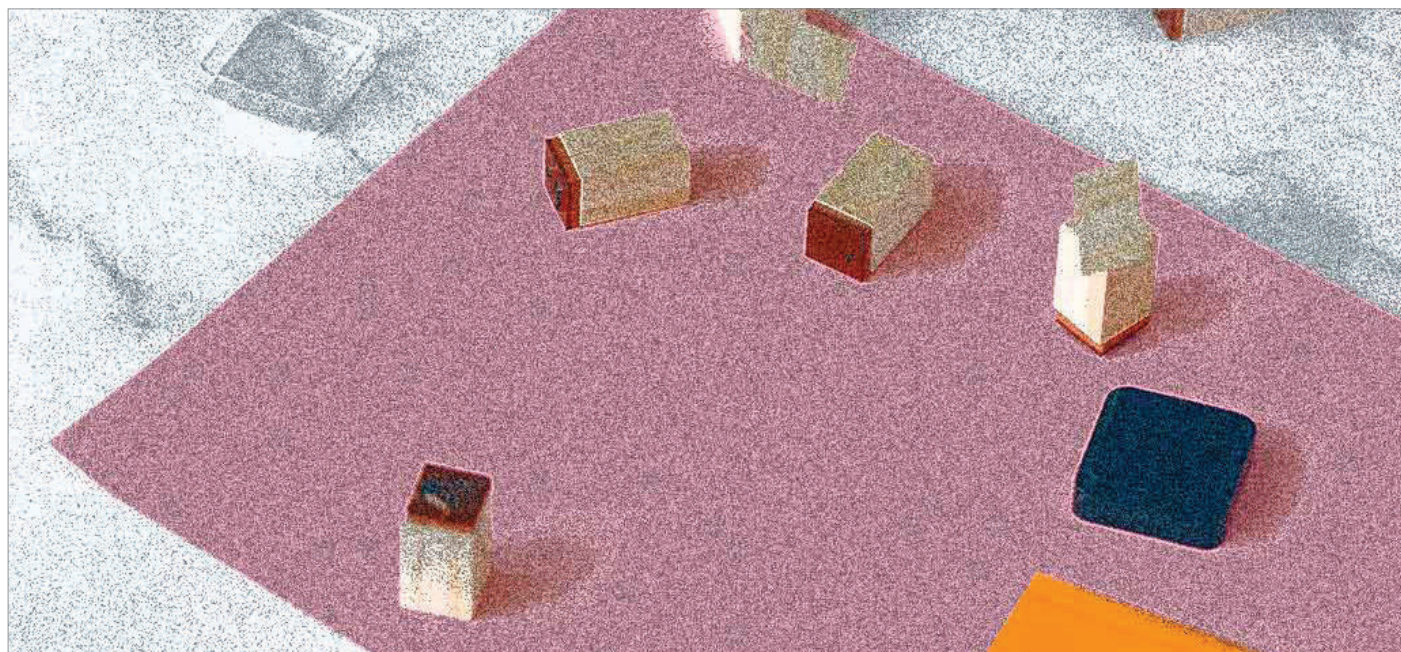
در آذربایجان غربی، کردها و آذربایجانی‌های ترک‌زبان با هم به گونه‌ای در هم تنیدگی دارند که قابل تفکیک نیست. این قاعده در استان گلستان، سیستان و بلوچستان و سایر نقاط ایران نیز حاکم است.

پس تفکیک میان مردم ایران، کار آسانی نیست. این امر نه تنها مطلوب و شدنی نیست، بلکه نسبتی هم با توسعه

اضافی بپذیرد. امتیازات بیشتر دیگری نیز به مناطق و استان‌ها داده شد. بنابراین کشور فدرال عراق پس از توافق کامل میان نیروهای سیاسی با گرایش‌های مختلف پا به عرصه‌ی وجود نهاد و نیروهای سیاسی- از جمله احزاب قوم‌گرا- توافق کردند

دیگر هیچ راهکاری برای حل معضل مربوطه وجود نداشته باشد، با جدایی از آن کشور، کشوری جدید تشکیل دهد تا حق پایمال شده‌اش جبران شود. [۵]
مبنای قانونی نظریه‌ی «جدایی چاره‌ساز»، قطعنامه‌ی

→ ملل متحد (UNDP) در رده‌ی ۱۹۱ و در قعر جدول این سازمان قرار دارد- به مراتب خراب‌تر از وضعیت سودان است که در رده‌ی ۱۷۲ قرار دارد. همچنین وضعیت توسعه‌ی انسانی در اتیوپی با اینکه کشوری محصور در خشکی و دارای



به تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی عراق وفادار باشند. این قانون اساسی عراق که حاصل توافق نیروهای سیاسی و احزاب قوم‌گرای این کشور است، مقرر می‌دارد که جمهوری عراق، کشوری فدرال، مستقل و کاملاً حاکم است که قانون اساسی آن، ضامن وحدت این کشور خواهد بود (اصل نخست). به موجب این قانون، مقامات فدرال باید وحدت، یکپارچگی، استقلال و حاکمیت عراق و نظام دموکراتیک فدرال آن را حفظ کنند (اصل ۱۰۹). علاوه بر این، در هیچ‌کدام از اصول قانون اساسی این کشور نیامده است که مناطق- از جمله منطقه‌ی خودمختار کردستان- حق جدایی از کشور عراق را دارند. با وجود این و در میان بهت و حیرت همگان، هنوز تشکیل کشور فدرال عراق به ۱۳ سال نرسیده بود که در ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۱۷، حدود دو ماه و نیم مانده به پایان جنگ داخلی عراق (۲۰۱۷-۲۰۱۳)، در حالی که هنوز کشتار در این کشور ادامه داشت، مسعود بارزانی رئیس وقت اقلیم کردستان، فرماندوم غیرقانونی استقلال کردستان عراق را برگزار کرد و پس از آن اعلام کرد که ۹۲٫۷۳٪ شرکت‌کنندگان در این فرماندوم غیرقانونی، به استقلال ناحیه‌ی کردستان عراق رأی داده‌اند. با اینکه عراق بر اثر جنگ به شدت ضعیف شده بود، فرماندوم غیرقانونی را نپذیرفت و پس از لشکرکشی به اقلیم کردستان، ۲۰٪ از خاک آن از جمله میدان‌های نفتی کرکوک را تسخیر کرد که این نواحی، هنوز هم در تصرف نیروهای عراق قرار دارد. البته عامل بسیار مهم در این ناکامی بارزانی، یعنی عدم پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از تشکیل کشور مستقل کردستان و مخالفت شدید برخی کشورهای منطقه از جمله ایران، ترکیه، سوریه و حتی عربستان [۹] را نمی‌توان نادیده گرفت. این اتفاقی است که اگر روزگاری گروه‌های قوم‌گرا در ایران قدرتی به دست آورند، در سنجش رقم خواهند زد و نقاب فدرالیسم و حقوق بشر را به کنار خواهند نهاد؛ کما اینکه تاریخ گروه‌های قوم‌گرا نیز دقیقاً همین نظریه را تأیید می‌کند. زمانی که عراق به یک کشور فدرال تبدیل می‌شد، کسانی بودند که با ساده‌لوحی تمام می‌گفتند عراق پس از طی یک دوره‌ی طولانی استبداد به واسطه‌ی ایجاد یک ساختار

شماره‌ی ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان «بیانیه اصول حقوق بین‌الملل درباره‌ی روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها با منشور ملل متحد» (۱۹۷۰) است که مفاد آن به تعبیر دیوان بین‌المللی دادگستری به حد یک قاعده‌ی عرفی رسیده است. [۶] اما در همان قطعنامه هم آمده است که این قطعنامه «مشوق تجزیه یا خدشه‌دار کردن جزئی یا کلی تمامیت ارضی... کشورهای حاکم و مستقل نخواهد بود». پس اصل، حفظ تمامیت ارضی است و از این بند استنباط نمی‌شود که اگر کشورهایی مطابق با اصول حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم رفتار نکنند، بتوانند هدف تجزیه قرار گیرند. [۷] به بیان دیگر، کشور ناقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل موظف است، در وهله‌ی نخست، چنانچه نقض تعهد ادامه داشته باشد، آن را متوقف کند و در مراحل بعد، تخلفاتش را از طریق اعاده‌ی وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و در صورت ضرورت و امکان، جلب رضایت زیان‌دیده جبران کند. پس توجیه نظریه‌ی «جدایی چاره‌ساز» حتی در صورت نقض فاحش حقوق بین‌الملل توسط حکومت یک کشور، با چالش‌های فراوان روبروست. [۸] علاوه بر این، هیچ سند معتبری وجود ندارد که نشان دهد دولت‌های ایران، پیش و پس از انقلاب ۵۷، حقوق «اقوام» را به گونه‌ای فاحش نقض کرده باشند.

رفراندوم غیرقانونی بارزانی و وضعیت حقوق بشر در کردستان عراق

در سال ۲۰۰۵ میلادی، دو سال پس از اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و متحدانش، این کشور، از یک کشور تک‌ساخت، به کشور فدرال عراق تبدیل شد. قانون اساسی عراق، تمامی حقوقی را که احزاب قوم‌گرای این کشور خواسته بودند بطور کامل به آنها اعطا کرد از جمله اینکه در اصل چهارم مقرر داشت زبان رسمی عراق، عربی و کردی است و تمامی اقوام عراق حق دارند در این کشور، به زبان مادری تحصیل کنند. در صورتی که اکثریت جمعیت یک منطقه یا استان، در یک همه‌پرسی عمومی تصمیم بگیرند، هر منطقه یا استان می‌تواند هر زبان محلی دیگری را به عنوان زبان رسمی

محدودیت‌های فراوان از حیث منابع است با رتبه‌ی ۱۷۵، یک رتبه بالاتر از وضعیت اریتره است که در کنار دریا قرار دارد و از لحاظ ژئوپولیتیک نسبت به اتیوپی موقعیتی بهتر دارد. [۴]

حق تعیین سرنوشت

مفهوم دیگری که برخی قوم‌گرایان آن را به عنوان مستمسکی برای توجیه سیستم فدرال مطرح می‌کنند، «حق تعیین سرنوشت» (the right to self-determination) است. این در حالیست که حق تعیین سرنوشت، کوچک‌ترین ارتباطی به برقراری «سیستم فدرال» در داخل یک کشور ندارد و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که موضوع ایجاد یک موجودیت مستقل از کشوری که سابق بر آن وجود داشته- بدون رضایت آن کشور- مورد نظر باشد.

حق تعیین سرنوشت دارای دو مفهوم است: حق تعیین سرنوشت داخلی و حق تعیین سرنوشت خارجی. حق تعیین سرنوشت داخلی، به معنای آن است که مردم داخل یک سرزمین حق داشته باشند آزادانه نظام سیاسی حاکم بر آن سرزمین را تعیین کنند؛ اما حق تعیین سرنوشت خارجی، ناظر بر تشکیل یک کشور جداگانه است؛ یعنی با آن می‌توان بخشی از قلمرو یک کشور موجود را جدا کرد و کشوری جدید تشکیل داد.

حق تعیین سرنوشت خارجی بطور سنتی مربوط به حق مردم تحت استعمار در مقابل کشور استعمارگر و حق مردم تحت اشغال خارجی، در مقابل کشور اشغالگر است. اما با تحولات اخیر، نظیر جدایی کوزوو از صربستان و جدایی سودان جنوبی از سودان، به نظر می‌رسد که مفهوم سنتی حق تعیین سرنوشت دچار دگرگونی گشته است.

نظریه‌ی «جدایی جبران‌ساز» یا «جدایی ترمیمی» (remedial secession) که در پرتو تحولات مدرن، پا به عرصه‌ی ظهور نهاده، بدین معناست که وقتی دولت مرکزی، حقوق بنیادین بشری به ویژه تعیین سرنوشت گروهی از مردم ساکن در قلمروش را بطور فاحش و منظم انکار کند، آن گروه می‌تواند، در شرایط و احوال خاص، در صورتی که

مورد استقبال مردم ایران از جمله اقوامی که این احزاب و گروه‌ها ادعای نمایندگی آنها را دارند قرار نمی‌گیرد. تجربه‌های سموکو، قاضی محمد و پیشه‌وری که به دنبال جدایی بودند و عدم حمایت مردم از آنها، به تجزیه‌طلبان نشان داده است که اگر از ابتدا به تجزیه‌طلبی روی آورند، با شکستی فاحش در میان همه مردم ایران و اقوام خود مواجه خواهند شد. مردمی که با عشق به ایران، در سراسر میهن، شعارهایی نظیر «از کردستان تا تهران جانم فدای ایران» سر داده‌اند، کوچکترین اقبالی به گروه‌های قوم‌گرا نشان نخواهند داد. بنابراین نخست باید نظامی شبیه به نظام کنفدرال در ایران ایجاد شود تا با در اختیار گرفتن آموزش و پرورش، رسانه‌های گروهی و تدریس به زبان مادری، ابتدا اندیشه‌های تفرقه‌افکنانه میان مردم ایران القاء شود و هر کس از این اندیشه‌ها سربلایی می‌شود به استناد قوانین محلی و توسط پلیس و نیروهای شبه‌نظامی محلی، سرکوب شود و پس از اینکه این اندیشه‌ها به صورت کاملاً نهادین در میان مردم جا افتاد و عادی‌نمایی شد آنوقت زمان آن فرا خواهد رسید که در یک فرآیند، استقلال هر کدام از این مناطق مطرح شود. بنابراین طرح برقراری سیستم فدرال در ایران، یک توطئه‌ی خطرناک نژادپرستانه، شوونیستی، ضد دموکراتیک و علیه حقوق بشر، برای ایجاد نفرت‌برانگیز، جنگ داخلی و ایجاد حمام خون برای تجزیه‌ی ایران است.

بهبان‌های دیگر گروه‌های قوم‌گرا نیز جهت توجیه برقراری سیستم فدرال در ایران مبنایی ندارد. برخلاف ادعای این گروه‌ها، فدرالیسم نسبتی با برقراری دموکراسی، حقوق بشر و توسعه در ایران و نواحی‌ای که خودمختاری آنها در نظر است، ندارد. بسیاری از کشورهای فدرال نظیر سوئد، سوئیس، ژنوبی، ایتالیایی، سومالی و... هستند که تحت حاکمیت وحشیانه‌ترین نظام‌های دیکتاتوری قرار دارند و دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌ی اقتصادی هستند. همچنین نگاهی به کارنامه‌ی حقوق بشر، دموکراسی و توسعه‌ی اقتصادی در کردستان عراق نشان می‌دهد که وضعیت نواحی‌ای که خودمختاری آنها مطالبه می‌شود، پس از برقراری خودمختاری فاجعه‌بارتر خواهد بود. گروه‌های قوم‌گرا می‌کوشند تا با تمسک به مفهوم «حق تعیین سرنوشت» نخست به فدرالیسم و سپس به نابودی ایران برسند. اما حق تعیین سرنوشت ربطی به فدرالیسم و جدایی استانی از یک کشور موجود ندارد! ایران یک کشور مستقل هزاران ساله است و «حق تعیین سرنوشت» مربوط به تعیین سرنوشت مردمان آن در سیاست داخلی می‌شود و نه جدایی بخشی از آن!

کوتاه سخن آنکه فدرالیسم نه تنها منافع ملت ایران را تأمین نمی‌کند، بلکه پس از مدتی، سبب فروپاشی کشور کهنسال و نابودی ملت تاریخی ایران خواهد شد.

یک روزنامه‌نگار را که برای یکی از رسانه‌های همسو با مخالفان کار می‌کرد، در حین پوشش خبری او درباره حمله‌ی پهباد ترکیه که شبه‌نظامیان پ.ک.ک. را در استان اربیل هدف قرار می‌داد، دستگیر کردند. او روز بعد بدون هیچ اتهامی پس از امضای تعهدی مبنی بر عدم پوشش دیگر حوادث مشابه آزاد شد. در ماه اکتبر، نیروهای «آسایش» دو روزنامه‌نگار را در نزدیکی اربیل بر اساس قانون مبهم «مبارزه با سوء استفاده از دستگاه‌های الکترونیک» مصوب سال ۲۰۰۸ دستگیر کردند. این قانون برای پیگرد افرادی وضع شده که از دستگاه‌های الکترونیک رایج برای ارسال محتوایی که انتقاد از مقامات به نظر می‌رسد استفاده می‌کنند. افراد بازداشت شده، تا پایان ماه آزاد شدند.

دائری علیه صدها عضو «دولت اسلامی» (داعش) و کسانی که مظنون به حمایت از آن بوده‌اند، از جمله پسرانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، در کردستان عراق، بدون اینکه حق محاکمه‌ی عادلانه از جمله حق دفاع کافی داشته باشند - ادامه دارد. در این خصوص، در پی محکومیت‌هایی که عمدتاً بر اساس «اعترافات» توأم با شکنجه بوده، حبس‌های طولانی و احکام اعدام صادر شده است. [۱۲]

همچنین کردستان عراق شاهد افزایش گزارش‌هایی در مورد زنان و دخترانی بوده که توسط اقوام مرد - از جمله به دلیل گرویدن به مذهب متفاوت و یا شناسایی به عنوان زنان تراجنسیتی - کشته می‌شوند. ائتلافی از سازمان‌های زنان، قتل حداقل ۱۶ زن و یک دختر ۱۵ ساله توسط اقوام مرد را تنها در فاصله‌ی ماه‌های ژانویه تا مارس ۲۰۲۲ ثبت کرده‌اند. اعتقاد بر این است که تعداد واقعی کشته‌شدگان، بسیار بیشتر از این رقم است. مقامات نتوانسته‌اند تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه‌ای را در مورد اکثر این قتل‌ها - در یک فضای اجتماعی که قربانیان را مقصر می‌دانند و بی‌اعتنایی قانونگذاران به این موارد - از جمله در رسانه‌های اجتماعی انجام دهند. خشونت خانوادگی علیه زنان فراوان است و هیچ اقدام مؤثری برای محافظت از بازماندگان یا بررسی گزارش‌های خشونت خانگی صورت نمی‌گیرد. [۱۳]

سخن آخر

اگرچه سیستم فدرال برای ایران مناسب نیست، اما بسیاری از گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم برای ایران سخن می‌گویند؛ اما برخلاف آنچه به آن تظاهر می‌کنند، درجه‌ی خودمختاری بیشتری از سیستم فدرال برای خود می‌خواهند و به دنبال ایجاد نظامی شبیه به نظام کنفدرال در ایران هستند تا در موقع مناسب استقلال مناطق مورد نظر خود را عملی سازند چرا که اگر طرح استقلال در ابتدا و با شفافیت مطرح شود،

فدرال به دموکراسی تبدیل خواهد شد. اما این تنها یک گمان بی‌بنیاد بود.

امروز کشور عراق بر اساس داده‌های «خانه آزادی» با فقط ۲۹ امتیاز در زمره‌ی کشورهای غیرآزاد جهان است.

این کشور بر اساس گزارش‌های توسعه‌ی انسانی سازمان ملل متحد، از میان ۱۹۱ کشور جهان، در رتبه‌ی ۱۲۱ قرار دارد.

از سوی دیگر، وضع حقوق بشر در کردستان عراق، فاجعه‌بار است. بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل ۲۰۲۲-۲۰۲۱، دادگاهی در کردستان عراق، پنج کنشگر و روزنامه‌نگار را به دلیل اقدامات مربوط به استفاده‌ی آنها از رسانه‌های اجتماعی و کار روزنامه‌نگاری، بر اساس قوانین مبهم به شش سال حبس محکوم کرد. دولت اقلیم کردستان کوشیده است، این پیگرد‌ها را به بهانه‌ی «امنیت ملی» توجیه کند. [۱۰]

در بحبوحه‌ی تداوم بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌های پراکنده میان کنشگران مسلح، ده‌ها نفر کشته شده و هزاران نفر دیگر به ۱٫۲ میلیون آواره‌ی داخلی پیوسته‌اند.

نیروهای امنیتی اقلیم کردستان، آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز را سرکوب می‌کنند.

مصونیت از مجازات برای قتل‌های غیرقانونی گذشته و همچنین برای شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها همچنان حاکم است.

گزارش‌های خشونت مبتنی بر جنسیت افزایش یافته و این در حالیست که راه‌های حفاظتی که توسط دولت ارائه شده، در حداقل اندازه‌ی ممکن است.

با وجود اینکه در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲، لایحه‌ای در پارلمان کردستان عراق ارائه شد تا حمایت آشکار از حقوق دگرباشان جنسی را جرم‌انگاری کند، حقوق دگرباشان جنسی کماکان در معرض تهدید قرار دارد.

صدها هزار نفر از آوارگان داخلی همچنان برای دسترسی به خدمات حیاتی و بازگشت آبرومندانه و ایمن به مناطق اصلی خود با موانعی مواجه هستند.

دادگاه‌ها پس از محاکمه‌های ناعادلانه به صدور احکام اعدام ادامه می‌دهند.

مقامات نتوانسته‌اند جوامع به حاشیه رانده شده را که به دلیل خشکسالی، امواج گرما و تداوم توفان‌های شن، متضرر شده‌اند، حمایت کنند. [۱۱]

نیروهای امنیتی حکومت اقلیم کردستان، به سرکوب حق آزادی بیان و تجمع ادامه می‌دهند. آنها خودسرانه روزنامه‌نگاران، فعالان و منتقدان را دستگیر، محاکمه و زندانی می‌کنند. دو روزنامه‌نگار و سه فعال سیاسی که از اوت ۲۰۲۰ در بازداشت و در فوریه ۲۰۲۱ به اتهامات مرتبط با امنیت ملی محکوم شده بودند، با وجود فرمانی که در فوریه توسط نجیروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان صادر شد که مجازات آنها از پنج سال به دو سال کاهش یابد، در اعتراض به ادامه‌ی بازداشت خود در سال ۲۰۲۲ سه اعتصاب غذا کردند.

در ۶ اوت ۲۰۲۲ نیروهای امنیتی اقلیم کردستان برای سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز در شهرهای اربیل و سلیمانیه علیه تأخیر در پرداخت دستمزدهای دولتی و کمبود فرصت‌های شغلی، از گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیک استفاده کردند که منجر به زخمی شدن چندین نفر شد. نیروهای «آسایش»، آژانس اطلاعاتی و امنیتی حکومت اقلیم کردستان، حداقل ۲۰ خبرنگار را در ارتباط با پوشش اعتراضات برای مدت کوتاهی بازداشت کردند. حزب «نسل جدید» یکی از احزاب مخالفی که برای شرکت در تظاهرات فراخوان داد، گزارش داده که نیروهای «آسایش» ده‌ها تن از اعضای آن حزب را در خانه‌هایشان یا هنگام اعتراضات در اربیل و سلیمانیه دستگیر کرده‌اند. آنها پس از چند روز بازداشت، با قرار وثیقه بدون اطلاع از اتهام آزاد شدند. در ماه سپتامبر، نیروهای «آسایش»

[۵] مهدی حدادی، سیامک کریمی، «نقض حقوق بشر و جدایی‌طلبی: رویکرد انتقادی به نظریه جدایی چاره‌ساز در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۷۱۹-۷۱۶

[۶] همان، ص ۷۳۳

[۷] همان، صص ۷۲۰-۷۱۹

[۸] همان، ص ۷۳۳

[۹] <https://www.reuters.com/article/us-middle-east-crisis-kurds-saudi/saudi-arabia-says-hopes-kurdistan-vote-will-not-take-place-idUSKCN1BV1L7?il=0>

[۱۰] Amnesty International Report 2021/2, p.54

[۱۱] <https://www.amnesty.org/en/location/middle-east-and-north-africa/iraq/report-iraq/>

[۱۲] Ibid

[۱۳] Ibid

[۴] امیرعباس امیرشکاری دارای دکترای حقوق بین‌الملل، پژوهشگر فوق دکترای حقوق دانشگاه ژوهانسبورگ (از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۶) و وکیل پایه یک دادگستری است.

[۱] برای ملاحظه آمار «خانه آزادی» در مورد امتیاز جهانی آزادی (Global Freedom Scores) به این نشانی مراجعه کنید

[۲] برای مشاهده آمار «خانه آزادی» در مورد امتیازات مربوط به آزادی اینترنت (Internet Freedom Scores) به این نشانی مراجعه کنید.

[۳] برای مشاهده داده‌های گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد به این لینک مراجعه کنید.

[۴] برای ملاحظه آمار «خانه آزادی» در مورد امتیاز جهانی آزادی (Global Freedom Scores) به این نشانی مراجعه کنید. برای مشاهده داده‌های گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد به این لینک مراجعه کنید.

افزایش فشارها به دولت بریتانیا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



رژه لباس شخصی‌ها با موتورهای سنگین در یادگان «ولیعصر» تهران در حضور معاون سپاه پاسداران

کردن اقدامات آن ادامه می‌دهد. وی مدعی شده «دولت همیشه طیف کاملی از اختیارات موجود، از جمله اختیارات قوی ضدتروریسم مانند اعلام ممنوعیت را در صورتی که متناسب با شرایط باشد، برای مقابله با تهدیدات رژیم ایران و سپاه پاسداران در نظر می‌گیرد.»

بیش از ۳۰۰ فرد و نهاد ایرانی به دلیل فعالیت‌هایی که شامل نقض حقوق بشر نیز می‌شود، توسط بریتانیا تحریم شده‌اند که تعداد آنها به ۷۰ اقدام می‌رسد.

در همین حال، لرد بیشاپ و اسقف چلمسفورد کشیش گلی فرانسیس دهقانی نیز درباره سرکوب علیه اقلیت‌های دینی در ایران صحبت کردند. دهقانی خواستار ایجاد مسیرهای امن به بریتانیا برای ایرانیانی که با آزار و اذیت مذهبی مواجه هستند شده است.

او به لردها گفت: «در گزارش سالانه مشترک سازمان ماده ۱۸ و دیگر سازمان‌های مسیحی که اخیراً منتشر شده است، مشارکت فزاینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سرکوب فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مسیحیان برای دومین سال متوالی برجسته شده است.»

وی با اشاره به سرکوب اقلیت‌های مذهبی و معترضان توسط سپاه تأکید کرده احکام صادر شده برای فعالان مذهبی در ایران سنگین‌تر شده است.

پیش از این، روزنامه «سان»، سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت، گزارش داده بود تام توگندات وزیر امنیت و سوئلا براورمن وزیر کشور بریتانیا به جیمز کلورلی وزیر خارجه فشار می‌آورند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تروریستی قرار دهد.

تقریباً اغلب فعالان سیاسی و چهره شناخته شده اپوزیسیون با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا و بریتانیا موافق‌اند با اینکه به نظر می‌رسد در پشت صحنه لابی جمهوری اسلامی برای مانع‌تراشی علیه این روند فعال است.

به خشونت علیه معترضان در ایران توسط نیروهای امنیتی تحت کنترل سپاه پاسداران واکنش نشان دهند. نمایندگان پارلمان از دولت خواسته‌اند تا علیه این نهاد نظامی که توسط متحدان بریتانیا از جمله آمریکا تروریست شناخته شده است اقدام کند.

لرد والنی از حزب کارگر گفت: «اکنون بیش از چهار ماه است که مجلس عوام قطعنامه‌ای را برای تحریم سپاه پاسداران تصویب کرده است. اساس این سازمان تهدید مسلمانان علیه اسرائیل است، دقیقاً همان دلالی که دولت بر اساس آن حزب‌الله را تحریم کرده است. واضح است سرویس‌های اطلاعاتی ما متعهد به مقابله با آدم‌ربایی و قتل شهروندان در خاک بریتانیا هستند. به نظر می‌رسد در دولت موضعی وجود دارد که این کار انجام نشود، بنابراین آیا وزیر می‌تواند مجلس را روشن کند که جریان چیست؟»

لرد کالینز رهبر حزب کارگر نیز گفت: «زمان آن فرا رسیده است که بجای حرف زدن، عمل کنیم.»

لرد پیکلز از حزب محافظه‌کار تأکید کرد که در مورد پاسخ‌های دولت به پرسش‌های مربوط به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نکات مبهم وجود دارد. وی گفت: «به نظر می‌رسد در حال درجا زدن هستیم. سپاه برای نیابتی‌ها موشک ارسال می‌کند که به اسرائیل پرتاب کنند، از کودکان به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند، هزینه سازمان‌هایی را می‌پردازد که یک مادر انگلیسی و فرزندانش را به قتل رسانده‌اند. سپاه پاسداران چه کار دیگری باید انجام دهد تا دولت آن را تروریستی اعلام کند؟»

لرد هریس در همین ارتباط می‌گوید «وزارت خارجه انگلیس تروریستی بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برخلاف میل سایر بخش‌ها وتو می‌کند.»

اما لرد اندرو شارپ از معاونان وزارت کشور بریتانیا گفته «دولت تهدیدات سپاه را بسیار جدی می‌گیرد و به محکوم

● پایگاه خبری «نشنال» دوم خرداد در گزارشی نوشت اگرچه رأی پارلمان بریتانیا الزام‌آور نبود اما به وزراء فشار آورد تا نسبت به خشونت علیه معترضان در ایران توسط نیروهای امنیتی تحت کنترل سپاه پاسداران واکنش نشان دهند.

● لرد والنی از حزب کارگر گفته است «اکنون بیش از چهار ماه است که مجلس عوام قطعنامه‌ای را برای تحریم سپاه پاسداران تصویب کرده. اساس این سازمان تهدید مسلمانان علیه اسرائیل است، دقیقاً همان دلالی که دولت بر اساس آن حزب‌الله را تحریم کرده. واضح است سرویس‌های اطلاعاتی ما متعهد به مقابله با آدم‌ربایی و قتل شهروندان در خاک بریتانیا هستند. به نظر می‌رسد در دولت موضعی وجود دارد که این کار انجام نشود، بنابراین آیا وزیر می‌تواند مجلس را روشن کند جریان چیست؟»

● لرد پیکلز از حزب محافظه‌کار نیز تأکید کرده در مورد پاسخ‌های دولت به پرسش‌های مربوط به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نکات مبهم وجود دارد. وی گفت: «به نظر می‌رسد در حال درجا زدن هستیم. سپاه برای نیابتی‌ها موشک ارسال می‌کند که به اسرائیل پرتاب کنند، از کودکان به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند، هزینه سازمان‌هایی را می‌پردازد که یک مادر انگلیسی و فرزندانش را به قتل رسانده‌اند. سپاه چه کار دیگری باید انجام دهد تا دولت آن را تروریستی اعلام کند؟»

چهار ماه پس از رأی قاطع مجلس عوامل بریتانیا به تروریستی بودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دولت انگلیس برای تصویب تروریستی اعلام شدن سپاه بیش از پیش زیر فشار قرار گرفته است.

پایگاه خبری «نشنال» در گزارشی که ۲۳ ماه مه (دوم خرداد) منتشر شد می‌نویسد اگرچه رأی پارلمان بریتانیا الزام‌آور نبود اما به وزرای این کشور فشار آورده تا نسبت

حجت کلاشی: وسوسه‌های جمهوریخواهی و وسوسه‌های ایجاد یک جمهوری نوبنیاد است



اسطوره‌ها زمانی صرفاً به صورت شفاهی وجود داشته‌اند که طبیعتاً دسترسی مستقیم به آنها برای ما ممکن نیست. ما صرفاً از طریق منابعی که اشاره کردم به اسطوره‌های خود دسترسی داریم و می‌توانیم به تصویر آیین شهریار و نظام پادشاهی در این منابع بنگریم. البته این منابع در بازگویی روند رویدادها و عناصر داستان تفاوت‌هایی دارند. منابع دینی زرتشتی این اسطوره‌ها را بر مبنای جهان‌بینی خود بازنویسی یا بازنویسی کرده‌اند و داستان‌ها را به درون یک نظام هستی‌شناسی دینی ریخته‌اند و از این رو تفاوت‌هایی با شاهنامه که سرچشمه آن خدایانمک یا تاریخ رسمی و دولتی- ملی بوده در میان است. شادروان پورداوود می‌گوید: «قدیمی‌ترین خدایانمک یا شاهنامه ایران همان دوازدهمین نسک اوستا بوده که تا قرن سوم هجری یعنی در زمان آذرفرینغ مولف دینکرد نیز موجود بوده است.» اما در دست نبودن این نسک باعث می‌شود که نتوانیم آن را با سایر نسک‌های اوستا و نیز دیگر کتب پهلوی و شاهنامه برابر نهیم و همانندی و ناهمانندی‌های آنها را دریابیم. فارغ از این تمایزها که در میان است، در همه این روایت‌ها هسته اصلی داستان حفظ شده و تنها با نظام معرفتی متفاوتی بازگویی شده‌اند. این از ویژگی‌های داستان‌های شفاهی و پیشاتاریخی یا اسطوره هاست که در هر زمانه می‌توانند به شکلی که روح کلی آن دوران است یا نیازی که بدان‌ها هست، بازسازی شوند.

-پیدایش پادشاهی و نظام شهریار در این منابع چگونه شرح داده شده؟

-در شاهنامه، کیومرث نخستین کسی است که دیهیم بر سر می‌نهد و اولین پادشاه است اما نخستین انسان نیست. فردوسی داستان کیومرث را در بخش پیدایش مردمان نگفته، بلکه آن را در بخشی جدا آورده که در آن پیدایش ←

فیروزه نوردستروم- در روایت‌های اساطیری و حماسی، آیین شهریار و نظام پادشاهی چگونه تعریف شده‌اند؟ روایات حماسی ایران چگونه بوده؟ آیین شهریار و نظام پادشاهی چگونه می‌تواند به پیشبرد گفتمان دموکراسی در قرن بیست و یکم و جهانی که حتا به چند دهه پیش شبیه نیست کمک کند؟ کیهان لندن در ادامه‌ی گفتگوهای خود با فعالان سیاسی جریانات مختلف، اینبار چنین پرسش‌هایی را با حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه در میان گذاشته است. وی در رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران تحصیل کرده و چند سال است که در خارج کشور زندگی می‌کند و به تازگی برای ایجاد یک تشکیلات مشروطه‌خواه سراسری بر اساس الگوی «انجمن‌های مشروطه» تلاش می‌کند.

-در روایت‌های اساطیری و حماسی، آیین شهریار و نظام پادشاهی چگونه تعریف شده‌اند؟

-بطور کلی می‌توانیم منابعی را که در آنها به اسطوره‌ها و روایات حماسی ایران پرداخته شده به دو بخش تقسیم کنیم. نخست تصاویر و نقاشی‌ها که روی سنگ‌ها، ظروف و این قبیل اشیا نقش بسته‌اند و می‌توان از جزئیات آنها عناصر اسطوره را دید و مفاهیم را استنباط کرد که پرداختن به آنها در اینجا به درازا می‌کشد. اما منبع دوم گنجینه‌های نوشتاری هستند. وداها و اوستا به ویژه بخش پشت‌های اوستا، از قدیمی‌ترین منابعی است که داستان شاهان و پهلوانان را می‌توانیم در آنها بیابیم. همچنین کتاب‌هایی که به زبان پهلوی بجا مانده، متون مانوی و صورتی از این روایت‌ها که به دوره اسلامی منتقل شده و در کتاب‌های پس از اسلام به زبان فارسی و عربی گرد آمده‌اند، از دیگر منابع نوشتاری در این حوزه هستند.

● «فرّ از جمشید به این دلیل گسست که دچار غرور گشت و دروغ گفت. شاه نگاهبان راستی یا قانون الهی آفرینش است؛ از این روی فرّ از او رفت و به مهر پیوست. مهر فرشته فروغ و پیمان است؛ دروغ بی‌فروغی و تاریکی می‌آورد هم در روان و هم در کشور.»

● «از دیدگاه آنها [مدافعان وحدت اسلام] وظیفه‌ی حکومت مستقر در ایران، کمک برای ساخته شدن امت اسلام است. به این معنا که برای تاسیس امت اسلام، باید ملت ایران از بین برود. این نابودی ملت در برابر امت، سخنگویانی جدی در تاریخ معاصر داشته است. آل احمد هم چنین چیزی می‌گفت. در کنار این امت اسلام، جنبش‌های چپ و کمونیستی هم ایران را یکی از شعب سوسیالیسم بین‌الملل در نظر می‌گرفتند و سیاست را امری در خدمت کارگران جهان و رسیدن به دیکتاتوری جهانی پرولتاریا می‌دانستند. در آن شکل هم ایران و ملت ایران باید هزینه رسیدن به دیکتاتوری پرولتاریا و اتحاد کارگران جهان را می‌پرداخت. این دو نحله که به دولت ایران و سیاست ملی حمله کردند، در عمل و به عنوان نیروهای در صحنه توانستند در ادغام با هم، در ایران به قدرت برسند.»

● «پدیداری ملت ایران روندی طبیعی داشته و نتیجه جریانی سیاسی یا ایدئولوژی ملی و پروژه‌ای دولتی یا برآمده از نظام بین‌الملل جدید نیست. از این جهت پدیداری ملت ایران را نمی‌شود با تاریخ ناسیونالیسم در دنیای جدید و غرب فهمید و سنجید.»

● «آیین شهریار به ناسیونالیسم و ملی‌گرایی ارتباطی ندارد. چون مسئله ما هرگز «ملت‌سازی» نبوده است. اینکه برخی در بحث توسعه مدام از ناامان ماندن پروژه ملت‌سازی صحبت می‌کنند یا آن را به دوره رضاشاه نسبت می‌دهند، از بی‌سوادیشان سرچشمه گرفته و هرگز در ایران مسئله‌ای به نام ملت‌سازی وجود نداشته. ملت ایران بطور طبیعی وجود داشته و دارد؛ ساختن ملتی که موجود است، محال است! اما اگر ملی‌گرایی را به معنای جنبش سیاسی مثلاً در معنای دفاع از استقلال میهن و یا آنطور که در ادبیات مدرن به کار می‌رود، دفاع از حق حاکمیت ملی بدانیم، آنگاه به آیین شهریار و ایده پادشاهی پیوندی می‌یابد.»

● «ما در تاریخ‌مان پس از مشروطه دو جمهوری داشته‌ایم: اولین جمهوری، جمهوری شوری سوسیالیستی ایران بود که کمونیست‌ها در شمال درست کردند. اغلب‌شان تروریست و کمونیست دواآتشه بودند. میرزا کوچک‌خان هم تا حدودی باهاشان همکاری کرد. حیدر برقی خرابکار قفقازی یا حیدرخان عموواغلو از سردسته‌هایشان بود. اگر پادشاهی به دادمان نرسیده بود حکومت لنین و استالین را می‌بایست تحمل می‌کردیم. دومی هم همین جمهوری اسلامی!»

● «خانم‌ها و آقایان ایران را به کارگاه نظریات درهم و برهم و آشفته خودشان تبدیل کرده‌اند. یک روز به هفتاد ملت تقسیم می‌کنند تا بعد ببینند با چه چسبی می‌شود بهم پیوست و یک روز در توهم گاندی و ماندلا شدن و شور یک انقلاب جدید می‌سوزند... امروز در سودای یک انقلاب از جنس گاندی و ماندلا و این اواخر هم می‌خواهند زلینسکی بشوند.»

که چنین تصویری از پیدایش و آغاز و نیا و نیاخاک در خاطره جمعی ایرانیان وجود داشته و این داستان ملی، در متون دینی و خدایانمکها ثبت شده است. کمتر ملتی در تاریخ بختاور بوده‌اند که تاریخ ملی و قومی‌شان در کتاب مقدسی نوشته شود و آن کتاب مقدس شاهان و نیاکان آنها را ستایش و برای آن سرزمین و مردمانش فرّ و درخشندگی آرزو کند. در اشتاد یشت آمده است: «بخشودوی فرّ ایرانی مزدا آفریده»، «آفرین می‌فرستیم به فرّ ایرانی مزدا آفریده»، «ما می‌ستاییم فرّ ایران را». در این متون داستان پیدایش یک ملت به زبان اسطوره بازگو شده است، ملتی که از سرچشمه‌ی مقدس زاده شده و در جویبار زمان جاری گشته و وظیفه شاهان این ملت آوردن توانگری و شادی و آبادانی است. این همان ایده‌ی ازلی-تاریخی- و ابدی بودن ملت است. موجود واحدی را نشان می‌دهد که دارای سرگذشت و سرنوشت و اراده تاریخی است. در واقع ملت- ایرانیان- همان موجودی است که در تاریخ ایستاده و داستانش چونان موجودی واحد گفته شده و این داستان، خود، یعنی پدیداری تاریخ. با پیشرفت تمدن، دانش انسان نسبت به زندگی و توان او برای پاسخ به نیازها افزایش می‌یابد و امور و نهادها و باورها برای پاسخ به نیازهای زندگی، فلسفه پیچیده‌تری پیدا می‌کنند. در داستان‌های ایرانی، دوره‌های مختلف تاریخ با پادشاهان نشان داده می‌شوند.

- با توجه به این توضیحات، نظام پادشاهی در این منابع چگونه تعریف شده؟

-فرزند کیومرث، سیامک است. فریدون جنیدی می‌گوید که سیامک یعنی غار تاریک، می‌توان پنداشت که این صورت اسطوره‌ای روزگارانی است که آدمی در غار و شکاف کوه‌ها می‌زیسته و برای نگهداری و پاسداشت خود از خطرات امکانات کافی نداشته است. تاریکی غار، دوران پیش از آتش را نشان می‌دهد و برای چیره شدن بر آنچه سیامک را از پای درآورده، به آتش نیاز است. به هر حال در این مرحله سیامک به دست دیو کشته می‌شود. هوشنگ نبیره کیومرث به خونخواهی و کین‌خواهی برمی‌خیزد. وظیفه او شکست دیو و نجات زندگی است. او دیو را می‌کشد و کین را می‌ستاند. همانطور که می‌بینیم شاه، وجهی حماسی و پهلوانی دارد. وقتی ایرج که نماد نیک‌اندیشی است و مر او را پدر، شهر ایران گزیده، به دست تور و سلم کشته می‌شود، وظیفه منوچهر ستاندن کین ایرج و بیرون راندن دشمنان از ایران است. داستان آرش کمانگر به همین دوره پهلوانی و بیرون راندن تورانیان از ایران در زمان منوچهر، مربوط است. در داستان ایرج، میان ایران، ایرانیان و ایرج پیوستگی وجود دارد؛ گویی هر کدام آن دیگری را بازتاب می‌دهند. ایرج ایران را می‌تاباند و ایرانیان همان ایرج هستند؛ به این دلیل همه ایران خونخواه و کین‌ستان او می‌شوند. پادشاه در این دوره از جنس پهلوانان است؛ باید ایران را که مرزهایش با خون نیاکان و پهلوانان آبیاری شده است، نگاه دارد، دیو بدبختی و نداری را از کشور براند و آبادانی و آسایش بیاورد. نام خاندان منوچهر در یشت‌ها، اثیریو آمده یعنی یاری‌کننده‌ی ایرانیان. بعدها نهاد پادشاهی و پادشاه با نگهداری این ویژگی پهلوانی، تعبیر و بازگفت فلسفی و دینی می‌یابد. البته تفکیک دین و فلسفه در اینجا معادل تفکیکی که در دوران جدید وجود دارد، نیست.

چنین تصویری از نقش پادشاه در پاسداری از کشور و جذب آنچه خوب است و دفع آنچه بد، البته با تعبیر و شکل استدلال ارسطویی در دوران اسلامی هم ادامه می‌یابد. باباافضل‌الدین کاشانی در رساله «ساز و پیرایه شاهان پرمایه» می‌نویسد: «پادشاه نامی است باستانی و

کوی یا کی در اوستا یعنی فرزانه که با بینش و دیدن در پیوند است و به شاعر هم اشاره دارد. در یونان هم فرزاندگی یعنی سخنانی درباره خدایان که جنبه شاعرانگی داشت. اگر اینها را جدا ببینیم، بر پایه گفتار فردوسی ریشه بزرگی، در ریش‌سفیدی و پدری است که می‌شود همان ایده پدرسالاری؛ البته در اینجا خانواده را نباید به چشم خانواده هسته‌ای که شکل متاخر و نو از خانواده است دید. مفهوم بزرگی و مهتری بعدها جنبه دینی یافته و با بینش و پیشوایی پیوند یافته است. نطفه و هسته نهادها و باورهای



تمبر چاپ شده در دوران جمهوری شوروی ایران

که در تمدن‌های پیشرفته بعدی نمایان می‌شود، در همین دوره‌های ابتدایی قرار دارد؛ به گفتار دیگر، هر دوره، ماده‌ی صورت بعدی است.

مهرداد بهار داستان کیومرث را مربوط به دوره متأخرتر و کشف فلزات می‌داند، اما مطابق آنچه فردوسی گفته و دیگر شواهد که در متون تاریخ کلاسیک آمده، روزگار او به دوره پیش از کشف فلزات می‌پیوندد و باید گفت پیش از پیدایش دوره فلزات شکل اولیه سلسله مراتب اجتماعی و هسته نخستین فرمانروایی پدیدار شده است؛ اما شکل اولیه پادشاهی با پیدایش فلزات پدیدار می‌شود. در متون دینی، پیوستگی میان پادشاهی و فلزات را، شهریور نشان می‌دهد. شهریور که در عالم روحانی نماینده سلطنت ایزدی و فرّ و اقتدار خداوند است؛ در جهان مادی پاسبان فلزات است و فرّ و فیروزی پادشاهان دادگر نیز با اوست. این اسطوره‌ها همگام با افزایش تجربه‌ی بشری در شکم دوره‌های مختلف بالیده و با نقش و کارکرد نو زاده می‌شوند.

دامن این گفتار درباره نخستین صورت اسطوره‌ای پادشاهی را همینجا می‌چینیم تا به نکات دیگری درباره ادامه روند این اسطوره اشاره کنم. دوره هوشنگ دوره بهبود ساخت خانه است و انسان توانسته آتش را بیابد و آنرا به کار گیرد و فلزات را از سنگ بیرون کشد و آغاز شهرنشینی را نشان می‌دهد. شهر یعنی نظم و محدوده و برای پیدایش شهر، آدمی باید امکانات تمدنی تولید و نگهداری غذا را در نزدیک سکونتگاه ایجاد کند؛ یعنی دانش کافی برای کشاورزی یا اهلی کردن گیاهان در کنار اهلی کردن حیوانات. برخی منابع آغاز پادشاهی را همین دوره می‌دانند؛ ریشه شاه یعنی خشت‌تیا یا خشت و نیرو و فرمانروایی در پیوند است. این سلسله به فریدون می‌رسد و او ایران را به فرزندش ایرج می‌دهد.

این مقدمه را با همه طولانی بودن گفتم تا بتوانم بگویم

بزرگی و مهتری را در اجتماع انسانی نشان داده است که به نظر هسته تاریخی آن به جامعه ابتدایی و احتمالاً به دوره نظام‌های همخون برمی‌گردد که در آن رابطه خونی و نسبت پدر و فرزندی شناخته می‌شود و مثلاً شکل اولیه‌ای از سوگ و مویه و نمایش جمعی این سوگواری وجود دارد. می‌توان پنداشت که در این پرده، پیدایش نظام اجتماعی جدیدی بر پایه تمایز نقش‌های اجتماعی و پدیداری سلسله مراتب، نمایان شده که در آن با گونه ابتدایی فرمانروایی روبرو هستیم. فردوسی می‌گوید که داستان این روزگاران سینه به سینه، گفته شده و سرچشمه شفاهی دارد:

سخنگوی دهقان چه گوید نخست

که نام بزرگی به گیتی که جست

که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد

ندارد کس آن روزگاران به یاد

...

پژوهنده نامه باستان

که از پهلوانان زند داستان

چنین گفت کابین تخت و کلاه

کیومرث آورد و او بود شاه

کیومرث را گرشاه و گل‌شاه نیز گفته‌اند. بلعمی می‌گوید گر، کوه است و کیومرث را پادشاه کوه خوانده‌اند. فردوسی می‌گوید: «کیومرث به کوه اندرون ساخت جای». از این اشاره‌ها می‌شود گمان برد که با روایتی اسطوره‌ای از دوره کوه‌نشینی و زندگی انسان در شکاف کوه‌ها و غارها روبرویم.

معنای لغوی «کیومرث» زنده‌ی میرا است. زنده‌ی میرا در برابر زنده‌های نامیرا! داستان و افسانه‌های یونانی بیشتر با همین زنده‌های نامیرا سر و کار دارد؛ اما شاهنامه و بندش و بسیاری از متون تاریخی ما با همین زنده‌ی میرا می‌آغازند؛ یعنی نه تنها تاریخ بلکه اسطوره نیز داستان همین موجود زنده‌ی میرا، یعنی انسان است. از این رو با امور انسانی سر و کار دارد؛ انسانی که در جامعه بسر می‌برد، تنها نیست و زندگی جمعی دارد و همین زندگی جمعی از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین صورت‌های اخیر را به خود گرفته و زیسته است. این همان ماده اولیه است که چهار دگرگونی‌های درونی شده و در درازای روزگاران، رخت‌های تاریخی به تن کرده و رخت‌های گوناگون به خود گرفته است.

در بندش اما کیومرث نخستین بشری است که اهورامزدا آفریده و از صلیب «مشی» و «مشیان» پدید آمده‌اند اما شاه نیست. در اوستا و برخی منابع پس از اسلام مانند اثر حمزه اصفهانی نیز، پادشاهی با کیومرث نمی‌آغازد بلکه هوشنگ نوه یا نبیره کیومرث است که پهلوانی کرده و کین از دیو ستانده و نخستین شاه است. در اوستا کیومرث نخستین کسی است که به گفتار اهورامزدا گوش فرا داده است. در کرده ۲۴ فروردین یشت فقره ۸۶ فروهر کیومرث ستایش شده و در فقره ۸۷ در مورد کیومرث آمده است: «فروهر کیومرث پاک را می‌ستاییم. نخستین کسی که به گفتار و آموزش اهورامزدا گوش فراداد و از او خانواده» ایرانی پدید آمد. بنابراین از دیدگاه اوستا و نخستین برگزیده و پارسایی است که به فراخوان اهورامزدا آری گفته است. اگر این دو ریخت گفتار را در طول هم بگذاریم، پیوستگی میان ایده شاه و ایده پارسایی که با خدا- یا خدایان- در ارتباط است؛ دیده می‌شود. یعنی می‌توان پنداشت که پیدایش بزرگی و مهتری میان جوامع ابتدایی مبتنی بر خون، به گونه رازآمیزی بر بنیاد داشتن نیرو و یا توان ارتباط با جهان دیگر استوار شده است.

→ شاه در سخن باستان اصل و خداوند باشد و پاد، پاییدن و دارندگی. یعنی- معنایش می‌شود- اصل و خداوند پاییدن و دارندگی.»

باباافضل در این رساله کوشیده دستوری بسازد «سر جمله مکارم اخلاق را که شاهان را به کار است تا آن را برابر دل و دیده دارند و سامان شاهی را از آن به پای آرند». این رساله اگرچه غرضش دستوری اخلاقی است اما به شیوه‌ای فلسفی و با رعایت قواعد منطقی، مرتب و به شاهان به عنوان راهنمای سامان شاهی، عرضه شده است. اینجا تمایز ظریف اما ژرفی میان آنچه باباافضل به پادشاه برای سامان شاهی، پیشکش کرده با آنچه ماکاویلی در کتاب شهریار ارائه و به مدیچی تقدیم کرده وجود دارد.

همین تمایز، جوهر جدایی و شکاف بین فلسفه سیاسی مدرن با فلسفه پیش از خود را نشان می‌دهد. ماکاویلی در مورد ارزش «شهریار» می‌نویسد این رساله «دانش کردار مردان بزرگ است، که از تجربه طولانی‌ام در مورد امور معاصر و مطالعات مستمر در امور باستان به دست آمده». بابا افضل به شاهانی که این رساله را می‌خوانند و خواهند خوانند می‌گوید که پادشاهی میراث باستانی است و از شکافتن این نام باستانی -پاد+شاه- پادشاهی را تعریف و ماهیت آن را توضیح داده است و سپس جای شاه را در نظام هستی روشن می‌کند. گفتار سیاسی بابا افضل، بحثی در اخلاق است همانطور که خواجه نصیر هم در «اخلاق ناصری» همین رویه را اتخاذ کرده. دلیلش این است که پادشاهی، در شکل آرمانی یک الگوی کهن دارد و به تعالی روح مربوط است. درواقع هم خواجه نصیر و هم بابا افضل و هم سهروردی با نظر به این الگوی باستانی شاهی آرمانی یا شهریاری نیک، سیاست را در ارتباط با روح و اخلاق طرح کرده‌اند؛ چرا که شهرستان نیکویی یا خوبی یا شهر آرمانی و نیک یا شهریور یعنی پادشاهی آرزو شده- در مورد اهورامزدا همان ملکوت بی‌زال او- به دست پادشاه آرمانی درست می‌شود و کار شاهان الگوبرداری و نزدیک شدن به این سرمشق عالی است. شیخ اشراق در رساله لغت موران که داستان کیخسرو و جام گیتی‌های را آورده، به همین وجه نظر دارد. کیخسرو شاه آرمانی ماست؛ در ارت پست، کیخسرو یل ممالک ایران و متحدکننده کشور خسرو نامیده شده است. این تعبیر اوستا از ایران به عنوان کشور خسرو یا همان کشور شاهان هم جالب است. سهروردی، کیخسرو را همان حکیم اشراقی می‌بیند که می‌تواند همه بندها را گشوده و خلع بدن کند و نور اسپهبدی را از بندرها کند. نور اسپهبدی- یا اسفهبیدی- همان روح انسانی یا نفس ناطقه است. اسپهبد یعنی فرمانده قوا. بدن قوای ظاهری و باطنی دارد که اسپهبد و فرمانده‌شان، نفس انسانی است. این نور یا روح توان خروج از قلعه و دژ بدن را دارد.

سهروردی حکمت خویش را حکمت خسروان نامیده است یعنی حکمتی که خسروان داشته‌اند؛ خسروانی که مانند پیامبران بنی‌اسرائیل و یا قدیسان دیگر مذاهب هستند. در ادامه می‌کوشم به سرمشق یا کهن‌الگوی این گفتارها که سرچشمه باستانی دارد، اشاره کنم؛ البته در این مجال نمی‌توان جدایی‌ها بین برداشت دینی مزدیسنا و حکمت خسروانی را نشان داد.

در گذر از نظام‌های اجتماعی بر بنیاد خون به نظام‌های مبتنی بر قلمرو و سرزمین، پیوستگی میان نیا و خاک پدیدار شد. از سوی دیگر در این شکل نو از ساختار اجتماعی، ایده آغاز یا سرچشمه، وحدت و ایده بهترین شناخته شد. نظام اجتماعی یا تمدن نو که بر پایه شهرها و امکانات بهتر برای تولید غذا و دانش کشاورزی، آب، فصول و گاهشماری است، داستانی بر پایه این ایده‌هاست. گذار از اسطوره به تاریخ،

گذار از یک ریخت زندگی به ریخت دیگر است و وظیفه فلسفه فهم این بودن‌ها، شدن‌ها، گسست‌ها، پیوستگی‌ها و شکل‌گیری مفاهیم و مضمون‌ها یا پدیداری عقل در تاریخ است مگر نه شبیه او را خواهد شد. یعنی هستی که از جایی آغاز شده و آن آغازکننده خود بهترین است؛ همین ایده بعدها در زبان دین می‌شود اهورامزدا. زرتشت اهورامزدا را در هرمزد یشت مقدس‌ترین خرد آفریننده جهان مادی خوانده است. آنچه این خرد مقدس ساخته نیز دادگرانه و بهترین است. اهورامزدا در هرمزد یشت به زرتشت می‌گوید «جویای سلطنت نیکی نام من است، کسی که بیشتر جویای سلطنت نیکی است، نام من است شهریار دادگر، نام من است دادگرتین شهریار». در اینجا بهترین با عادلانه‌ترین یکی است؛ یعنی همان نظم و نظام احسن. اگر اهورامزدا مقدس‌ترین خرد است؛ خردهای مقدس دیگر هم وجود دارند که از اویند. داریوش‌شاه در کتیبه بیستون می‌گوید: آنچه کردم به یاری اورمزد کردم. اورمزد مرا یاری کرد و یغان دیگر که هستند. سهروردی در رساله‌های فارسی خود دیدار با این خردهای مقدس آسمان معنا را به زبان رمز نشان می‌دهد. میان آن بهترین و آفریده‌های سلسله مراتب وجود دارد و نیکان و فروهر هایشان همکار همان بهترین بی‌عیب هستند تا اراده شرف یا خرد سیاه به آن آسیبی نزنند. در فروردین یشت فقره ۱۲ آمده: «اگر فروهرهای توانای پاکان مرا یاری نمی‌کردند هر آینه از برای من در اینجا بهترین جنس جانوران و انسان‌ها باقی نمی‌ماند.»

به این ترتیب پادشاهی نظم و نظامی درون این هستی‌شناسی بوده...

در آسمان اهورامزدا مقدس‌ترین خرد توانا با شش امشاسپند یعنی بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد که جلوه‌های اویند یک سلطنت روحانی که بر بنیاد داد و راستی است آراسته و این پادشاه مقدس اگرچه همه جاست (به قول حافظ، شاهد هر جایی) اما جایگاه ویژه او یا بارگاهش در گروسمان است. پورداوود می‌گوید گویا همین سلطنت سرمشق پادشاهان هخامنشی بوده است. این داوری هر آینه درست دیده می‌شود. آن پافشاری بر راستی که شاهان هخامنشی در کتیبه‌ها دارند؛ به همین باور بر می‌گردد.

در یسنای ۱۳ امشاسپندان شهریاران نیک خوب کنش خوانده شده‌اند. همانگونه که پروردگار و نیروهای سلطنت و شهریاری آسمانی دارند و بر بارگاه خود با یارانش نشست و جهان را با داد و قانون راستی اداره می‌کند؛ روی زمین نیز پادشاه چنین است. شهری در بالاست و شهری در پایین. در یسنای ۱۱، بند ۱۱ آمده: راستی بهترین نیکی است و هم مایه سعادت است. سعادت از برای کسی‌ست که راست و خواستار بهترین راستی‌ست. در بند ۱۲ می‌گوید بشود به کام و خواهش خود تو ای اهورامزدا به آفریدگان خود شهریاری کنی... به راست شهریاری دهید و به دروغ ناتوانی. اما پادشاهی می‌تواند نظمی مانند نظم الهی برپا دارد که شهریار خوب باشد یعنی پیرو راستی و دشمن دروغ. در یسنا آمده: (باشد که شهریاران خوب شاهی کنند، با کردارهای حکمت خوب. ای آرمیتی شهریاران بد را بر ما فرمانروایی مباد. صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰ شهر زیبا) در کرده ۷ یسنای ۴۰ فقره ۲ آمده: (ای مزدا اهورا بشود که ما جاودان از کشور نیک تو بهره‌مند شویم بشود که شهریار نیکی در هر دو جهان به ما چه مرد و چه زن سلطنت کند). چنین شاهانی، فره ایزدی یا یاور آسمانی و الهی دارند. در بند ۲۰ هرمزد یشت زرتشت از مزدا می‌پرسد: (کیست

آن پیرومندی که از روی دستور تو باید مردم را در پناه خود بگیرد، به واسطه یک الهام به من بگو کیست داور نجات دهنده این جهان که به این کار گماشته گردیده چنین داوری که به نزد او اطاعت و منش پاک مقام گزیده داوری که تو خود او را خواستاری مزدا) اگرچه آن داور زرتشت است اما به نظر دیگرانی را که مانند او هستند نیز در بر می‌گیرد. در بند ۲۱ هرمزد یشت به فر کیانی و ایران ویج درود فرستاده می‌شود و به شهریاری که به منزله نگهبان بیچارگان است. در بند ۲۳ توانایی و قوت و و زور و پیروزی و فر و نیرو ستایش شده. در یسنای ۶۰ فقره ۴ گفته شده که توانگری از درستکاری و پارسایی‌ست.

پس برای اینکه کشوری آباد و توانگر باشد باید راستان بر آن فرمان برانند. چرا که (فروهرها با میل به آنجایی در آیند که مردان مقدس نسبت به راستی با ایمان‌تر باشند و در آنجایی که بزرگترین خیران تهیه شود و در آنجایی که مرد مقدس طرف ستیزه نباشد) فقره ۲۵ فروردین یشت کرده ۱ در فقره ۱۸ گفته شده کسی که در طی زندگانی از فروهرهای پاکان خوب مواظبت کند یک شهریار پیرومزد (پیرومزدترین شهریار گردد) چنان شهریارانی فره ایزدی یا فره کیانی دارند. در کرده ۱ زامیاد یشت گفته شده: (فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می‌ستایم، آن فر بسیار ستوده زبردست، پرهیزگار، کارگر چست را که برتر از سایر آفریدگان است) با این فر کیانی است که (کیانیان چالاک، همه پهلوان، همه پرهیزگار، همه چست و همه بی‌باک شدند). چنین فری، این ویژگی‌ها را نمایندگی می‌کند که در بردارنده توانایی‌های تن و روان است. از این روی وقتی شاهی از او فر می‌گسست، او ناتوان گشته و آشوب پدیدار می‌شود؛ وقتی کیکاووس همانند جمشید بی‌فر شد؛ شکوهش رفت و افراسیاب ایران را زیر سم اسبان ویران کرد. پس آبادانی و توانگری در کشور به بودن شاهی‌ست که با فر و شکوه باشد. و:

کسی را دهد تخت شاهی خدای

که با فر و برز است و با هوش و رای

به این دلیل پس از کیکاووس، با اینکه طوس فریبرز را برای شاهی در نظر داشت، گیو و گودرز کیخسرو را دارند فر کیانی می‌دانستند و او پس از گشودن دژ بهمن بر تخت شاهی نشست و شکوه و آبادی به کشور بازگشت.

این را هم بگویم و تمام کنم. فر از جمشید به این دلیل گسست که دچار غرور گشت و دروغ گفت. شاه نگاهبان راستی یا قانون الهی آفرینش است؛ از این روی فر از او رفت و به مهر پیوست. مهر فرشته فروغ و پیمان است! دروغ بی‌فروغی و تاریکی می‌آورد هم در روان و هم در کشور. در یسنای ۶۰ فقره ۴ آمده: توانگری از درستکاری و پارسایی‌ست.

گفتمان ملی‌گرایی چه ارتباطی با آیین شهریاری و نظام پادشاهی دارد؟

ملی‌گرایی ترجمه ناسیونالیسم است و ناسیونالیسم تعریف‌های متعددی دارد. اول باید دید منظور از ناسیونالیسم چیست. گاهی ناسیونالیسم به معنای پروژه‌ای سیاسی برای ساختن «ملت» است؛ یعنی طرح و نقشه یک دولت برای مهندسی و درست کردن ملت. مانند آنچه در آناتولی روی داد و طی یک پروژه سیاسی، ملت ترکیه از درون خاکستر عثمانی، مهندسی و ساخته شد. برای این مهندسی و پدید آوردن ملت، تاریخ و عقبه و هویت و زبان رسمی درست شد و بسیاری از زبان‌ها و هویت‌ها با برنامه رسمی نابود و یا انکار گشت. این معنا و مضمون ناسیونالیسم اصلا ربطی به ایران ندارد؛ بنابراین به ←

→ آیین شهریاری هم ربطی پیدا نمی‌کند.

همانطور که در پاسخ به پرسش نخست نشان دادم، پدیداری ملت ایران روندی طبیعی داشته و نتیجه جریانی سیاسی یا ایدئولوژی ملی و پروژه‌های دولتی یا برآمده از نظام بین‌الملل جدید نیست. از این جهت پدیداری ملت ایران را نمی‌شود با تاریخ ناسیونالیسم در دنیای جدید و غرب فهمید و سنجید. این سخنان هم ناسیونالیستی- به معنای شور و شوق ملی‌گرایانه و شکوهمند دیدن ملت- نیست. این سخنان ربطی به این علاقه و شکوهمند دیدن وطن و ملت ندارد بلکه بحث علمی است. این سخنان را مثلا آدم اسمیت که از بزرگترین متخصصان حوزه مطالعات ناسیونالیسم است نیز گفته است. حتی هابزباوم هم که ملت را پروژه دولتی و رسمی می‌داند، ایران را ملتی قدیمی و هزاره‌ای می‌بیند و نه متعلق به دوران جدید. بنابراین به این معنا آیین شهریاری به ناسیونالیسم و ملی‌گرایی ارتباطی ندارد. چون مسئله ما هرگز «ملت‌سازی» نبوده است. اینکه برخی در بحث توسعه مدام از ناتمام ماندن پروژه ملت‌سازی صحبت می‌کنند یا آن را به دوره رضاشاه نسبت می‌دهند، از بی‌سوایشان سرچشمه گرفته و هرگز در ایران مسئله‌ای به نام ملت‌سازی وجود نداشته. ملت ایران بطور طبیعی وجود داشته و دارد؛ ساخت ملتی که موجود است، محال است! اما اگر ملی‌گرایی را به معنای جنبش سیاسی مثلا در معنای دفاع از استقلال میهن و یا آنطور که در ادبیات مدرن به کار می‌رود، دفاع از حق حاکمیت ملی بدانیم، آنگاه به آیین شهریاری و ایده پادشاهی پیوندی می‌یابد. در دوره‌هایی که ایران در اسارت و بند انبرانیان و دشمنان و بیگانگان بود جنبش‌های ملی به نظام پادشاهی ارتباط پیدا کردند. در پاسخ به پرسش نخست اشاره کردم که در دوره اسطوره، نبرد با توران با پیشوایی شاه روی داد و داشت یک پادشاهی مستقل در ایران ایده کهنی است. هرگاه ایران شکست خورده و اشغال شده این ایده که پادشاهی حق ایرانیان یا فرزندان ایرج است، ایده‌ای زنده و جریان‌ساز بوده است. در دوره امویان و عباسیان نیز چنین بود.

امرا و فرمانروایان شجره خود را یا به پهلوانان باستانی که نجات‌بخش ایران و یاور شاه بوده‌اند می‌رساندند یا به شاهی نامدار نسبت می‌دادند. طاهریان خود را از پشت رستم جهان پهلوان نامدار ایران می‌دانستند و از سویی هم به منوچهر نسب می‌رساندند. روشن است که نسب رساندن به رستم یا منوچهر فرزند ایرج و می‌تواند به چه ایده‌های غیرمستقیمی رهنمون شود. صفاریان همانطور که در تاریخ سیستان آمده، نسب خود را به ساسانیان و شاهنشاه خسرو پرویز می‌رساندند؛ یعقوب منشور خلیفه را نداشت اما در کنار شمشیر بر همین ایده‌ی تداوم شاهنشاهی ایران و میراث ساسانی تکیه داشت. آل‌بویه و سامانیان هم خودشان را به ساسانیان می‌رساندند. حتی جالب است که بدانیم خوارزمشاهیان هم خودشان را به دوره سیاوش پسر کیکاووس کیانی می‌خواندند. شاه اسماعیل هم خود را پشت شاهان کیان دانسته است.

پس می‌بینیم که از قدیم ایده‌ی پادشاهی ایرانزمین با ایده‌ی استقلال و داشت حکومت مستقل ملی در پیوند بوده است. پس اگر ملی‌گرایی به معنای جنبش دفاع از ملت و دولت باشد از دیرباز با پادشاهی همراه بوده و این تداوم و حفظ وحدت ملی و پاسداری از ایران با پادشاهی ممکن شده است. این مسئله به نظر من فقط در مورد تاریخ قدیم نیست بلکه در تاریخ معاصر هم همین وضعیت حاکم است. بدون پادشاهی نمی‌توانستیم از درون جنگ جهانی اول و دوم بدون آنکه رشته‌ی حیات ملی‌مان آسیب جدی ببیند، بیرون آییم. از سوی دیگر در

ارتباط با وضع فعلی باید بگویم وظیفه حکومت دنبال کردن سیاست در راستای منافع ملی و خیر عمومی است. در این صد و اندی سال اخیر، جنبش‌های ضدملی نظیر بنیادگرایی اسلامی و ایده‌ی وحدت اسلام ظهور کردند که سیاست را خرج کردن ایران برای امت اسلام تعریف کرده‌اند، البته ایده‌ی اتحاد اسلام چه در ترکستان و چه در عثمانی در دوره عبدالحمید، تاریخ مفصلی دارد که نمی‌شود اینجا به آن پرداخت. شکلی از آن مقارن با ظهور صفویه هم وجود داشت که مثلا می‌شود در افکار لاهیجی آنرا دید. از دیدگاه آنها وظیفه‌ی حکومت مستقر در ایران، کمک برای ساخته شدن امت اسلام است. به این معنا که برای تاسیس امت اسلام، باید ملت ایران از بین برود. این نابودی ملت در برابر امت، سخنگویانی جدی در تاریخ معاصر داشته است. آل احمد هم چنین چیزی می‌گفت. در کنار این امت اسلام، جنبش‌های چپ و کمونیستی هم ایران را یکی از شعب سوسیالیسم بین‌الملل در نظر می‌گرفتند و سیاست را امری در خدمت کارگران جهان و رسیدن به دیکتاتوری جهانی پرولتاریا می‌دانستند. در آن شکل هم ایران و ملت ایران باید هزینه رسیدن به دیکتاتوری پرولتاریا و اتحاد کارگران جهان را می‌پرداخت. این دو نحله که به دولت ایران و سیاست ملی حمله کردند، در عمل و به عنوان نیروهای در صحنه توانستند در ادغام با هم، در ایران به قدرت برسند.

اکنون ما در تقابل با این وضعیت و در برابر ایده‌ی ضد ملی انقلاب ۵۷ می‌توانیم، نام آن نیرویی که سیاست را در واحد ملی و در معنای تأمین مصلحت و خیر ملی می‌داند، جریان و جنبش ملی بگذاریم. در این صورت صف‌آرایی‌ای که اینسو و آنسو گسل ۵۷ درست می‌شود، عبارت از نظام فعلی و نظام پیشین است. نظام پیشین نماینده استمرار تاریخی دولت ایران و حق حاکمیت ملی است. نظام پیشین در پیوند با این ایده‌ها و داشت کارنامه درخشان می‌تواند زمین سفت و جای مطمئنی برای ایستادن درون این مبارزه سیاسی باشد.

- آیین شهریاری و نظام پادشاهی چگونه می‌تواند به پیشبرد گفتمان دموکراسی در شرایطی که جهان به شدت دگرگون شده کمک کند؟

- ما در تاریخ‌مان، پس از مشروطه دو جمهوری داشته‌ایم. این را طرفداران جمهوری پنهان می‌کنند و آنگاه پادشاهی مشروطه را مثلا در میان جنگ جهانی اول و دوم یعنی در درون بحران، با بهترین جمهوری‌های امروز دنیا مقایسه می‌کنند تا کارنامه جمهوریخواهی را پنهان کنند.

اولین جمهوری، جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران بود که کمونیست‌ها در شمال درست کردند. اغلب‌شان تروریست و کمونیست دوآتشه بودند. میرزا کوچک‌خان هم تا حدودی باهاشان همکاری کرد. حیدر برقی خرابکار قفقازی یا حیدرخان عموواغلو از سردسته‌هایشان بود. اگر پادشاهی به دادمان نرسیده بود حکومت لنین و استالین را می‌بایست تحمل می‌کردیم. هنوز این جمهوریخواهان در حالی که برای میرزای شهید اشک می‌ریزند، رضاشاه را به زیر پا گذاشتن قانون اساسی مشروطه متهم می‌کنند اما نمی‌گویند همان زمان، با تاسیس اولین جمهوری میرزا و رفقای کمونیست‌اش فاتحه قانون اساسی را می‌خواندند. نمی‌گویند پیش از برآمدن رضاشاه همین جمهوریخواهان مجلس ملی را زمینگیر کردند و نمایندگان از دست اوپاش هفت‌تیرکش و ترقه‌انداز امنیت جانی نداشتند. نخست وزیر و نماینده مجلس ترو می‌کردند! اگر بنا بر بازخوانی کارنامه است چرا به اولین جمهوری واقعا موجود در ایران

نمی‌پردازند؟ رضاشاه که آمد و این تروریست‌ها و خرابکارها را مهار کرد، از همین دشمنان ضد آزادی، قهرمان آزادی ساختند! مسئله اساسی و مشکل در بسط آزادی در پس از مشروطه، آزاد شدن نیروی مخربه در قالب جمهوریخواهی بوده است که نمی‌گذاشت پارلمان کار کند. همین خرابکارها نشستند و کتاب‌هایی از جنس «گذشته چراغ راه آینده است» نوشته و از خرابکارها، مجسمه آزادی تراشیدند؛ تا امروز امثال آقای کورش زعیب و دوستان جبهه ملی‌اش هر کجا که می‌نشینند آن سخنان بی‌بنیاد را تکرار کنند. آدم شرمنده می‌شود که سطح فهم این افراد حتی با تجربه این چهل سال اخیر و چشیدن آشی که البته دست‌پخت دوستانشان بوده، از حد یک جوان پرشور چپ انقلابی دهه چهل فراتر نرفته است. همین قوه مخربه نه تنها نمی‌گذاشت نهادهای آزادی شکل بگیرد بلکه باعث گسترش ناامنی و ترور و ترقه‌بازی در کشور شده بود. چرا نمی‌گویند پیش از برآمدن رضاشاه، جمهوریخواهان چه بلایی سر مجلس ملی و قانون اساسی آوردند؟ چون این مسائل جدی را نمی‌فهمند؛ یعنی فهم‌شان از فهم آن جوان پرشور دهه چهل پیشتر نرفته، نمی‌توانند بفهمند؛ کار رضاشاه تثبیت نهادهای آزادی بود. اگر آناشسیسم کنترل نمی‌شد، یعنی در فقدان امنیت، آزادی همان ترقه‌های حیدرخان می‌بود.

دومین جمهوری هم که همین جمهوری اسلامی! حالا می‌گویند که خمینی نگذاشت ما آن جمهوری خودمان را که خیلی خوب بود پیاده کنیم. این سخنان هم برآمده از نادانی و جهل مرکب است. اندازه بازرگان هم نمی‌فهمند. مهدی بازرگان که اولین نخست‌وزیر انقلاب بود با همه نفهمی‌اش، به خاطر تجربه‌ای که در عمل به دست آورد متوجه نکته مهمی شد و گفت ما باران می‌خواستیم، سیل آمد! البته که شیفتگان انقلاب، با سطح فهم نازلی که دارند نمی‌توانند حتی نکته مهم و البته ژرف گفته بازرگان را دریابند. بازرگان در وسط آن سیل و به عنوان نخست‌وزیر انقلاب، فهمیده بود که آنها به غلط تصور می‌کردند، شاه و نظام پیشین مانع باریدن باران شده، پشت آن سد باران نبوده و نمی‌توانسته باشد. اتفاقا آن نظام و شاه، سدی در برابر سیل بنیان‌کنی بود که بازرگان با غور در مطهرات نمی‌توانست منطق و ارزشش را دریابد اما پس از نخست‌وزیر شدن، با دیدن سیل فهمید، انقلاب ابرهای باران‌زا را آزاد نکرده بلکه سیل و نیروی مخرب را رها کرده است؛ همان گولی که به سستی داخل بطری مهار شده بود تا کشور پیشرفت کند و آزادی‌ها پا بگیرد.

الان هم وسوسه‌های جمهوریخواهی، وسوسه‌های ایجاد یک جمهوری نوین‌یاد است. یعنی همان داستان شعاعیان که می‌گفت تاریخ کارگاه انقلاب است. خانم‌ها و آقایان ایران را به کارگاه نظریات درهم و برهم و آشفته خودشان تبدیل کرده‌اند. یک روز به هفتاد ملت تقسیم می‌کنند تا بعد ببینند با چه چسبی می‌شود بهم پیوست و یک روز در توهم گاندی و ماندلا شدن و شور یک انقلاب جدید می‌سوزند. این قماربازان برایشان چیزی نممانده الا هوس قماری دیگر. تا دیروز چریک بودن مد بود؛ عاشق چه گوارا و قذافی از این اردوگاه به آن اردوگاه می‌رفتند تا آدمکشی یاد بگیرند، امروز در سودای یک انقلاب از جنس گاندی و ماندلا و این اواخر هم می‌خواهند زلینسکی بشوند.

مهار این آشوب‌ها و هوا و هوس‌ها و در امان ماندن از سیلی که با یک جمهوری نوین‌یاد جاری خواهد شد، بازگشت به همان نظام پادشاهی مشروطه است. انقلاب در همین معنا، کار درست تاریخی‌ست که می‌تواند پیشرفت و آزادی و امنیت را با هم و در کنار هم پیش ببرد و درهای ماجراجویی را ببندد.

در سالگرد فروریختن «متروپل» آبادان، فهرست ساختمان‌های نایمن پایتخت منتشر شد



مرکز شهر تهران به نام «ساختمان ۱۵۳» رخ داد و یکی از آتش‌نشانان اعزام‌شده به این محل، جان خود را از دست داد. تیرماه سال گذشته آتش‌سوزی گسترده‌ای در بیمارستان «رسول اکرم» تهران رخ داد و علت آن آغاز آتش‌سوزی بخشی از طبقه دوم ساختمان شماره ۲ و بخش گوش و حلق و بینی عنوان شد. پیش از این آتش‌سوزی بیمارستان «رسول اکرم» در فهرست بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نایمن قرار داشت که دستور تخلیه آن نیز تا پایان تیرماه از سوی رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران صادر شده بود. از سه ساختمان این بیمارستان، گفته می‌شد که ساختمان شماره ۳ «اخطار بحرانی» دریافت کرده ولی آتش‌سوزی در ساختمان شماره ۲ رخ داد.

موضوع ساختمان‌های نایمن در پایتخت پس از سوختن پلاسکو در دی ۱۳۹۵ که به کشته شدن ۱۶ آتش‌نشان و چند شهروند منجر شد مورد توجه قرار گرفت. در این حادثه که به دلیل فرسودگی و نایمندی تأسیسات رخ داد بیش از ۲۰ نفر جان باختند و حدود ۲۳۵ تن مجروح شدند. آواربرداری پلاسکو، حدود ۹ روز به طول انجامید و طی آن ۱۹۰۰ کامیون حدود ۲۰ هزار تن خاک و نخاله را از محل خارج کردند.

هر چند در سال‌های گذشته بارها موضوع ایمن‌سازی ساختمان‌های پایتخت از سوی مقامات مختلف مورد تأکید قرار گرفته اما تا کنون اقدام عملی و موثری در اینباره صورت نگرفته است.

اگرچه اغلب ساختمان‌های نایمن قدیمی هستند اما عدم رعایت ایمنی در ساخت و ساز و تجهیز تأسیسات نوساز نیز گزارش شده است.

یک سال پیش در نیمروز دوم خردادماه ۱۴۰۱ ساختمان متروپل آبادان به دلیل تخلیفات در ساخت و شکست ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند. ←

با همکاری سازمان پیشگیری و مدیریت شهرداری تهران و سازمان آتش‌نشانی در جریان است. خیرگزاری «ایرنا» با اعلام اینکه غلامعباس ترکی گفته انتشار عمومی فهرست ساختمان‌های نایمن منع قانونی ندارد، فهرست آنها را منتشر کرده است.

در این فهرست اسامی چند بیمارستان از جمله بیمارستان «رسول اکرم»، بیمارستان «امام خمینی»، بیمارستان «لولوگر»، بیمارستان «طرفه»، بیمارستان «سینا»، بیمارستان «بوعلی»، بیمارستان «شهدای یافت‌آباد»، بیمارستان «فیاض‌بخش» دیده می‌شود.

همچنین مجتمع‌های تجاری معروفی نظیر مجتمع تجاری بام‌لند، پاساژ میری ۱، مجتمع تجاری اداری خلیج فارس، بازارچه سنتی ستارخان، مجتمع خلیج فارس ۲، مجتمع تجاری یادگار، مجتمع تجاری و پارکینگ توحید، مرکز خرید سپهر، پاساژ ناهید، مجتمع ونک پارک، پاساژ کویتی‌های انقلاب، پاساژ میلاد قائم، پاساژ مهستان، پاساژ صفوی در این فهرست وجود دارند.

از سوی دیگر خوابگاه‌های برخی دانشگاه‌ها مانند خوابگاه دانشگاه «شریعتی» و خوابگاه دانشگاه «شاهد» و ساختمان‌های ادارات دولتی نظیر اداره مالیات غرب تهران و ساختمان جهاد کشاورزی نیز جزو ساختمان‌های نایمن پایتخت اعلام شده‌اند.

طی سال‌های گذشته حادثه در ساختمان‌های نایمن سبب خسارت‌های مالی و جانی گسترده‌ای شده است. هفته گذشته انبار بزرگ لوازم بدکی موتورسیکلت در حوالی میدان رازی و خیابان مولوی تهران در ۳۰ اردیبهشت دچار آتش‌سوزی شد. بیش از ۱۷ نفر مصدوم شده و دست‌کم چهار مغازه بزرگ و ۱۰ خانه آتش گرفتند.

بیش از دو ماه پیش در اسفند ۱۴۰۱ نیز آتش‌سوزی گسترده‌ای در یکی از ساختمان‌های تجاری خیابان بهار در

- در فهرست ساختمان‌های نایمن تهران نام ده‌ها بیمارستان، مجتمع تجاری، خوابگاه دانشجویی و اداره دولتی به چشم می‌خورد.

- در اسفند ۱۴۰۱ آتش‌سوزی گسترده‌ای در یکی از ساختمان‌های تجاری خیابان بهار در مرکز شهر تهران به نام «ساختمان ۱۵۳» رخ داد و یکی از آتش‌نشانان اعزام‌شده به این محل، جان خود را از دست داد.

- تیرماه سال گذشته نیز آتش‌سوزی گسترده‌ای در بیمارستان «رسول اکرم» تهران رخ داد و علت آن آغاز آتش‌سوزی بخشی از طبقه دوم ساختمان شماره ۲ و بخش گوش و حلق و بینی عنوان شد.

- موضوع ساختمان‌های نایمن در پایتخت پس از سوختن پلاسکو در دی ۱۳۹۵ که به کشته شدن ۱۶ آتش‌نشان و چند شهروند منجر شد مورد توجه قرار گرفت.

- علاوه بر ساختمان‌های قدیمی که بازسازی و ایمن نمی‌شوند، بناهای نوساز نیز خارج از استاندارد بنا می‌شوند. یکسال پیش در ۲ خرداد ساختمان نوساز «متروپل» در آبادان فرو ریخت که ۵۳ کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشت.

خیرگزاری «ایرنا» شامگاه سه‌شنبه دوم خرداد در سالگرد فروریختن ساختمان «متروپل» آبادان فهرستی از ۹۳ ساختمان نایمن تهران را منتشر کرده است.

خیرگزاری «ایرنا» به نقل از غلامعباس ترکی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور نوشت که برای هر یک از ساختمان‌های نایمن در دادستانی تهران پرونده تشکیل شده است.

به گفته این مقام قوه قضاییه تعداد ساختمان‌های نایمن از نظر نقص اطفای حریق و مسئولیت آتش‌نشانی در تهران از ۱۲۹ فقره به ۹۳ ساختمان کاهش یافته و پس از تشکیل پرونده برای این ساختمان‌ها در قوه قضاییه، اقدامات قضایی

علی اکبر احمدیان رئیس مرکز راهبردی سپاه پاسداران جایگزین علی شمخانی شد



علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی

شمخانی پس از آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی در جمع سفرای خارجی برداشت «برخی در داخل» از «نرمش قهرمانانه» را «غلط» دانست کناره‌گیری کرده است. ضمن اینکه در مضمون همان یک بیت شعر که توییت کرده بود به اینکه پیام برای کنار رفتن‌اش آمده اشاره شده است.

فساد شمخانی و خانواده

مهدی صدرالساداتی که برادرش روح‌الله صدرالساداتی عضو مجلس خبرگان در سال‌های اخیر در چند نوبت به افشای فسادهای شمخانی و اعضای خانواده‌اش پرداخت و با سند و مدرک نشان داد که آنها هزاران میلیارد تومان فساد مالی دارند و برج‌های تجاری-مسکونی با قیمت‌های نجومی ساخته‌اند.

فشار به شمخانی برای کناره‌گیری از مقامش بعد از اعدام علیرضا اکبری که گفته شد جاسوس انگلیس بود افزایش یافت. اکبری معاون امور بین‌الملل وزارت دفاع در دوره علی شمخانی بود.

سخنرانی‌ها و مواضع علی اکبر احمدیان نشان می‌دهد که او بر مقابله با «جنگ نرم» و «جاسوسی» تمرکز دارد. او در چند سخنرانی هشدار داده «در جنگ نرم دشمنان بر روی نخبگان و مسئولان متمرکز می‌شوند تا دستگاه محاسباتی آنها را دچار اختلال کنند».

وی معتقد است «نفوذ سخت» از جنس اقدامات امنیتی و جاسوس‌گرفت (از بین مقامات) است و نفوذ «نیمه سخت» هم به دنبال اشغال سیستم‌هاست و در نهایت «نفوذ نرم» نیز اختصاص به مسئولان و نخبگان جامعه دارد تا دستگاه محاسباتی آنها را مختل کند.

سردار احمدیان می‌گوید «بخش قابل توجهی از نشریات تخصصی با هدف بمباران اطلاعاتی منتشر می‌شوند تا مسئولان را دچار اشتباه کنند».

وی بیان می‌کند «یکی از کارها برای جلوگیری از نفوذ، تقویت ارزش‌های اسلامی است... زیرا نفوذ به درون فرد انقلابی دشوار است. به همین خاطر دشمن در پی تضعیف ارزش‌ها و ایجاد یأس و ناامیدی به منظور فراهم ساختن زمینه‌های تحقق نفوذ است».

● علی شمخانی در توییتی با یک بیت از اشعار محتشم‌کاشانی نوشت: «حرفی که در حجاب ز گفت و شنود بود، آخر به رمز گفت و به ایما شنود و رفت.» ساعاتی بعد «نور نیوز» رسانه وابسته به این شورا اعلام کرد شمخانی قطعاً کنار می‌رود.

● اصلی‌ترین جریان مخالفان شمخانی تیم سعید جلیلی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی است. به همین دلیل همواره مطرح می‌شد در صورت کنار رفتن وی جلیلی جایگزین او می‌شود. اما یک روز بعد در اول خردادماه رسانه‌های داخلی نوشتند در یادار پاسدار علی اکبر احمدیان رئیس مرکز راهبردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جانشین او می‌شود.

● فشار به شمخانی برای کناره‌گیری از مقامش بعد از اعدام علیرضا اکبری که گفته شد جاسوس انگلیس بود افزایش یافت. اکبری معاون امور بین‌الملل وزارت دفاع در دوره علی شمخانی بود.

● سخنرانی‌ها و مواضع احمدیان نشان می‌دهد بر مقابله با «جنگ نرم» و «جاسوسی» تمرکز دارد. او در چند سخنرانی هشدار داده است «در جنگ نرم دشمنان بر روی نخبگان و مسئولان متمرکز می‌شوند تا دستگاه محاسباتی آنها را دچار اختلال کنند».

در شرایطی که ماه‌ها شایعات و بحث‌های زیادی در مورد کناره‌گیری علی شمخانی از «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» مطرح می‌شد وی یکشنبه شب ۳۱ اردیبهشت در توییتی تلویحاً اعلام کرد که از سمت خود کنار خواهد رفت.

شمخانی در توییتی با یک بیت از اشعار محتشم‌کاشانی نوشت: «حرفی که در حجاب ز گفت و شنود بود، آخر به رمز گفت و به ایما شنود و رفت.»

ساعاتی بعد نورنیوز در خبری نوشت «در حالی که طی هفته‌های اخیر در محافل مختلف، شایعات زیادی در خصوص قصد دریا بان شمخانی برای کناره‌گیری از دبیری شورای عالی امنیت ملی بر سر زبان‌ها بود، انتشار شعری معتادار در صفحه نشان می‌دهد که کناره‌گیری وی از این سمت پس از ۱۰ سال، قطعی است.»

اصلی‌ترین جریان مخالفان شمخانی تیم سعید جلیلی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی است. به همین دلیل همواره مطرح می‌شد در صورت کنار رفتن وی جلیلی جایگزین او می‌شود. اما یک روز بعد در اول خردادماه رسانه‌های داخلی از جمله وبسایت روزنامه «اعتماد» نوشتند که در یادار پاسدار علی اکبر احمدیان رئیس مرکز راهبردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جانشین او می‌شود. وی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است و «اعتماد» که مدیرمسئول اصلاح‌طلب آن الیاس حضرتی فرمانده سابق سپاه گیلان است نوشته «پیگیری‌های اعتماد آنلاین نشان می‌دهد این انتصاب قطعی است.»

در یادار علی اکبر احمدیان از سال ۱۳۸۶ تا کنون، ریاست مرکز راهبردی سپاه پاسداران را بر عهده دارد. از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران بود و در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ ریاست ستاد مشترک سپاه پاسداران را برعهده داشت.

➔ مالک این ساختمان حسین عبدالباقی یکی از رانتخواران در استان خوزستان بوده است که طی دو دهه از آجیل‌فروشی به همراه برادرانش در مغازه پدری در آبادان به یکی از مافیاهای زمین و ساختمان تبدیل شد.

بر اساس گزارش‌ها، بسیاری از مقامات شهر آبادان و استان خوزستان در روند تبدیل شدن حسین عبدالباقی به مافیای اقتصادی از وی حمایت کرده‌اند. حسین عبدالباقی با پولپاشی و رشوه مسیر خود را برای زمین‌خواری و ساخت‌وسازهای کلان در استان خوزستان هموار کرده بود. ساخت بناهای مختلف برای نهادهای حکومتی، ارسال تجهیزات اداری، نصب کولر در ادارات و سازمان‌ها، و آسفالت محوطه‌های متعلق به دستگاه‌های حکومت و انواع رشوه در غالب هدیه و به اصطلاح نیکوکاری از جمله این پولپاشی‌ها بوده است.

گزارش‌های دیگری که در نخستین روزهای پس از ریزش ساختمان منتشر شد نیز نشان می‌داد که بیش از یک سال پیش از آن عدم رعایت استانداردهای ایمنی و فنی در این ساختمان گزارش شده و حتی در مورد ریزش این ساختمان هشدار داده شده بود. در یک مورد از این گزارش‌ها که نامه رئیس وقت سازمان نظام مهندسی آبادان درباره ۱۴ مورد تخلف در ساخت متروپل بوده، این نامه به شهرداری آبادان، امام جمعه، رئیس وقت شورای اسلامی شهر، فرمانداری ویژه آبادان، معاونت شهرسازی و مدیریت حراست شهرداری آبادان ارسال شده اما هیچ اقدامی از سوی مسئولان صورت نگرفته است!

گزارش‌ها نشان می‌دهد مجتمع برج‌های دولقی متروپل به قدری سست بود که ستون اصلی و حمل‌کننده مجتمع‌ها نشست و طبله کرده بود. تصاویر و ویدئوهای منتشر شده در فضای مجازی نیز چنین چیزی را نشان می‌دهد. مالک این ساختمان داربست‌هایی در اطراف پروژه کشیده بود که برخی مدعی هستند با هدف پنهانکاری وضعیت وخیم ساختمان انجام گرفته است. نخستین ساختمان متروپل پیش از این به بهره‌برداری رسیده بود و ساختمان دوم این پروژه دولقی که از آن به عنوان «مگا پروژه متروپل» یاد شده، در آخرین مراحل ساخت قرار داشت اما بهره‌برداری از طبقات پایینی آن آغاز شده بود. آذرماه گذشته دادستان اهواز از نهای شدن احکام ۲۱ متهم حادثه فروریختن ساختمان «متروپل» آبادان خبر داد که بر اساس آن متهمان فقط به ۳ سال زندان و پرداخت دیه بابت «قتل شبهه عمد» و «ایراد صدمه بدنی شبهه عمد مصدومین» محکوم شدند.

به گفته مسعود ستایشی حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، که ادعا شده جانب‌ناخته است، ۷۵ درصد مقصر بوده است. او همچنین افزوده «هر کدام از متهمان به سه سال حبس تعزیری محکوم و دو سال انفصال از خدمات عمومی و دولتی و منع اشتغال به حرفه ساختمان، لغو پرونده اشتغال و محرومیت از عضویت در سازمان نظام مهندسی محکوم شدند».

رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی آبان سال گذشته اعلام کرده بود که بر اساس تحقیقات این کمیسیون، علاوه بر حسین عبدالباقی مالک ساختمان متروپل، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی نیز از جمله مقصران ریزش ساختمان متروپل هستند و ناظر تعیین شده بر این پروژه نیز وظایف خود را به درستی انجام نداده است. این کمیسیون در گزارش اولیه نیز که هفته پیش منتشر شد بر تخلف دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و نظارتی در روند ساخت متروپل تأکید کرده بود.

محمد رضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته بود که «از نظر ما در کنار مالک، شهرداری آبادان و سازمان نظام مهندسی بیشترین تخلف را داشتند و البته دستگاه‌های ناظر نیز به وظایف خودشان به خوبی عمل نکردند».

ایران جزو ۲۰ کشور دارای بالاترین شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۲



و کارایی لازم برای تصمیم‌گیری و خروج از این وضعیت برخوردار نیست، بنابراین نمی‌توان انتظار کاهش شاخص فلاکت را داشت، بلکه باید منتظر رشد نرخ تورم و بیکاری باشیم که نتیجه آن نیز افزایش شاخص فلاکت است.»

مرکز آمار ایران اسفندماه سال ۱۴۰۱ گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد شاخص فلاکت در ایران طی پنج سال با افزایش حدود ۱۵۵ درصدی، از ۳/۱۹ درصد به ۴/۴۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

این آمار با بررسی هشت حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سلامت، زیرساختی، جنسیتی و بین‌نسلی بدست آمده بود و نشان می‌داد شاخص فلاکت در ایران در سال ۱۴۰۰ با اوج خود در ۲۵ سال گذشته رسیده است.

آخرین آمارهای ارائه شده از سوی مقامات حکومتی نشان می‌دهد که دستکم یک چهارم جمعیت کشور در «فقر مطلب» به سر می‌برند و به امکانات اولیه زندگی دسترسی ندارند.

بهر روز محبی نجم‌آبادی عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه مجلس شورای اسلامی گفته که «قریب به ۲۰ میلیون نفر در کشور در شرایط مساعدی نیستند که حدود ۳ میلیون خانوار بوده و دچار فقر مطلق هستند که این آمار در سامانه رفاه نیز مشخص است و باید به این افراد کمک جدی و اساسی شود.»

علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام صبح پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در پنجمین اجلاس رؤسای کمیسیون‌های شهرسازی و معماری کلانشهرها و مراکز استان‌ها گفت که «دو هزار و ۲۰۰ محله، و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت در سراسر ایران وجود دارد که از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲

فلاکت در سال ۲۰۲۲ را در اختیار داشته‌اند.

استاد دانشگاه جازن هاپکینز تأکید کرده که شاخص فلاکت در ایران بیشتر متأثر از افزایش نرخ تورم بوده است تا شاخص بیکاری.

همچنین در این رده‌بندی کشورهای زیمباوه، ونزوئلا، سوریه، لبنان و سودان به دلیل تورم و نرخ بالای بیکاری بالاترین میزان شاخص فلاکت اقتصادی در جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

سوئیس کمترین میزان فلاکت اقتصادی را دارد و در پایین‌ترین رده قرار گرفته است. پس از سوئیس، کشورهای کویت، ایرلند، ژاپن، مالزی و تایوان پنج کشور آخر این رتبه‌بندی هستند.

شاخص فلاکت در ایران مدت‌هاست به مرز هشدار رسیده است. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز اردیبهشت سال گذشته در رابطه با افزایش قیمت‌ها گفته شاخص فلاکت که از دو شاخص تورم و بیکاری به دست می‌آید در وضعیت «هشدار» قرار گرفته و افزوده که «به دو دلیل عمده شاخص فلاکت در وضعیت هشداردهنده‌ای قرار دارد؛ در وهله اول به دلیل وابستگی اقتصاد ایران به خارج از کشور و واردات کالاهای مختلف، تشدید تحریم‌ها باعث شده که وضعیت اقتصادی ایران طی چند سال گذشته بسیار بغرنج شود که در این زمینه افزایش افسار گسیخته قیمت کالاهای اساسی و مایحتاج ضروری مردم و همچنین رشد ۶ برابری نرخ دلار در سه سال گذشته خود موبد این موضوع است.»

به گفته مرتضی افقه در ادامه گفته که «در وهله دوم نیز دولت هیچ برنامه اقتصادی برای برون رفت از وضعیت فعلی ندارد، تیم اقتصادی فعلی دولت نیز از تجربه، توان

● ایران با شاخص ۳/۷۳ درصدی فلاکت در میان ۱۵۷ کشور رتبه‌بندی شده در جایگاه ۱۹ قرار دارد.

● در این رده‌بندی کشورهای زیمباوه، ونزوئلا، سوریه، لبنان و سودان به دلیل تورم و نرخ بالای بیکاری بالاترین میزان شاخص فلاکت اقتصادی در جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

● مرکز آمار ایران نیز گزارش داده که شاخص فلاکت در ایران طی پنج سال با افزایش حدود ۱۵۵ درصدی، از ۳/۱۹ درصد به ۴/۴۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

● «پایگاه داده‌ای باز ایران» در گزارشی به افزایش ۴۰ درصدی خودکشی در ایران پرداخته و با ارائه آمارهایی نشان داده این افزایش با نرخ فلاکت در ایران رابطه مستقیم داشته است.

بر اساس یک رده‌بندی جدید از شاخص فلاکت ایران جزو ۲۰ کشور دارای بالاترین «شاخص فلاکت» در سال ۲۰۲۲ و حتی گابون و عراق وضعیتی بهتر از ایران دارند.

بر اساس رده‌بندی کشورها بر اساس «شاخص فلاکت» که توسط پروفیسور استیو هانکه اقتصاددان برجسته و استاد دانشگاه جازن هاپکینز تهیه شده ایران جزو بیست کشوری است که بالاترین میزان فلاکت اقتصادی در جهان را در سال ۲۰۲۲ داشته است. عراق، لیبی و گابون وضعیتی بهتر از ایران داشته‌اند.

گزارش جدید پروفیسور استیو هانکه در رابطه با میزان فلاکت اقتصادی نشان می‌دهد که ایران با شاخص ۳/۷۳ درصدی فلاکت در میان ۱۵۷ کشور رتبه‌بندی شده در جایگاه ۱۹ قرار دارد. ایران، لبنان، یمن، سوریه، ترکیه و ونزوئلا از جمله کشورهایی بوده‌اند که بالاترین حد شاخص

سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.»
 این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنانش، محرومیت از تحصیل کودکان و نوجوانان را هم یادآور شد و گفت: «۸۷۴ هزار ترک تحصیل شش تا ۱۷ ساله در کشور شناسایی شده‌اند.»
 «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی به افزایش ۴۰ درصدی خودکشی در ایران پرداخته و با ارائه آمارهایی نشان داده این افزایش با نرخ فلاکت در ایران رابطه مستقیم داشته است.

طی یک دهه گذشته بیش از ۴۰ هزار مرگ ناشی از خودکشی توسط نیروی انتظامی ثبت و ضبط شده است. این رقم بیش از دو برابر کل آمار قتل در دهه ۱۳۹۰ است، که کمتر از ۲۰ هزار تن گزارش شده بود.

در گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» تأکید شده که افزایش ۴۰ درصدی میزان خودکشی منجر به مرگ در ایران رابطه مستقیمی با افزایش شاخص فلاکت در کشور دارد. شاخص فلاکت حاصل جمع جبری دو شاخص تورم و بیکاری و سهم استان‌ها از اقتصاد از حاصل تقسیم آمار تولید ناخالص داخلی هر استان به محصول ناخالص داخلی کل کشور است. دهه ۹۰ خورشیدی مردم ایران در معرض شدیدترین بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار داشته‌اند. قابل توجه اینکه در نیمه دوم دهه ۹۰ که تورم و رکود اقتصادی افزایش پیدا کرده و فقر گسترده‌تر شده، آمار خودکشی نیز سیر صعودی داشته است. طبق آمار نیروی انتظامی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، هر سال بطور متوسط ۴۱۸۳ نفر در ایران به دلیل خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. با این حساب نرخ مرگ و میر ناشی از خودکشی ۱/۵ مورد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است.

پراکندگی آمار خودکشی بیانگر اینست که استان‌های غربی ایران با میزان بیشتری خودکشی در سال روبرو بوده‌اند. بطور مشخص نرخ خودکشی در استان کرمانشاه ۸/۱۱ به ازای ۱۰۰ هزار نفر، در استان ایلام ۵/۱۱ به ازای ۱۰۰ هزار نفر و در استان کهگیلویه و بویراحمد ۵/۱۰ به ازای ۱۰۰ هزار نفر است که بیش از دو برابر متوسط کشوری محاسبه می‌شود. پس از آن استان‌های لرستان، همدان و چهارمحال بختیاری بالاترین آمار خودکشی به نسبت جمعیت را دارند.

«پایگاه داده‌های باز ایران» با انتشار نقشه پراکندگی خودکشی، شاخص فلاکت و توزیع محصول ناخالص داخلی، ارتباط مستقیم آنها را با یکدیگر نشان داده است. بر اساس تصویر بالا، نیمه سمت چپ نقشه‌های خودکشی و فلاکت شباهت و همخوانی زیادی با یکدیگر دارند. استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد هم در آمار خودکشی و هم در شاخص فلاکت در پنج سال گذشته بدترین وضعیت را در سراسر کشور داشته‌اند.

نقشه توزیع محصول ناخالص داخلی هم نشان می‌دهد استان‌های غربی کشور جزو کم‌پرخوردارترین مناطق به حساب می‌آیند. در این نقشه مورد خوزستان به دلیل استقرار صنایع نفتی در این استان استثنایی است. شرایط تهران هم به دلیل پایتخت بودن متفاوت است. اگر این دو استان را کنار بگذاریم، میان دو نقشه خودکشی و سهم استان‌ها در اقتصاد هم همخوانی به وجود می‌آید.

این موضوع نشان می‌دهد میان نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم، به عنوان عوامل اقتصادی که تبعات اجتماعی آنها فراگیر است، ارتباط وجود دارد. اگرچه این عوامل تنها عوامل موثر بر بالا یا پایین نرخ خودکشی در یک منطقه نیستند.

ولودیمیر زلینسکی به مردم ایران: همدست ترور و جنایت‌های روسیه نشوید و سمت شرّ تاریخ نایستید!



ولودیمیر زلنسکی

● در ویدیویی که روز چهارشنبه ۲۴ مه ماه (سوم خرداد) از زلینسکی منتشر شده وی عنوان کرد پهلپادهای «شاهد» که در ایران تولید می‌شوند نقش عمده‌ای در حملات روسیه به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین دارند.
 ● در بخشی از این پیام آمده «امروز می‌خواهم مستقیماً از فرد فرد مردم ایران، جامعه، نخبگان و کسانی که می‌توانند بر تصمیم‌های حکومتی در ایران تأثیرگذار باشند، بپرسم: از همدستی با ترور روسیه چه منفعتی عایدتان می‌شود؟»

● آن بخش از اظهارات زلینسکی که خواسته مردم ایران «همدست» ترور و جنایت‌های روسیه نشوند و در تاریخ «در سمت شرّ» قرار نگیرند با واکنش‌های مختلفی از سوی مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شده است.

● بعضی با اشاره به اینکه مردم ایران خودشان قربانی جنایت‌های رژیم با پشتیبانی ولادیمیر پوتین هستند با انتشار تصویر مربوط به حضور کاردار نظامی سفارت اوکراین در تهران در مراسم ویژه «سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی» به زلینسکی توصیه کرده‌اند برای همدستی نکردن با شرّ ابتدا از مقامات کشورش شروع کند که دعوت نظامی‌ها در ایران را رد نکرده و در مراسم آنها شرکت کرده‌اند!

ولودیمیر زلینسکی رئیس‌جمهوری اوکراین از جمهوری اسلامی خواسته تا در ارسال پهلپادهای انتحاری به روسیه تجدید نظر کند.

در ویدیویی که روز چهارشنبه ۲۴ مه ماه (سوم خرداد) از زلینسکی منتشر شد وی عنوان کرد پهلپادهای «شاهد» که در ایران تولید می‌شوند نقش عمده‌ای در حملات روسیه به شهرها و زیرساخت‌های غیرنظامی اوکراین دارند.

زلینسکی با اشاره به اینکه تعداد زیادی از این پهلپادا توسط پدافند اوکراین سرنگون شده آمار داد از مجموع ۱۱۶۰ فرزند پهلپادی که به اوکراین حمله کردند ۹۰۰ فرزند سرنگون شده است. با این حال توضیح داد برخی از این پهلپادا به هدف اصابت کردند و خانه‌های غیرنظامیان، مدارس، کلیسا، بیمارستان‌ها، تأسیسات نیروگاهی و مراکز خرید و اماکن مربوط به توزیع کمک‌های امدادی و بشردوستانه را تخریب کرده‌اند.

در بخشی از این پیام ویدیویی آمده «امروز می‌خواهم مستقیماً از فرد فرد مردم ایران، جامعه، نخبگان و کسانی که می‌توانند بر تصمیم‌های حکومتی در ایران تأثیرگذار باشند، بپرسم: از همدستی با ترور روسیه چه منفعتی عایدتان می‌شود؟... شما مردم تهران یا شیراز یا سقز یا هر شهر دیگری در کشورتان... چه چیز عاید شما می‌شود؟ متأسفانه انزوی بیشتر و مشکلات بزرگ‌تر.»

رئیس جمهوری اوکراین ادامه داد: «این کشتار پوچ چه نفعی برای ایران دارد؟ توسط روس‌ها اما با تسلیحات شما... پهلپادهای شاهد شما که هر شب اوکراین را وحشت‌زده می‌کند، تنها به این معناست که مردم ایران بیشتر به سمت تاریک تاریخ رانده می‌شوند.»

زلینسکی در پیام ویدیویی خود بار دیگر تأکید کرد که هدف روسیه به بردگی گرفتن اوکراین است و برای همین جنگ را علیه این کشور به راه انداخته است. او افزود «مردم ایران می‌توانستند کاملاً در شرایط متفاوتی زندگی کنند، اگر با شرارتی همچون تجاوز روسیه در یک سمت قرار نگرفته بودند.»

آن بخش از اظهارات زلینسکی که خواسته است تا مردم ایران «همدست» ترور و جنایت‌های روسیه نشوند و در تاریخ «در سمت شرّ» قرار نگیرند با واکنش‌های مختلفی از سوی مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شده است.

بعضی با اشاره به اینکه مردم ایران خودشان قربانی جنایت‌های رژیم با پشتیبانی ولادیمیر پوتین هستند با انتشار تصویر مربوط به حضور کاردار نظامی سفارت اوکراین در تهران در مراسم ویژه «سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی» به زلینسکی توصیه کرده‌اند برای همدستی نکردن با شرّ ابتدا از مقامات کشور خودش شروع کند که دعوت نظامی‌ها در ایران را پذیرفته و به مراسم آنها رفته‌اند!

برخی دیگر می‌گویند با اطلاعات درستی به زلینسکی داده نشده یا شاید نتوانسته معنای آنچه را می‌گوید به درستی بیان کند.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی ارسال پهلپاد برای روسیه را انکار می‌کنند اما گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی اوکراین و همچنین کشورهای عضو ناتو نشان می‌دهد که رژیم صدها فرزند از انواع پهلپاد را از راه‌های هوایی و دریایی از طریق دریای مازندران به روسیه ارسال کرده است.

حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی آبان‌ماه ۱۴۰۱ در یک مصاحبه اعتراف کرد که ایران به روسیه پهلپاد داده است اما افزود که این تسلیحات قبل از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار گرفته بود.



عکس هفته | حکم قتل حکومتی محمد قبادلو، ۲۲ ساله، تأیید شد!